

گاهنامه‌ی "برابری"

نشریه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و
فرهنگی زنان / شماره سوم / بهار ۱۴۰۴
(۲۰۲۵)



نسل زد:

از خیابان تا دنیای دیجیتال؛ خیرش یک
نسل برای تغییر

گاهنامه‌ی "برابری" نشریه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زنان / شماره سوم / فروردین ۱۴۰۴ / مارس ۲۰۲۵ / زیر نظر شورای سردبیران

موضوع این شماره: "نسل زد: از خیابان تا دنیای دیجیتال؛ خیزش یک نسل برای تغییر"

همکاران این شماره: دکتر سعید پیوندی، دکتر رضوان مقدم، پروین آزاد، گیتی عظیمی، الهه امانی، حیران مقدم، فرخ نعمت‌پور، رویا الف، بیژن میثمی، مریم، خدیجه، سهیلا، ماهرخ، گل بانو، جانان، هاله، مژگان، زینب، سحر، بامداد، داریوش، مهدی، شهره ایرانی، علی صمد

فهرست مطالب:

یک- یادداشت: نسل زد؛ نیروی تغییر و تحول / شورای سردبیران گاهنامه برابری

دو- مصاحبه پیرامون نسل زد در ایران / گفتگوی علی صمد با دکتر سعید پیوندی / جامعه شناس و استاد دانشگاه لورن (فرانسه)

سه- ویژگی‌های عمومی نسل زد و تفاوت‌های آن با نسل‌های قبلی در جامعه ایران / دکتر رضوان مقدم- جامعه شناس

چهار- نسل زد در ترکیه: فردای نو را بنیان می‌نهد / پروین آزاد

پنج- مبارزه پیگیرانه زنان جوان دانشجوی بنگلادش در گذار از دیکتاتوری / گیتی عظیمی

شش- مصاحبه‌های کوتاه با دختران جوان نسل زد در ایران / جمع‌آوری توسط شهره ایرانی از شورای سردبیران گاهنامه‌ی "برابری"

هفت- ارائه بی‌همتایی از هوش فناوری خاورمیانه / پروین آزاد

هشت- نسل زد ایران: از اعتراضات خیابانی تا مبارزات دیجیتال؛ زنان جوان در پی آزادی‌های فردی / مصاحبه علی صمد با الهه امانی / جامعه شناس

نه- نسل زد، میراثداران قره العین / حیران مقدم استاد اخراجی دانشگاه علامه

ده- نسل زد در کردستان / فرخ نعمت‌پور

یازده- نسل زد و عادات مطالعه: تاثیر فناوری دیجیتال بر کتاب‌خوانی در ایران / رویا الف.

دوازده- موسیقی نسل زد در ایران: تحولات، چالش‌ها و آینده‌نگری / بیژن میثمی

سیزده- تمرکز ترکیه بر هوش مصنوعی؛ ارتقای شغلی برای نسل زد / پروین آزاد

چهارده- مصاحبه‌های کوتاه با دختران و پسران نسل زد در ایران / جمع‌آوری توسط شهره ایرانی از شورای سردبیران گاهنامه‌ی "برابری"



نسل زد؛ نیروی تغییر و تحول



نسل نوین زد، بخش مهمی از مردم جهان را تشکیل می‌دهد که در آستانه تحولات بزرگ تکنولوژیک جهانی و اجتماعی زندگی می‌کنند. این نسل به دلیل زندگی در دنیای مجازی و در بستر اطلاعات آزاد، از وضعیتی متمایز نسبت به نسل‌های قبلی در جامعه برخوردار است. از این رو، تاثیرات عمیق و گسترده‌ای در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در ایران و سایر نقاط جهان ایجاد کرده است. این نسل دیجیتالی با بحران‌ها، دشواری‌ها، شرایط پیچیده و خاص خود مواجه است و در مواجهه با این وضعیت، پاسخ‌هایی نوین و تحول‌خواهانه ارائه داده که نشانگر کوشش‌های بی‌وقفه و عزمی راسخ برای ساختن آینده‌ای بهتر است.

در «گاهنامه برابری» شماره سوم، تلاش کرده‌ایم تا نسل نوین زد را از جنبه‌های گوناگون تحت بررسی قرار دهیم و خصوصیات، نگرانی‌ها و عوامل تاثیرگذار این نسل را بر جامعه و در دیگر عرصه‌ها تحلیل کنیم. نسلی که در دنیای مجازی رشد یافته و از ابتدا، نگاه متفاوتی به موضوعاتی همچون کار، تحصیل، جنسیت، محیط زیست، حقوق بشر، تبعیض و عدالت اجتماعی دارد. مشخصات منحصر به فرد نسل زد، از جمله استقلال فکری، جسارت، نوآوری و تسلط بر فناوری‌های دیجیتال، آنها را به نیروی موثر و کارآمد در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی تبدیل کرده است.

نسل زد، با مشارکت فعال در جنبش‌های گوناگون، بخصوص جنبش «زن، زندگی، آزادی»، تاثیرات جدی و چشمگیری در تحولات اجتماعی و سیاسی ایران گذاشته است. این جنبش، که توسط جوانان نسل زد سازماندهی و پیش برده شد، در کوتاه‌ترین زمان از یک اعتراض محلی به یک جنبش جهانی تغییر یافت. نوجوانان و جوانان این نسل، با به‌کارگیری از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های مجازی، توانستند صدای اعتراض خود را در عرصه بین‌المللی بازتاب دهند و مبارزات خود را به افق‌های جدیدی ارتقاء بخشند. در واقع، این نسل که در دنیای دیجیتال تربیت یافته، به‌خوبی آگاه است که چگونه از فناوری‌های نوین آنلاین برای بسیج، سازماندهی و انتقال پیام‌های خود به دیگران استفاده کند و در یک چشم به هم زدن، رسالت تغییر و تحول را به عرصه جهانی منتقل نماید.

مبارزات پیگیرانه نسل زد در ایران فقط منحصر به اعتراضات خیابانی نبوده است؛ بلکه بطور فعال در فضای دیجیتال و مجازی نیز ادامه دارد. این نسل، بویژه در دورانی که دسترسی به اطلاعات و ارتباطات آزاد به ضرورتی اساسی تبدیل شده، از پلتفرم‌های دیجیتال برای بیان خواسته‌های خود و همزمان با مسائل داخلی، به تحولات جهانی واکنش نشان می‌دهد. در این فرآیند، شاهد کوشش‌های بی‌وقفه و مداوم نسل زد هستیم که در عرصه‌هایی همچون حقوق زنان، رفع تبعیض‌های اجتماعی، عدالت اقتصادی و حقوق بشر فعالیت می‌کنند. از این جهت، نسل زد در ایران بدنبال برقراری یک سیستم اجتماعی و سیاسی است که در آن بطور واقعی حقوق فردی، آزادی‌های اجتماعی و مشارکت فعالانه در تصمیم‌گیری‌ها دست‌یافتنی شود.

در سطح بین‌المللی، نسل زد در کشورهای مختلف در حال ایجاد تغییرات اساسی است. در بنگلادش، این نسل بخصوص از میان دانشجویان و زنان جوان، حرکت‌هایی گسترده برای تغییر فضای سیاسی و اجتماعی به راه انداخته است. زنان و دختران دانشجو نقش پررنگی در این جنبش‌ها ایجاد کرده‌اند و با مبارزات خود برای برابری جنسیتی، حقوق اجتماعی و آزادی‌های فردی، تغییرات بنیادینی را رقم زده‌اند. کوشش‌های این نسل برای برکناری نخست‌وزیر قبلی شیخ حسینه و مبارزات آنها برای بدست آوردن حقوق سیاسی و اجتماعی، نمونه‌ای از قدرت‌نمایی و سازماندهی نسل زد از طریق فناوری‌های دیجیتال است. در ترکیه نیز نسل زد با تمرکز بر نوآوری‌ها و توسعه فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی، در تلاش است تا آینده‌ای نوین برای کشور خود شکل دهد. در «گاهنامه برابری» شماره سوم، با تحلیل وضعیت نسل زد در این کشورها، بخصوص در عرصه مبارزات اجتماعی و سیاسی، تلاش کرده‌ایم تصویری از عزم و اراده این نسل برای ساختن آینده‌ای بهتر و دموکراتیک‌تر ارائه دهیم.



با توجه به این تحولات، نسل زد در ایران و جهان، با ویژگی‌هایی همچون آگاهی بالا نسبت به نابرابری‌ها، تبعیضات و نارضایتی از وضعیت موجود، توانمندی در بسیج جمعی از طریق فناوری و شجاعت در مقابله با مشکلات، در مسیر ایجاد تغییرات اجتماعی و سیاسی بطور جدی قدم برداشته است. از این رو، شناخت دقیق‌تر و تحلیل جامع‌تر ویژگی‌های درونی و انگیزه‌های این نسل می‌تواند برای درک بیشتر نیازها، انتظارات و خواسته‌های آنها کمک کند و مقدمات تعامل بهتر و موثرتر میان نسل‌ها و تحقق تحولات سازنده در جامعه گردد.

نسل زد، نسلی تحول‌خواه و تغییرآفرین، با خلاقیت، هوش و عزمی استوار در تلاش است تا آینده‌ای متفاوت و نو بسازد و از همین رو، این نسل به‌عنوان نیروی بی‌بدیل در مسیر ساخت فردای بهتر، پیشگام خواهد بود. آینده‌ای که بدون شک در دستان همین نسل خواهد بود.

شورای سردبیران گاهنامه برابری
مارس ۲۰۲۵



گفتگوی علی صمد از گاهنامه برابری با دکتر سعید پیوندی جامعه شناس و استاد دانشگاه لورن (فرانسه)



سوال- آقای پیوندی، از دیدگاه شما، نسل زد چه ویژگی ها و مشخصه هایی دارد که آنها را از نسل های قبلی متمایز می کند؟ آیا می توانیم بگوییم که این نسل تفاوت های عمیق تری با نسل های قبل خود دارد؟

سعید پیوندی: پیش از سخنی شاید باید یک نسل را تعریف کرد. در جامعه شناسی معمولاً کسانی را که در یک دوره ۱۵ ساله متولد می شوند را یک نسل می نامند. جامعه شناسی از همان دهه های گذشته به موضوع جایگاه هر نسل و رابطه بین نسل ها توجه کرد و کسانی مانند مانهایم این پدیده را بخشی از پویایی اجتماعی جوامع هم می دانست. از نظر مانهایم یک نسل شامل یک گروه سنی می شود با اعضای کم و بیش هم سنی که در یک مکان زندگی می کنند و دارای تجربه های اجتماعی و تاریخی تا حدودی شبیه به یکدیگر هستند. با چنین تعریفی می توان از ورودی های گوناگون مانند سن، تجارب مشترک، چند و چون روندهای جامعه پذیری، شرایط زیستنی و یا رخدادهای مهم تاریخی همچون جنگ، انقلاب، بحران یا حادثه سیاسی مهم و یا اتفاقات طبیعی برای تحلیل یک نسل و یا مقایسه با نسل های قبلی و یا بعدی به بحث پرداخت. نسل ها معمولاً نوعی دیالکتیک تداوم و گسست فرهنگی و نظام ارزشی را نمایندگی می کنند. تجربیات تاریخی متمایز هر نسل در مقایسه با نسل های پیشین و یا پدیدارشدن نسل هایی با چهارچوب های فرهنگی، رفتاری و اخلاقی متفاوت، با روندهای توسعه اجتماعی هم رابطه دارد. هر نسل جدید در جامعه ای به دنیا می آید و به زندگی اجتماعی گام می گذارد که توسط نسل های قبلی به وجود آمده، هم زمان هر نسلی هم در روند کنش های متقابل جمعی مهر و نشان خودش را هم بر فرهنگ، نظام ارزشی و سبک زندگی زمان خود می زند. نکته مهم این است که یک نسل گروه اجتماعی کاملاً همگون نیست و هر نسلی در جامعه ای رشد می کند که هویت یک پارچه ندارد و کثرت هویتی و فرهنگی به بخشی از واقعیت های چند سویه جوامع امروزی تبدیل شده است.

نکته ای که شاید امروز در رابطه با تعاریف دهه های گذشته باید به آن اشاره کرد جهانی شدن بیش از گذشته پدیده نسل ها و زندگی شبکه ای نسل های کشورهای مختلف است. پدیده نسلی و ظهور نسل های جدید متفاوت در کشورها دارای وجود اشتراک زیادی هم هست و همین سبب می شود که نسل ها شاید بیش از گذشته دارای برخی ویژگی های مشترک در سطح کلان و جهانی هم باشند. این هم گرایی روزافزون با توسعه ارتباطات و رسانه ها شتاب هم گرفته است.

حال اگر به نسل زد برگردیم باید گفت که این نسل یک پدیده جهانی است و در دورانی زندگی می کند که چند دگرگونی مهم با یکدیگر تلاقی کرده اند. رشد فردیت جدید به ویژه در رابطه با شکل گیری شبکه ها و دنیای مجازی رابطه میان جوانان با جامعه و نسل های گذشته را دستخوش نوعی بحران اگزستانسیالیستی و آنترپولوژیک (انسان شناختی) کرده است. دنیای مجازی و دسترسی آسان جوانان به آن رابطه با زمان، با فاصله و با تولیدات فرهنگی مانند موسیقی و تصویر را بسیار دگرگون کرده است. شاید بتوان گفت این نسل به دلیل زندگی شبکه ای در ابعاد جهانی، دسترسی آسان به اطلاعات و دانش و یا رابطه جدید با زمان شکاف ژرف تری با نسل های پیشین زندگی می کند. از میان این شکاف ها می توان به نوع نگاه به نهادهای رسمی مانند آموزش، خانواده، دولت، موسسات اقتصادی، احزاب یا سازمان های مدنی هم اشاره کرد که اعتبار و نفوذ گذشته خود را گاه از دست

داده‌اند.

آنچه در ایران رابطه نسل‌ها و شکاف نسلی را شاید بیش از سایر کشورها بحرانی می‌کند دولتی است که در تلاش تحمیل هژمونی فرهنگی و هویت مذهبی به همه جامعه است. واقعیت این است که نسل زد در ایران، جامعه و نسل‌های گذشته را بخاطر سبک و سیاق زندگی، ذهنیت و فرهنگ خود شگفت‌زده کرده است. نسل زد نماد شکست حکومت دینی و جامعه‌ای است که در درون خود و از پائین سکولار شده است. نسل‌های گذشته بخاطر کنترل اجتماعی گسترده و فشار نهادهای رسمی خود را با شماری از محرومیت‌ها و اجبارها شاید آسان‌تر سازگار می‌کرد و یا دست کم واکنش شدیدی نشان نمی‌داد و گاه به زندگی دوگانه و زیرزمینی روی می‌آورد. نسل زد با وجود زندگی در فضای فرهنگی دین‌زده و کنترل اجتماعی فراگیر به گونه بی‌پروا تضاد خود با فرهنگ حکومتی را در عرصه عمومی به نمایش می‌گذارد و هنجارهای رسمی را به چالش می‌کشد.

دو- بسیاری از جوانان نسل زد در دوره‌ای از تغییرات سریع فناوری و اجتماعی به بزرگسالی می‌رسند. از نظر شما این تحولات چگونه بر روی نگاه و امید آنها به آینده تاثیر می‌گذارد؟

سعید پیوندی: همه شواهد نشان می‌دهند که نسل جوان ایران به صورت شبکه‌ای زندگی می‌کند و با دنیای امروزی و نسل جوان جهانی ارتباطات گسترده‌ی دارد و به خوبی می‌داند در کشورهای دیگر چه می‌گذرد. نگاه آنها به ایران هم با چنین شناختی از دنیا و زمانه کنونی شکل می‌گیرد. نسل‌های گذشته که گاه به خودشان "نسل سوخته" هم می‌گفتند و یاد گرفته بودند با سرکوب فرهنگی، ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها به گونه‌ای کنار بیایند، راه‌حل‌های جایگزین پیدا کنند با هنجارشکنی غیرمملوس، نیمه‌پنهان و قابل تحمل برای حکومت شرایط بهتری برای زندگی خود فراهم آورند. سطح و میزان انتظارات نسل کنونی تفاوت محسوسی با گذشته دارد آنها با حرکت از وضعیت جوانان در بقیه کشورها از خودشان و از جامعه می‌پرسند چرا ما باید همان آزادی‌ها و شرایط زندگی هم سن و سال‌های خودمان در دنیای امروز را نداشته باشیم. درصد بسیار بالا میل به مهاجرت در میان جوانان در نظرخواهی‌ها و در کارهای میدانی بازتاب میزان نومی‌د جوانان به آینده کشور و امکان تغییرات مثبت در آن است. ما البته هنوز به خوبی نمی‌دانیم وقتی این نسل به سن بزرگسالی رسید چگونه با بازار کار، جامعه، خانواده و یا سیاست کنار می‌آید اما بدون تردید فرهنگ و درک امروزی این نسل و شتاب تغییرات در فناوری و مسائل زیست محیطی عوامل مهمی برای تغییرات رفتاری این نسل در آینده خواهند بود. برای مثال پژوهش‌های اولیه بر روی نسل جدید در بازار کار نشان می‌دهد که آنها شاید بیش از نسل‌های قبلی به رضایت و حس خوب از شرایط کار و رابطه‌ای که با خود شغل دارند اهمیت می‌دهند. نکته مهم دیگر "حال‌گرایی" و اهمیت دادن به زندگی این دنیایی و "این‌جا و اکنون" این نسل و در مقابل توجه کمتر به گذشته و آینده است. باید منتظر ماند و دید.

سه- با توجه به تغییرات سریع در فناوری و ارتباطات، شما آینده آموزش و پرورش برای نسل زد را چگونه می‌بینید؟ آیا سیستم‌های آموزشی کنونی توانسته اند با نیازهای این نسل همگام شوند؟

سعید پیوندی: خانواده و آموزش رسمی دو نهادی هستند که در آن نسل‌های گوناگون با یکدیگر تلاقی می‌کنند و باید با یکدیگر نوعی از گفتگو و همزیستی را تعریف کنند و شکل دهند. به همین خاطر هم هر دو نهاد در مرکز تگانه‌های اجتماعی اصلی جامعه امروزی هستند. نظام آموزشی در رویارویی با این چالش دشوار در جستجوی راه‌حل است و این کار آسانی نیست چرا که برخی تحولات مانند دور شدن جوانان از آنچه که ما دانش "مشروع" و رسمی می‌نامیم و یا تن ندادن به اقتدار سنتی معلمان و نهاد آموزش رابطه با نسل جدید را دشوار کرده است. منظور من از دانش مشروع برای مثال محتوای برنامه درسی است که به نام دنیای آکادمیک و نهاد علم به نسل جوان عرضه می‌شود. در ایران ما با اشکال بسیار حاد این شکاف بین‌نسلی و اعتبار گفتمان و شیوه کار نظام آموزشی سر و کار داریم.

در ایران بحران میان آموزش و نسل جدید بسیار ژرف است. ظهور نسل‌های جوانی که از سنین کم، بی‌پروا فرهنگ حکومتی و هنجارهای رسمی دینی را به چالش می‌کشند نشان می‌دهد که پروژه ایدئولوژیک-آموزشی جمهوری اسلامی در عمل ناکام مانده است. واقعیت این است که بخش بزرگی از دانش‌آموزانی که روندهای جامعه‌پذیری خود را در درون یک نظام آموزشی بسته مکتبی و دین‌زده تجربه می‌کنند به اشکال گوناگون به شورش علیه ایدئولوژی آن دست می‌زنند. عامل اول این شکاف و بحران میان نسل جوان و نهاد آموزش فلسفه عمومی و درکی که حکومت از جایگاه و نقش نهاد آموزش و هدف‌های آن دارد. برای بسیاری از دست‌اندرکاران آموزش چیزی نیست جز شستشوی مغزی و تسخیر ذهن و عقل نسل جوان و انتقال مجموعه‌ای از دانش و ارزش‌های دینی به نسل جوان. وظیفه قدسی جوانان هم از نظر حکومت به یادگیری منفعل مطالب و درونی کردن هویت و باورهای اسلامی فرو کاسته می‌شود.

عامل دوم در گسست نسل جوان، پیام و گفتمان ناساز با روح زمانه نظام آموزشی است. برنامه درسی از زمان‌ها، روایت‌ها، مطالب و ارزش‌هایی برای نسل جوان سخن به میان می‌آورد که برای بسیاری قابل درک نیست و دانش‌آموزان نمی‌توانند رابطه‌ای معنادار با این دانش گذشته‌گرا و سنت‌زده پیدا کنند. برای مثال شخصیت‌های اصلی

کتاب‌های درسی ایران را چهره‌های مذهبی مانند امامان، پیامبران، رهبران دینی و سیاسی، عاشقان شهادت و ایثار در راه خدا و دین تشکیل می‌دهند. تصویر جنسیت‌زده و غیرمدرن زن در کتاب‌های درسی یا تلاش برای تحمیل یک هویت یک‌پارچه و عبوس یکی دیگر از نشانه‌های این شکاف فرهنگی مهم میان حکومت و نسل جوان است.

عامل سوم اشباع مدرسه از تبلیغات تکراری کسالت‌آور، مرگ‌زده و حزن‌آلود دینی و سیاسی است. کلاس‌های دینی و قرآن و مطالب دینی در کتاب‌های دیگر و نیز ده‌ها آئین اجباری سیاسی-ایدئولوژیک که دین حکومتی را ترویج می‌کنند حدود یک چهارم زمان آموزشی هفتگی را در بر می‌گیرند. مدرسه عبوس و ایدئولوژی‌زده تأثیر وارونه‌ای بر جوانان دارد و دین‌گریزی پی‌آمد طبیعی آن است.

عامل چهارم روش‌های آمرانه و انسان‌زدایی شده و سیاست نظارت پلیسی و تنبیه است که در برخورد با نسل جوان دنبال می‌شود. مدرسه به جای فضای زندگی شاد جوانی، مکانی است برای تحقیر دایمی نسل جوان، دخالت در امور خصوصی آن‌ها و تحمیل هنجارهای سخت‌گیرانه، ممنوعیت‌ها و یک روزمره‌گی آزاردهنده. گفتگوی بین نسلی و درک نسل جوان در فرهنگ آموزشی جایش را به ترویج آمرانه اخلاق و معنویت دستوری و حکومتی داده است.

این گونه است که شورش خاموش و یا آشکار نسل جوان علیه ایدئولوژی و گفتمان حکومت از مدرسه آغاز می‌شود. نهادی که وظیفه تربیت شهروندان آینده و تدارک جامعه فردا را بر عهده دارد به دستگاه بیزاری آن‌ها از فرهنگ رسمی و گسترش رفتارهای هنجارشکنانه تبدیل شده است. نسل جوانی که از طریق زندگی و مناسبات شبکه‌ای با دنیای امروز در رابطه است فرهنگ خود را در بیرون از نهاد آموزش و علیه آن شکل می‌دهد.

در سال‌های پس از ۱۳۵۷ بخش بزرگی از دست‌اندرکاران حکومتی ساده‌انگارانه فکر می‌کردند که با یک نظام آموزشی سرپا مکتبی، برنامه درسی "اسلامی شده" و معلمان وفادار به حکومت می‌توان فرهنگ و ارزش‌های شیعه انقلابی را به گونه یک‌سویه و خطی به نسل جوان تزریق کرد. با وجود واکنش منفی، دزدگی و فرار نسل جوان از نظام آموزشی سیاست‌گذاران حکومتی هیچ‌گاه نخواستند به سراغ چرایی آن بروند. آن‌ها با لجاجت نمی‌خواهند بپذیرند که مدرسه و دانشگاه نه مکانی برای تربیت ربات‌های مومن که فضایی برای پرسشگری، چند و چون کردن و فهم خلاق و سنجشگرانه دنیای کنونی است. آموزش و یادگیری روندی فعال و چندسویه است و نسل جوان به عنوان سوژه درباره محتوا و پیام آموزشی می‌اندیشد و به آن معنا می‌بخشد.

چهار- به نظر شما نسل زد چگونه به مسائل سیاسی و دموکراسی می‌نگرد؟ آیا این نسل تمایل بیشتری به مشارکت فعال در سیاست دارد یا از سیاست های سنتی دوری می‌کند؟

سعید پیوندی: دگرگون شدن رابطه جوانان با دنیای سیاست و کنشگری سیاسی پیش از پدید آمدن نسل زد آغاز شد. جنبش‌های گوناگونی که از سال ۲۰۰۰ در چهارگوشه دنیا از جمله در خاورمیانه با مشارکت گسترده جوانان به وجود آمدند تا حدودی بازتاب این دگرگونی تدریجی هستند. نقش شبکه‌های مجازی و زوال نفوذ سازمان‌های مدنی سنتی و یا روشنفکران و نجیبان مرجع از جمله شاخص‌های مهم رابطه نسل جوان با سیاست بودند. به نظر می‌رسد با نسل زد این روندها شتاب بیشتری گرفته‌اند. برای مثال در ایران ما شاهد آن هستیم که این نسل سیاست را همان گونه نمی‌بیند که نسل‌های گذشته. ما با جوانانی سروکار داریم که کمتر آرمان‌گرا هستند و بیشتر از ورودی مسائل انضمامی و به صورت پراگماتیک به سیاست می‌پردازند. چند و چون سیاست‌ورزی و کنش‌های سیاسی آن‌ها هم متفاوت است. فعالیت‌های شبکه‌ای، استفاده گسترده از شبکه‌های مجازی و تشکل‌گری و دوری از سازمان‌های مدنی در جمله رفتارها و ذهنیت نسل جوان اهمیت فراوانی دارند. یکی دیگر از سنجه‌های مهم مشارکت نسل جدید شکل‌گیری نمادهای جدید در مبارزات اجتماعی است. اگر به تجربه مبارزه علیه حجاب اجباری و یا جنبش ۱۴۰۱ برگردیم می‌توانیم بگوئیم که شخصیت‌های هنری و ورزشی به الگوهای مهم نسل زد تبدیل شده‌اند و تا حدودی هم جای رهبران سنتی را گرفته‌اند.

نوآوری دیگر مهم این نسل ادغام خواست‌های مربوط به آزادی بدن و سبک زندگی در آزادی‌های سیاسی و مدنی است. برداشتن حجاب، رقص جمعی، نمایش‌های خیابانی یا رفتارهای هنجارشکنانه از رابطه نوپدید با بدن و یا ابراز وجود در میان نسل جوان و به ویژه دختران حکایت می‌کنند. همین گرایش را در حوزه روابط جنسی خارج از چهارچوب رسمی می‌توان دید. بخش بزرگی از جوانان امروز در رفتارهای جنسی و رابطه با بدن خود هنجارشکن شده‌اند و این را برخلاف نسل‌های گذشته بدون ترس و احساس گناه در عرصه عمومی به نمایش می‌گذارند. اگر برای حکومت بدن زن مکان گناه و نفی "زندگی مومنانه" است برای نسل جوان بدن به نماد آزادی و لذت از زندگی این‌دنیایی تبدیل شده است. تابوشکنی‌ها پاسخ جوانان به حکومتی است که توانایی درک جامعه و نسل جوان را ندارد و لجوجانه سیاست پوشاندن آمرانه بدن زن را پی می‌گیرد. حکومت پوشیدگی را به نماد اقتدار سیاسی و مشروعیت دینی خود تبدیل کرد. زنان با تابوشکنی و زیرپا گذاشتن هنجارهای رسمی به جنگ آشکار با سیاست‌ها و دنیای

ارزشی حکومت روی آورده‌اند. این گونه زنان تن خود را از حکومت و جامعه مردسالار پس می‌گیرند و سهم خود را در مبارزه برای آزادی‌های شهروندی و دموکراسی ایفا می‌کنند.

نسل‌های گذشته نوعی تفکیک میان آزادی سیاسی، دموکراسی و آزادی‌های فردی احترام به کرامت انسانی بوجود آورده بودند. برای مثال در جنبش سبز و حتا در حرکت‌های فمینیستی مانند کمپین یک میلیون امضاء حرف چندانی از حجاب اختیاری و یا پایان سلطه حکومت بر بدن شهروندان در میان نبود. برای همگان در آن زمان حجاب یا رهایی بدن از سلطه حکومت زیر مجموعه آزادی سیاسی بودند. فرض این بود که اگر آزادی سیاسی کسب شود به خودی خود راه طرح مسائل دیگر هم گشوده می‌شود. تفاوت نسل جدید با نسل‌های گذشته این است که این دو مقوله را از یکدیگر جدا نمی‌کند و آزادی بدن و یا حق شاد زیستن را جزیی از آزادی به مفهوم عام می‌بیند.

پنج- جهانی شدن و فرهنگ جهانی چه تاثیری بر هویت و ارزش های نسل زد گذاشته است؟ آیا این نسل بیشتر به سمت ارزش های جهانی گرایش دارد یا هنوز ارزش های محلی و ملی برای آنها اهمیت دارد؟

سعید پیوندی: این پرسش درباره رابطه میان فرهنگ‌های بومی و ملی در رابطه با فرهنگ جهانی در بسیاری از کشورها مطرح است. ما در ایران با هویت‌های آسیب دیده، شوربخت و بحرانی سر و کار داریم. حکومت دینی برآمده از جنبش انقلابی در سال ۱۳۵۷ بر این باور بود که با در دست گرفتن انحصاری رسانه‌ها و اسلامی‌کردن نهادهای فرهنگی به ویژه آموزش روح جامعه و نسل جوان را تسخیر می‌کند و شهروندان به افراد مومن و معتقد به نظام ارزشی حکومتی تبدیل می‌شوند. تلاش برای خالص سازی هویتی و یک‌پارچه کردن فرهنگی که با اعلام جنگ به هویت ملی و هویت‌های دیگر از جمله هویت‌های اقلیتی یا اقلیت‌های دینی همراه بود به گونه‌ای آشکار شکست خورده است. حکومت جنگ فرهنگی را به جامعه و به نسل جوان باخته است ولی جامعه ما هم از نظر فرهنگی آسیب‌های فراوانی دیده و ما در مقابل فرهنگ‌های دیگر به شدت آسیب‌پذیر شده ایم. به سخن دیگر ما در رقابت جهانی و داد و ستد فرهنگی با دنیا کمرمق شده ایم. حوزه‌های هنری ما مانند سینما و درسال‌های اخیر موسیقی هم توانسته‌اند با اشکال گوناگون نافرمانی و مقاومت به ادامه حیات فرهنگ سکولار و مستقل از دولت که نماینده جامعه متحول شده ایران است یاری رسانند. ولی این تلاش‌های تحسین‌انگیز جبران خلاء عظیم فرهنگی و ناترازی در رابطه با فرهنگ جهانی را نمی‌کنند. به همین دلیل هم ما شاهد سقوط دردناک اعتماد به نفس فرهنگی جامعه در مقایسه با سایر کشورها هستیم و نسلی بی‌دفاع از نظر فرهنگی داریم. نسل جدید نه می‌تواند از تعلق خود به جامعه و فرهنگ ایران احساس غرور کند و نه با دستان پر به داد و ستد فرهنگی با دنیا دست زند.

شش- چطور نسل زد با استفاده از شبکه های اجتماعی هویت خود را تعریف و ابراز می کند؟ آیا این رسانه ها باعث تغییرات عمیقی در ساختارهای اجتماعی و فردی شده اند؟

سعید پیوندی: شواهد و کارهای میدانی نشان می‌دهند نسل زد بدن و زیستن شاد یا ارتباط با فرهنگ جهانی را بدون احساس گناه تجربه می‌کند. مفاهیمی مانند "غرب‌زدگی"، "خودباختگی فرهنگی"، "بازگشت به خویش" برایش بی‌معنا شده‌اند. نسل ما مدرنیته، شادی، لذت، نمایش بدن در عرصه عمومی را با نوعی احساس گناه زندگی می‌کرد. گویی این پدیده‌ها غیر بومی و غربی هستند و ما آن را به عاریت گرفتیم مانند وصله ناجوری بروی حجب و حیا و شرم و اصالت شرقی. چنین احساسی در نسل زد به چشم نمی‌خورد. بسیاری دیگر فکر نمی‌کنند که زندگی کردن به سبک غربی، گوش دادن به موسیقی کشورهای دیگر و یا رقصیدن مانند جوانان جهان، زیر پا گذاشتن ارزش‌های مذهبی تحمیل شده از سوی دولت نوعی ناهنجاری فرهنگی و یا پشت‌کردن به فرهنگ خودی است.

رابطه با بدن شاید یکی از مهم‌ترین شکاف‌هایی باشد که نسل زد در مقایسه با بقیه نسل‌ها تجربه می‌کند. بدن به عنوان لنگرگاه زندگی و شادکامی (به قول مرلو پونتی فیلسوف فرانسوی) در حقیقت آنتی‌تز فرهنگ حکومتی است که بدن را برای شهادت، پرهیزکاری می‌خواهد. بدنی در انتظار بهشتی که در آخرت به او وعده داده شده و به بهای رنج و محرومیت و پس زدن لذت و شادی نباید گناه کند. نسل زد به زندگی این دنیایی باور دارد و نمی‌خواهد حکومت صاحب بدن او باشد. این گونه است که این نسل بدن را از چنگ حکومت بیرون کشیده است. آنچه که فوکو زیست-سیاست (Biopolitic) نام داده بود در رابطه میان حکومت و جامعه به چشم می‌خورد نسل زد این چرخه سلطه بر بدن را به چالش کشیده است و بدن معترض به نماد کنش‌های روزمره آن‌ها تبدیل شده است.

هفت- به نظر شما نسل زد چطور با نابرابری های اجتماعی و اقتصادی مواجه می شود؟ آیا این نسل رویکرد متفاوتی نسبت به عدالت اجتماعی و اقتصادی دارد؟

سعید پیوندی: شاید باید نسل زد را در تقاطع با عوامل دیگر مانند جایگاه طبقاتی، جنسیت، تعلق یا عدم تعلق دینی و اقلیتی هم مورد بررسی قرار داد. به سخن دیگر اشکال گوناگون سلطه و تبعیض در جامعه چگونه توسط نسل زد دیده می‌شود و یا جوانان متعلق به گروه‌های تهیدست جامعه چه تفاوت‌هایی دارند با سایر گروه‌های

اجتماعی. من هنوز به کارهای پژوهشی مهمی در این زمینه در داخل ایران برنخوردم. اما کارهای میدانی مربوط به جنبش‌های اعتراضی ۹۶ و ۹۸ نشان می‌دهند که بسیاری از جوانان دستگیر شده و یا حتی کسانی که جانشان را از دست دادند خاستگاه طبقاتی کارگری داشتند و یا کسانی که بیکار بودند و یا نوعی سقوط طبقاتی را بخاطر کاهش قدرت خرید و یا بحران اقتصادی تجربه کرده بودند. در جنبش زن، زندگی، آزادی هم بخشی از جوانان از طبقات فرودست بودند. در میان جوانانی که در جریان جنبش ظالمانه اعدام شدند هم کسانی از طبقات تهیدست می‌بینید. این واقعیت‌ها نشان می‌دهند که جوانان تهیدست هم خودشان را بخشی از نسل جوان می‌بینند و هم نماینده طبقات محروم هستند. میل به زیستن به گونه طبقه متوسط و شهروند برابر حقوق امروز به فرهنگ همه طبقات جامعه سرایت کرده است. به همین خاطر هم مطالبات مربوط به عدالت اجتماعی نزد جوانان شاید قابل تفکیک از خواست‌های "طبقه متوسطی" جوانان نباشند. مسئله مهم در ایران پیوند میان کنش‌های اعتراضی است. هم‌زمان باید گفت که تا کنون متأسفانه کنش‌های کارگری و معیشتی تلاش لازم برای همبستگی فعال تر با جوانان و خواست‌هایی مانند برابری جنسیتی یا آزادی‌های شهروندی انجام نداده‌اند.

هشت- نسل زد در عصری زندگی می‌کند که با بحران‌های زیست‌محیطی زیادی مواجه است. آیا این بحران‌ها باعث شده که نسل زد نگرانی‌های خاصی نسبت به آینده محیط زیست داشته باشد؟

سعید پیوندی: ما در کشوری زندگی می‌کنیم که تجربه دردناک بحران چند سویه زیست محیطی را از سر می‌گذارند. در حالت عادی جوانان می‌بایست مهم‌ترین گروه اجتماعی در مبارزه با آسیب‌های زیست محیطی، درونی‌کردن رفتارها و فرهنگ توسعه پایدار و احترام به محیط زیست باشند. آموزش توسعه پایدار و درونی کردن فرهنگ زیست محیطی باید در جریان یک آموزش زنده، پویا و در روند گفتگوی سنجشگرانه میان نسل‌ها شکل گیرد. مسئله فقط بر سر یاد گرفتن و آگاه شدن نیست. باید نگاه به سبک زندگی و رابطه با طبیعت و شیوه مصرف ... دگرگون شود. حال باید دید نسل جوان بر بستر چه جامعه و پویایی اجتماعی و آموزشی یاد می‌گیرد به شهروند با مسئولیت و وجدان زیست‌محیطی تبدیل شود.

در نظام آموزشی ما درسی با همین عنوان برای دوره دوم دبیرستان وجود دارد و در کتاب‌های درسی دیگر هم موضوعات زیست محیطی مطرح می‌شوند. مشکل اما بی‌اعتباری گفتمان آموزش رسمی و حکومتی است که نظام آموزشی را در جهت هدف‌های ایدئولوژیکی تمامیت‌گرای خود به گروگان گرفته است. همین واقعیت سیاسی-آموزشی و دل‌زدگی دانش‌آموزان از فضای درس و مدرسه هم سبب می‌شود نسل جوان نتواند مانند سایر کشورها رابطه معنادار با آموزش و دانش زیست محیطی برقرار کند. از سوی دیگر جامعه مدنی نیز امکانات محدودی برای گسترش فرهنگ زیست محیطی دارد. در چنین شرایطی منابعی که نسل جوان برای آموختن و تغییر رفتارهای خود برخوردار است تا حدودی محدودند. برخی داده‌ها نشان می‌دهند نوعی وجدان زیست محیطی در میان نسل جوان در ارتباط با دنیای امروز و بحران محیط زیست شکل می‌گیرد. ولی هنوز معلوم نیست گستره و ژرفای این فرهنگ نوپدید چه اندازه است.

نه- آیا نوع ارتباطات خانوادگی و اجتماعی در بین نسل زد متفاوت از نسل‌های گذشته است؟ آیا می‌توان گفت این نسل به نوعی روابط متفاوتی را ترجیح می‌دهد؟

سعید پیوندی: نسل زد بسیاری از روندهای دگرگون‌ساز در روابط خانوادگی و اجتماعی که از اواخر قرن بیستم آغاز شده بود را شتاب بخشیده است. سمت و سوی اصلی این تحولات به کاهش اقتدار (اتوریته) خانواده، والدین و نسل‌های بزرگسال، برابری جنسیتی و یا سکسوالیته هنجارشکنانه مربوط می‌شود. نسل زد خواهان نظارت و دخالت کمتر خانواده و دیگر نهادهای جامعه‌پذیری است و آزادی عمل و اعتماد بیشتر. دسترسی به شبکه‌های مجازی ابزاری مهم برای تحقیق این خواست‌ها و رابطه با دیگران و جهان در اختیارش قرار می‌دهد. نسل جدید از طریق شبکه‌های پرشمار با دنیای امروز و فضاهای فرهنگی گوناگون در ارتباط است و زندگی و دنیای ذهنی او فقط شامل محیط اطراف نمی‌شود. وجود حکومت دینی و تلاش برای تحمیل کنترل اجتماعی فراگیر سبب خشم و واکنش‌های هنجارشکنانه شدیدتر از سوی نسل جوان می‌شود. میان حکومت و بخش بزرگی از خانواده‌ها میدان نبرد بزرگی بر سر نظام ارزشی و اخلاقی شکل گرفته است. سکسوالیته نسل جوان یکی از عرصه‌هایی است که در آن نظام ارزشی سنتی و دینی دستخوش بحران و تلاطم شده است. جالب است که حکومت در نظام آموزشی با افزودن درسی به نام سبک زندگی و خانواده تلاش می‌کند سدی در برابر امواج فرهنگی هنجارشکنانه، روابط دختران و پسران جوان، مدهای فرهنگی و هنری و یا مهار سکسوالیته جوانان از طریق محدود کردن زندگی جوانی در قالب‌های شرعی و سنتی بوجود آورد. شعار اصلی نسل جدید کتاب‌های درسی حیات طیبه و فضیلت آن است. اما ده سال پس از این تلاش فرهنگی حکومت ما شاهد شتاب گرفتن شکاف‌های فرهنگی و اخلاقی نسل زد با دنیای ارزشی حکومت هستیم.

ده- از نظر شما، چگونه تکنولوژی به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی روزمره نسل زد تبدیل شده است و چه پیامدهایی می‌تواند برای آینده این نسل داشته باشد؟

سعید پیوندی: پژوهش‌های میدانی و بحث‌های دانشگاهی پرشماری درباره رابطه نسل جدید با فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات وجود دارد. بخشی از این ادبیات انتقادی و بدبینانه است و بسیاری نگران پی آمدهای منفی این ابزار بروی نسلی هستند که شب و روز در فضای مجازی به گشت و گذار و سیر و سیاحت مشغول است. مسئله اصلی رابطه میان انسان و تکنولوژی و سرنوشت انسان "دیجیتال‌زده" است. این نگرانی‌ها بیشتر به روندهای هویت‌یابی، سلامت روان، رابطه با اشکال سنتی یادگیری، مناسبات اجتماعی، تعاملات بین نسلی و یا روندهای جامعه‌پذیری کنترل نشده بر می‌گردند. برای مثال پژوهش‌های میدانی نشان می‌دهند کودکانی که بیش از دو ساعت در روز در شبکه‌های مجازی بمانند از نظر رابطه با دیگران و نیز مهارت‌های خواندن و نوشتن در معرض آسیب قرار دارند. در تجربه جامعه انسانی دگرگونی‌های پرشتاب همواره نگرانی‌آور و پرسش‌برانگیز بوده‌اند. در بسیاری موارد اما جوامع انسانی توانسته‌اند به نوعی تکنولوژی یا تغییرات تکنیکی و ساختاری را اهل‌ی و رام کنند و از اثرات منفی احتمالی بکاهند. آن چه در شرایط کنونی بر نگرانی‌ها می‌افزاید شتاب تغییرات تکنولوژیک، نوپدید بودن برخی پی‌آمدهای انسانی و اجتماعی و کندی راه حل‌های اجتماعی است. این شکاف با پدیده دیگری همراه شده است که به آن می‌توان بحران انتروپولوژیک رابطه بین نسلی نام داد. نسل‌های بزرگسال به گونه فزاینده حس می‌کنند اوضاع از کنترل آنها خارج شده است و مهار نسل جوان به امر ناممکن تبدیل می‌شود. در حقیقت برای نخستین بار در تاریخ نوجوانان مهارت‌هایی بسیار فراتر از والدین خود و دیگر بزرگسالان خانواده در دسترسی به فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات دارند. این شکاف‌ها و دگرگونی‌ها سبب می‌شوند بسیاری از خود پرسند ما به کجا می‌رویم. همین پرسش‌ها در نظام آموزشی و نوع ادغام فن‌آوری دیجیتال در فرایند تدریس و یادگیری و یا نقش هوش مصنوعی به میان کشیده می‌شوند.

یازده- شما چگونه ارتباط بین نسل زد و جنبش "زن، زندگی، آزادی" را می‌بینید؟ آیا می‌توان گفت این جنبش به نوعی نمایانگر صدای نسل زد در جامعه است؟

سعید پیوندی: در سطح ملی، به جز در کردستان و بلوچستان، نسل زد بازیگر و حامی اصلی جنبش زن، زندگی، آزادی بود. نسل زد نه تنها فعالانه در این جنبش مشارکت کرد که از طریق مطالبات، کنش‌ها و رفتارهای ویژه مهر و نشان خود بر روی سمت و سو و مطالبات آن گذاشت. جنبش‌های اجتماعی در همه دنیا هم بازتاب تحولات ژرف در درون جامعه هستند و هم‌زمان پرده از واقعیت‌ها و پدیده‌هایی که هنوز در وجدان جمعی جامعه حضور ندارند برمی‌کشند و آن‌ها را رویت‌پذیر می‌کنند. رابطه نسل زد با پدیده بدنیت و یا نمایش بدن در عرصه عمومی، شادی زیستن و یا فرهنگ شادی امر پنهانی در جامعه نبود ولی میان نگاه کردن و دیدن تفاوت مهمی وجود دارد. رویت‌پذیری یک پدیده با مشروعیت آن در جامعه هم ارتباط دارد. جنبش زن، زندگی، آزادی یک مورد انضمامی مهم در این زمینه به شمار می‌رود. این جنبش جنگ فرهنگی که به صورت زیرزمینی و یا نیمه‌پنهان در جامعه میان جوانان و نظام ارزشی مرگ‌زده، گذشته‌گرا و فردیت ستیز حکومت وجود داشت را به عرصه عمومی کشاند. بازیگران اصلی این کنش جمعی اعتراضی با تکیه کردن بر فرهنگ شادی این دنیایی و پشت کردن به فرهنگ مرگ‌زده اندوه و عزا به نماینده دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی که در دو دهه اخیر شتاب گرفته‌اند تبدیل شدند. چیزی در هوشیاری جامعه درباره این نسل و مطالبات آن دگرگون شد.

دوازده- به نظر شما جنبش "زن، زندگی، آزادی" چگونه بر آگاهی اجتماعی نسل زد تاثیر گذاشته است؟ آیا این جنبش توانسته نقش مهمی در شکل‌گیری هویت اجتماعی و سیاسی این نسل ایفا کند؟

سعید پیوندی: جنبش‌های اجتماعی فرصت‌هایی ویژه و کم‌نظیر برای یادگیری و ساخت و پرداخت یک وجدان و هوشیاری جدید در میان شهروندان و خود کنشگران هستند. مشارکت در یک کنش جمعی نه فقط یک رفتار و پراتیک که یک امر سوژکتیو (ذهنی) و اینتر سوژکتیو (میان ذهنیتی است). پیوستن به یک کنش بدون ذهنیت‌سازی و اندیشیدن درباره آن و یا گفتگو با دیگران ممکن نیست. این فقط ظلم یا سلطه نیست که شهروندان معترض را به وجود آورد. بدون ذهنیت‌سازی، تحول ذهنیتی و ساخت و پرداخت آگاهی و هوشیاری جدید مشارکت کنش‌گرانه هم وجود ندارد. بسیاری از جوانانی که در این جنبش به میدان آمدند شاید تا چند هفته پیش از آن هیچ‌گاه در یک کنش جمعی اعتراضی شرکت نکرده بودند و یا با وجود مخالفت با هنجارهای رسمی و یا برخی رفتارهای هنجارشکنانه جرات بیان علنی مخالفت خود در کوچه و خیابان را نداشتند. جنبش زن، زندگی، آزادی با ترس‌زدایی به نسل جوان اجازه داد برای نشان دادن خشم خود و یا طرح مطالبات به خیابان‌ها بیایند و حکومت و نظام ارزشی آن را به چالش بکشند. همین سخن را درباره مشروعیت‌زدایی از حجاب اجباری و یا نظام اخلاقی حکومت دینی می‌توان بیان کرد. از سوی دیگر ویژگی مهم جنبش زن، زندگی، آزادی وجود نوعی پویایی هویتی بود که با کمک هنر

اعتراضی، کنش میدانی و شبکه‌های اجتماعی توانست شکل گیرد. نمادهای این جنبش در عرصه هنر به الگوهای فرهنگی این نسل هم تبدیل شدند. کارهای فرهنگی در موسیقی، نقاشی، سینما و دیگر حوزه‌ها نقش مهمی در ساخت و پرداخت هویت جمعی و تقویت انسجام درونی گروه‌های معترض، مشروعیت بخشی به خواست‌های آن‌ها و یا تقویت حس تعلق به یک جنبش، به یک فلسفه و سبک زندگی، به یک درک از شهروندی مدرن بازی کردند. اگر ترانه "برای..." شروین را یک رفرانس مهم این جنبش بدانیم باید گفت که نکات مهمی که در این مانیفست وجود دارد که نمایانگر مطالبات و دغدغه‌های امروزی نسل جوان هستند.

سیزده- به طور خاص، نقش زنان نسل زد در این جنبش چگونه بوده است؟ آیا می توان گفت که زنان جوان این نسل در خط مقدم مبارزه برای حقوق و آزادی‌های خود هستند؟

سعید پیوندی: جنبش زن، زندگی، آزادی شاید اولین جنبش اجتماعی در ایران و یا منطقه است که مطالبات فمینیستی در کانون آن قرار دارند و توسط بسیاری از مردان هم حمایت می‌شوند. دختران جوان کشورمان از زمان جنبش زن، زندگی، آزادی تا امروز نقش مرکزی در کنش نافرمانی مدنی علیه حجاب اجباری دارند که حکومت را در عمل در تنگنای سیاسی و فرهنگی قرار داده است. یادآوری این نکته مهم ضروری است که دختران جوان و زنان در شرایط یک حکومت خودکامه دست به نافرمانی مدنی می‌زنند. از نظر تاریخی واژه نافرمانی مدنی برای نخستین بار در عنوان چاپ دوم کتاب هانری داوید تورو (Thoreau) آمریکایی در سال ۱۸۶۶ بکار رفت. عنوان اصلی کتاب تورو مقاومت در برابر دولت بود که به موضوع ندادن مالیات به دولت پشتیبان برده داری می‌پرداخت. در یک برخورد کلی کنش‌آگاهانه جمعی برای زیر پا گذاشتن هنجار یا قانونی که از نظر اخلاقی و یا فهم عمومی غیرعادلانه است نافرمانی مدنی نامیده می‌شود. پسوند "مدنی" هم به غیرخشونت‌آمیز بودن کنش برمی‌گردد و هم به معنا و خصلت اجتماعی و غیر فردی آن. چنین کنشی سرپیچی ارادی، مسئولانه و آشکار قانون است که نه به قصد نفع شخصی، بلکه برای اعتراض به بی‌عدالتی عمومی انجام می‌گیرد. کسانی که دست به نافرمانی مدنی می‌زنند از خطر مجازات زیر پا گذاشتن قانون آگاه‌اند و به عنوان اعتراض به امر ظالمانه دست به چنین کاری می‌زنند. فلسفه وجودی این نوع کنش جمعی به این اصل تکیه می‌کند که قوانین اگر بر خلاف اخلاق، وجدان سلیم و عدالت باشند نمی‌توانند اعتبار داشته باشند. در بخش بزرگی از تجربه‌های شناخته شده جهانی مانند جنبش برابری نژادی در آمریکا و یا حرکت گاندی نافرمانی مدنی در چهارچوب جامعه باز و قانونمدار اتفاق افتاد. ویژگی ایران این است که نافرمانی مدنی در شرایط حکومت خودکامه شکل گرفته و سرکوب و اذیت و آزار و محرومیت زنان نتوانسته است از پدید آمدن موج‌های مقاومت مدنی جلوگیری کند.

در ایران افزایش مشارکت زنان به عنوان بازیگر موثر و سوژه در سیاست و عرصه عمومی یکی از پی‌آمدهای مستقیم دسترسی آن‌ها به آموزش و دانشگاه است. نیمی از دانشجویان ما دختر هستند و سهم آن‌ها در پژوهش‌های آکادمیک و فعالیت‌های علمی و فرهنگی هر روز افزایش می‌یابد. با وجود این موفقیت‌های علمی و آموزشی، سهم آنان در بازار کار و در دنیای سیاست هنوز بسیار ناچیز است. طبق آمار رسمی، زنان حدود ۱۶ درصد نیروی کار ایران را تشکیل می‌دهند و سهم آن‌ها در مجلس و یا پست‌های مدیریتی بسیار ناچیز است. حکومت هنوز جایگاه جدید زنان در جامعه را به رسمیت نمی‌شناسد و تبعیض‌های قانونی پرشمار از جمله حجاب اجباری، ممنوعیت‌های مربوط به بدن و تفکیک جنسیتی برابری جنسیتی را در عمل ناممکن می‌کنند. مشارکت گسترده زنان در سیاست و کنش‌های اعتراضی از جمله به خاطر کسب برابری و مخالفت با تبعیض‌ها و سیاست‌های جنسیت‌زده است. در جنبش سبز زنان نقش مهمی داشتند و در سال ۱۴۰۱ ما شاهد نوعی مرکزیت مطالبات فمینیستی هستیم. این جنبش نماینده نسل جدید زنان ایران است و آن‌ها با شجاعت کم نظیر خود بخشی بزرگی از بار این جنبش را بر دوش کشیده‌اند

چهارده- با توجه به اهمیت رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی برای نسل زد، شما چگونه بازنمایی جنبش "زن، زندگی، آزادی" در این فضاها را ارزیابی می‌کنید؟ آیا این رسانه‌ها توانسته‌اند پیام این جنبش را به درستی به نسل زد منتقل کنند؟

سعید پیوندی: رسانه‌های مستقل و یا مخالف حکومت در خارج از کشور و یا رسانه‌های بزرگ خارجی توانستند نقش بسیار مهمی در انعکاس آنچه که در ایران گذشت را ایفا کنند. شاید کمتر جنبش اعتراضی در داخل کشور از چنین پوشش خبری برخوردار بود. این در حالی بود که رسانه‌های عمومی زیر نظر حکومت در بسیاری موارد یا سکوت کردند و یا به تحریف رویدادها دست زدند. گفتگوها و بحث‌های انتقادی در رسانه‌های غیردولتی در داخل و خارج کشور هم نقش مهمی در روشنگری و درک بهتر این جنبش داشتند. خود جوانان اما بیشتر از طریق شبکه‌های اجتماعی و در دنیای مجازی خبرها و رویدادها و یا بحث‌ها را دنبال کردند. رسانه اصلی این جنبش و نسل زد اما شبکه‌های مجازی بودند و هستند و وجود این وسیله ارتباطی همه‌گیر نقش مهمی در هم‌رسانی سریع و گسترده دارد. اگر این جنبش را با تجربه جنبش سبز که در جریان آن برای اولین بار شبکه‌های اجتماعی به گونه گسترده در کنش‌های اعتراضی مورد استفاده قرار گرفت مقایسه کنیم به میزان دگرگونی در نقش رسانه‌ها در جنبش‌های اعتراضی پی می‌بریم.

پانزده- شما چگونه تاثیر جنبش "زن، زندگی، آزادی" بر تغییرات فرهنگی در جامعه، به ویژه در میان نسل زد، ارزیابی می کنید؟ آیا این جنبش باعث تغییراتی در نگرش ها و ارزش های فرهنگی این نسل شده است؟

سعید پیوندی: در جریان جنبش زن، زندگی، آزادی جوانان توانستند پرونده مسائل اجتماعی و انترپولویکی که به سویه هستی شناسانه زندگی شهروند جامعه مدرن مربوط می شود را در برابر جامعه بگشاید. منظور من از پرونده های جدید فردیت شهروندی مستقل از حکومت، موضوع بدنیت و نقش آن در احساس آزادی شهروندی و یا حق زیستن شاد و بدون دخالت آمرانه حکومت است. همان گونه که پیشتر هم اشاره شد نسل های گذشته توانسته بودند خود را با ممنوعیت ها و محدودیت سازگار کنند و با پذیرش زندگی دوگانه گسستی میان زندگی خصوصی درون خانه و عرصه عمومی بوجود آورند. این دوگانگی گاه ریاکارانه پاسخ نسل های گذشته به ممنوعیت ها و محدودیت های نامتعارفی بود که حکومت دینی به صورتی خودکامه به جامعه ایران تحمیل می کند. نسل جدید علیه این شکل از هژمونی طالمانه فرهنگی حکومت تئوکراتیک شورش کرد. این نسل نمی خواهد مانند نسل های گذشته دست به مقاومت منفعل و پنهان بزند. برداشتن حجاب، رقص و شادی در عرصه عمومی، هنجارشکنی علنی و سکسوالیته جدید جوانان بخشی از این شورش فرهنگی-سیاسی است. نمادهای این نسل پرستو، ترانه، سپیده، شروین، توماچ، خدانور هستند و بخش بزرگی از نیروهای سیاسی درون حاکمیت و گاه حتا در اپوزیسیون از درک این چرخش مهم بازمانده اند. جنبش زن، زندگی، آزادی بستری بود که در آن نسل جدید بدن، آزادی پوشش، زیستن شاد و حق شهروندی مدرن را با سیاست در هم آمیخت. نسل جدید بازیگر اصلی جنبش بود و هست و تجربه جنبش برای جوانان بسیار اساسی بود. جنبش ۱۴۰۱ نقش مهمی در هویت بخشی و رویت پذیری این نسل بازی کرد و به آن ها مشروعیت اخلاقی و سیاسی بخشید. آن چه امروز در هنر اعتراضی در ایران و یا بحث های انتقادی بسیار باز می بینیم پی آمد این جنبش است. پویایی و خلاقیت کم نظیر این جنبش در همین رابطه متقابل دیالکتیکی میان بازیگران و کنش جمعی اعتراضی قابل مشاهده است.

شانزده- با توجه به تحولات اخیر و جنبش های اجتماعی مانند "زن، زندگی، آزادی"، به نظر شما نسل زد چه نقشی در آینده سیاسی و اجتماعی ایران خواهد داشت؟ آیا این نسل آماده است تا در ساختن آینده ای بهتر برای کشور نقشی کلیدی ایفا کند؟

سعید پیوندی: مسئله اصلی در کشور ما نبودن گفتگوی بین نسلی و شکاف بین نسل هاست و فقدان افق روشن تغییر و امید به آینده. در حکومت کسی شاید به خوبی نسل جوان را درک نمی کند و قادر به گفتگو با جوانان نیست. نظام حکمرانی در دنیای دیگری به سر می برد و با دنیای امروز و روح زمانه بیگانه است. چند نفر از دست اندرکاران موسیقی گوش می کنند، به سینما می روند، رقصیده اند، عاشق شده اند، به زیبایی بدن خود اهمیت داده اند... نظام آموزشی بیشتر به فکر ربودن عقل و مغز و تحمیل یک هویت دینی ناسازگار با زمانه به نسل جوان است تا گفتگوی واقعی. این نسل سرخورده، نومید، بدبین، براق و خشمگین است و میل شدید فرار از ایران به همین احساس بیگانگی در درون کشور مربوط می شود. این شکاف ها و بحران های فرهنگی و نسلی آینده ایران را تار و مبهم می کند. هم زمان با وجود بحران های چند سویه مربوط به اقتصاد، بازار کار، قدرت خرید، فقر روزافزون، محیط زیست، بن بست سیاسی در داخل، تنش های ژئوپولتیکی، چگونه می توان از ساختن آینده بهتر و یا ایفای نقش کلیدی نسل جدیدی که به بازی گرفته نمی شود سخن به میان آورد؟ چگونه می توان به آینده اندیشید زمانی که بخش بزرگی از جوانان به مهاجرت فکر می کنند و حس تعلق به یک سرزمین و میهن معنایش را برای آنان از دست داده است ؟

با تشکر از گفتگو و همکاری شما

سپاس از اینکه فرصت این گفتگو را با پرسش های خوب در اختیار من گذاشتید.



ویژگی های عمومی نسل زد و تفاوت های آن با نسل های قبلی در جامعه ایران / دکتر رضوان مقدم- جامعه شناس



نسل زد (متولدین اواسط دهه ۱۹۹۰ تا اوایل دهه ۲۰۱۰) در مقایسه با نسل های قبلی، ویژگی های منحصر به فردی در زمینه های فرهنگی، اجتماعی، و تکنولوژیکی دارد که از تغییرات سریع جهانی و محلی در این دوره زمانی نشأت گرفته اند. نسل زد، که در زبان عامیانه به آنها «زومر» نیز گفته می شود، شامل متولدین اواسط دهه ۱۹۹۰ تا اوایل دهه ۲۰۱۰ است. نسل زد همگی کاملاً در دوران پسانوگرایی، چندگانگی فرهنگی، و جهانی سازی زاده شده اند. این نسل در مقایسه با نسل های پیشین، ویژگی های منحصر به فردی در زمینه های فرهنگی، اجتماعی و تکنولوژیکی دارد که تحت تأثیر تغییرات سریع جهانی و محلی در این دوره شکل گرفته اند.

«نسل بومی دیجیتال»^۱ اصطلاح دیگری است که برای نسل زد به کار می رود. این نسل از کودکی با فناوری های دیجیتال رشد کرده و مهارت بالایی در استفاده از ابزارهای آنلاین، رسانه های اجتماعی و فناوری های نوین دارد. توانایی آنها در برقراری ارتباط، جستجو و پردازش اطلاعات، نقش مهمی در شکل دهی به شیوه تعاملشان با جهان ایفا می کند. نسل زد، با ویژگی هایی متفاوت از نسل های پیشین وارد عرصه های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شده اند. این نسل که در عصری دیجیتال و جهانی شده رشد کرده است، نه تنها به فناوری های نوین آشناست، بلکه به دلیل دسترسی گسترده به اطلاعات و شبکه های ارتباطی، دیدگاهی متفاوت نسبت به هنجارهای سنتی و مسائل اجتماعی دارد. این مقاله با بررسی ویژگی های نسل زد و تحلیل جایگاه آنها در تحولات اجتماعی اخیر ایران، به دنبال درک بهتر از کنشگری این نسل و تأثیرات آن بر جامعه ایرانی است.

ویژگی های فرهنگی و اجتماعی

گرایش به تنوع و شمول گرایی از ویژگی های نسل زد است. این نسل تمایل بیشتری به پذیرش تفاوت ها، از جمله در حوزه های جنسیت، مذهب و قومیت دارد. در ایران، این ویژگی خود را به شکل افزایش مطالبه گری برای حقوق زنان، اقلیت های قومی و مذهبی، و به چالش کشیدن هنجارهای سنتی نشان می دهد. نسل زد در ایران با ترکیبی از ارزش های جهانی و سنت های محلی روبرو است که هویت آنها را پیچیده و چندلایه کرده است. برخلاف نسل های پیش که بیشتر به الگوهای گروهی و سنت های جمعی و ایدئولوژی های مشخص (چپ، ملی گرایی، اسلام گرایی، فمینیسم کلاسیک و غیره) پایبند بودند، نسل زد به جای تأکید بر ایدئولوژی های سنتی، بر مفاهیمی مانند آزادی شخصی، هویت فردی و بدن به عنوان ابزار اعتراض تمرکز دارد و به مسایل اجتماعی مانند حقوق بشر، تغییرات آب و هوایی، و برابری جنسیتی اهمیت می دهد. در ایران، این ویژگی منجر به چالش های اجتماعی برای

¹¹ Turner, Anthony. (2015). Generation Z: Technology and Social Interest. Journal of Individual Psychology, 71(2), 103–113. <https://doi.org/10.1353/jip.2015.0021>

نسل زد شده است، چرا که اغلب در تضاد با ارزش‌های محافظه‌کارانه حاکم بر جامعه قرار می‌گیرد. در ایران، مشارکت گسترده نسل زد در اعتراضات اخیر مانند جنبش «زن، زندگی، آزادی» گواهی بر این ویژگی است.

ویژگی‌های تکنولوژیکی

نسل زد نخستین نسلی است که از کودکی با اینترنت، تلفن‌های هوشمند، و رسانه‌های اجتماعی بزرگ شده است. این امر توانایی این نسل را در دسترسی به اطلاعات و سازماندهی فعالیت‌های اجتماعی افزایش داده است. در ایران، استفاده گسترده از رسانه‌های اجتماعی برای اطلاع‌رسانی، سازماندهی اعتراضات، و مقابله با سانسور از مصادیق این ویژگی است. این نسل از طریق فناوری به فرهنگ‌ها، سبک زندگی، و ارزش‌های جهانی دسترسی دارد. در ایران، با وجود محدودیت‌های حکومتی، نسل زد توانسته است از طریق ابزارهایی مانند «وی پی ان» به شبکه‌های اجتماعی جهانی دسترسی پیدا کند و در گفتمان‌های فرا ملی شرکت کند. نسل زد در ایران، به دلیل جسارت، خلاقیت، و مهارت‌های ارتباطی، به یکی از محرک‌های اصلی جنبش‌های اجتماعی و سیاسی تبدیل شده است. این نسل با استفاده از ابزارهای دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی جهانی، تأثیر گسترده‌ای بر اطلاع‌رسانی، بسیج عمومی و جلب حمایت بین‌المللی برای جنبش «زن، زندگی، آزادی» داشته است. در ادامه، چند نمونه عینی از این استفاده را بررسی می‌کنیم:

پس از کشته شدن مهسا (ژینا) امینی در بازداشت گشت ارشاد، ویدئوهای اعتراضات به سرعت در اینستاگرام و توئیتر منتشر شد. کاربران نسل زد با هشتگ‌های #مهسا_امینی، #زن_زندگی_آزادی این مطالب را جهانی کردند. این هشتک‌ها به چندین زبان ترند جهانی شدند و حمایت گسترده‌ای از سوی شخصیت‌های بین‌المللی، سازمان‌های حقوق بشری و رسانه‌های جهانی دریافت کردند. در همبستگی با زنان ایرانی، کاربران نسل زد در ایران و سراسر جهان ویدئوهایی از خود منتشر کردند که در آن‌ها موهای خود را کوتاه می‌کردند. این اقدام که ابتدا در ایران آغاز شد، به سرعت در تیک‌تاک، اینستاگرام و توئیتر گسترش یافت و حتی به صحنه‌های بین‌المللی، مانند مراسم پارلمان اروپا و جشنواره‌های سینمایی، راه یافت. گروه‌های هکری که بسیاری از آن‌ها از نسل زد بودند، موفق شدند در جریان اعتراضات، تلویزیون رسمی ایران را هک کنند. در یکی از مهم‌ترین موارد، در مهر ۱۴۰۱ هنگام پخش خبر سراسری، تصویری از علی خامنه‌ای با هدفی روی پیشانی‌اش همراه با شعار «زن، زندگی، آزادی» نمایش داده شد. این اقدام که ویدئوی آن در توئیتر و اینستاگرام دست‌به‌دست شد، نشان‌دهنده توانایی این نسل در استفاده از فناوری برای مبارزه بود. در اینستاگرام و توئیتر با استفاده از هشتک #نامشان_را_بگوئید، تصاویر و داستان‌های قربانیان سرکوب را منتشر کردند. این کمپین باعث شد نام‌هایی مانند نیکا شاکرمی، حدیث نجفی، کیان پیرفلک و محسن شکاری به نمادهای مقاومت تبدیل شوند.

نسل زد و تاثیر گذاری بر جامعه

در ایران، نسل زد به عنوان بخشی از یک جامعه پویای در حال گذار، نقشی کلیدی در شکل‌دهی به تحولات اخیر ایفا کرده است. از اعتراضات اجتماعی گرفته تا بازتعریف نقش‌های جنسیتی و تغییرات فرهنگی، این نسل با شور و آگاهی قابل توجهی در مسیر تغییر گام برداشته است. این نسل توانسته است با بهره‌گیری از ویژگی‌های منحصر به فرد خود تأثیری عمیق در جامعه ایران بگذارد، به ویژه در زمینه‌هایی مانند فعالیت‌های مدنی، بازتعریف ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای انتقال پیام‌ها و سازماندهی اعتراضات.

علاوه بر این، نسل زد با نگاه بازتر به موضوعاتی چون برابری جنسیتی، حقوق اقلیت‌ها و آزادی‌های فردی، در حال بازتعریف نقش‌های سنتی و ارائه الگوهای جدیدی برای زندگی اجتماعی در ایران است. آن‌ها با شجاعت و اصرار بر بیان هویت‌های فردی و گروهی خود، تابوهای اجتماعی را به چالش کشیده و بستری برای گفت‌وگو درباره مسائل حساس ایجاد کرده‌اند.

از منظر جامعه‌شناختی، نسل زد در حال بازسازی نقش‌ها و هویت‌های اجتماعی است. این نسل، با تأکید بر ارزش‌هایی نظیر استقلال فردی، تنوع فرهنگی و پذیرش تفاوت‌ها، نقش مهمی در تضعیف کلیشه‌ها و تابوهای اجتماعی ایفا کرده است. همچنین، نسل زد توانسته است از خلال ارتباطات فراملی، الهام‌بخشی و حمایت‌های خارجی را به بخشی از حرکت‌های اجتماعی داخلی تبدیل کند، که این خود به تقویت جنبش‌های مدنی و اجتماعی منجر شده است. برخلاف نسل‌های قبلی که عموماً ارتباط نزدیک‌تری با آموزه‌های مذهبی داشتند، نسل زد در ایران تمایل بیشتری به نقد ساختارهای مذهبی و سیاسی نشان داده است. این امر بخشی از شکاف نسلی گسترده‌تری است که در جامعه ایران به چشم می‌خورد.

پتانسیل این نسل برای تأثیرگذاری بیشتر در آینده، بر تحولات اجتماعی، از جمله در زمینه‌های توسعه سیاسی، اصلاحات نهادی و تغییرات فرهنگی، قابل توجه است. از آنجا که نسل زد به دنبال بازتعریف روابط قدرت و ارائه الگوهای نوین مشارکت اجتماعی است، می‌توان انتظار داشت که در مسیر گذار به سوی جامعه‌ای دموکراتیک‌تر و عادلانه‌تر، نقشی محوری ایفا کند. بررسی دقیق‌تر این تحولات، به ویژه از دیدگاه نظریه‌های جامعه‌شناسی تغییرات نسلی و فناوری‌های ارتباطی، می‌تواند افق‌های جدیدی برای تحلیل تأثیرات این نسل بر آینده ایران ارائه دهد. با توجه به انرژی، خلاقیت و توانایی آن‌ها در مواجهه با تغییرات، انتظار می‌رود که نسل زد به محرکی برای اصلاحات بنیادین و پیشرفت در مسیر دموکراسی، عدالت اجتماعی و توسعه فرهنگی تبدیل شود. تأثیر این نسل نه تنها در ایران، بلکه در تغییر دیدگاه‌های جهانی نسبت به جامعه ایرانی نیز قابل مشاهده خواهد بود.

اهمیت دختران نسل زد در شکل‌گیری و پیشبرد جنبش‌های اجتماعی و سیاسی در ایران

در ایران این نسل به ویژه دختران با توجه به شرایط خاص سیاسی و اجتماعی، به یکی از نیروهای اصلی تغییر و تحول در جامعه تبدیل شده است. آن‌ها نه تنها در خط مقدم جنبش‌های اجتماعی قرار دارند، بلکه با تفکر خلاقانه و مهارت‌های تکنولوژیکی خود، مسیر آینده کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهند. دختران این نسل با به چالش کشیدن هنجارهای سنتی و نقش‌های جنسیتی محدودکننده، گفتمان‌های جدیدی درباره حقوق زنان و برابری جنسیتی ایجاد کرده‌اند. برخلاف نسل‌های پیشین، آن‌ها نه تنها از فناوری‌های مدرن برای آگاهی‌بخشی استفاده می‌کنند، بلکه به واسطه حضور فعال در فضاهای عمومی، تابوهای اجتماعی را نیز زیر سؤال برده‌اند.

در جریان جنبش "زن، زندگی، آزادی" در ایران، دختران نسل زد (متولدین حدود سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰) به عنوان بخشی از نیروهای اصلی این جنبش شناخته شدند. شجاعت و حضور پررنگ آنان در اعتراضات، نماد مقاومت نسل جوان علیه نابرابری‌ها، سرکوب و بی‌عدالتی بود. متأسفانه، بسیاری از این دختران جوان جان خود را در این مسیر از دست دادند و نامشان به عنوان نمادهای مقاومت و آزادی‌خواهی در تاریخ ثبت شد.

نیکا شاکرمی در شهریور ۱۴۰۱، در جریان اعتراضات مردمی در تهران ناپدید شد. پس از ده روز، خانواده او از پیدا شدن جسدش در پزشکی قانونی باخبر شدند. نیکا به یکی از نمادهای شجاعت نسل زد تبدیل شد و یاد او الهام‌بخش بسیاری از معترضان شد. ویدیو‌هایی که پس از کشته شدن نیکا در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد فاصله عمیق بین آموزه‌های دینی رژیم اسلامی و زندگی این نسل را نشان می‌دهد. سارینا اسماعیل‌زاده دختری باهوش و علاقه‌مند به هنر و موسیقی، در جریان اعتراضات توسط نیروهای امنیتی مورد ضرب و شتم قرار گرفت و جان خود را از دست داد. حدیث نجفی به دلیل ویدئویی که از آماده شدن او برای شرکت در اعتراضات منتشر شد، به یکی از نمادهای اولیه جنبش تبدیل شد. او با شجاعت در خیابان‌ها حضور یافت و متأسفانه در همان شب بر اثر تیراندازی نیروهای امنیتی کشته شد. اسرا پناهی پس از شرکت در اعتراضاتی در یکی از مدارس اردبیل، به شدت مورد ضرب و شتم نیروهای امنیتی قرار گرفت. وی پس از انتقال به بیمارستان، بر اثر جراحات وارده جان باخت. اسرا نمادی از مقاومت دختران دانش‌آموز شد. این دختران و بسیاری دیگر از قربانیان نسل زد، چهره واقعی مقاومت در برابر سرکوب و تلاش برای آزادی را نمایندگی می‌کنند.

در جریان جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» یکی از وحشیانه‌ترین روش‌های سرکوب شلیک مستقیم به چشم معترضان بود که منجر به نابینایی بسیاری از آن‌ها شد. برخی از دخترانی که در صف اول اعتراضات بودند با وجود از دست دادن بینایی در نقش قربانی ظاهر نشدند بلکه صدایشان را بلند تر کردند و همچنان به مبارزه خود برای عدالت و آزادی ادامه می‌دهند. آن‌ها با حضور پررنگ خود در رسانه‌ها، فعالیت در شبکه‌های اجتماعی و پیگیری‌های حقوقی پرچم دادخواهی را برافراشته نگه داشته‌اند. ایستادگی و مقاومت آن‌ها در برابر ظلم و دستان آن‌ها به الهام بخشی برای دیگر مبارزان آزادیخواه تبدیل شده است.

دختران نسل زد چشم اسفندیار رژیم اسلامی و بنیادگرایی

دختران نسل زد به پاشنه آشیل و چشم اسفندیار رژیم بنیادگرای اسلامی تبدیل شده‌اند. آنان نه تنها محصول عصر دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی‌اند، بلکه با آگاهی، شجاعت و بی‌باکی، ساختارهای سرکوبگر را به چالش می‌کشند. برخلاف نسل‌های پیشین که شاید با امید به اصلاحات تدریجی دلخوش بودند، این نسل تحول خواه و به دنبال تغییرات بنیادی است. آنان در خیابان، دانشگاه، و فضای مجازی، علیه سرکوب، حجاب اجباری، و تبعیض‌های سیستماتیک ایستاده‌اند و از هیچ سرکوب و تهدیدی هراس ندارند. برخلاف ادعای رژیم اسلامی مبارزات آنان نه از سر احساسات زودگذر و "به تحریک عوامل خارجی"، بلکه حاصل درکی عمیق از ستمی است که بر آنان روا داشته شده است.

رژیم اسلامی، که بقای خود را در کنترل بدن و زندگی زنان می‌بیند، در برابر این موج جدید مقاومت ناتوان مانده است. سرکوب‌های وحشیانه، دستگیری، قتل، و شکنجه، نه تنها این نسل را مرعوب نکرده، بلکه خشم و اراده آنان

را برای ایستادگی بیشتر کرده است. دختران نسل زد با جسارت، تابوهای ایدئولوژیک رژیم را می‌شکنند و سیاست‌های سرکوبگرانه را به سخره می‌گیرند. آنان نشان داده‌اند که دیگر نمی‌توان زنان را به سکوت و انفعال کشاند. این نسل نه تنها در حال فروپاشاندن اسطوره‌های حکومتی است، بلکه آینده‌ای را رقم می‌زند که در آن زن دیگر برده ایدئولوژی مردسالارانه نخواهد بود.

دختران نسل زد نه تنها با تولید محتوای آگاهی‌بخش، مستندسازی اعتراضات و استفاده از شبکه‌های ارتباطی جهانی، توانسته‌اند فضای سرکوبگرانه داخلی را تا حدی دور بزنند و صدای خود را به مخاطبان گسترده‌تری برسانند بلکه برای باز پس گیری فضای عمومی ابتکار و خلاقیت خاص خود را بکار می‌برند.

در جوامعی که بدن، به‌ویژه بدن زنان، به‌عنوان یک ابزار کنترل مورد استفاده قرار می‌گیرد، رقصیدن به نوعی بازپس‌گیری حق بر بدن تبدیل می‌شود. این کار به تخریب کلیشه‌های جنسیتی، فرهنگی و ایدئولوژیک کمک می‌کند. رقصیدن زنان در ایران نه‌تنها اعتراض به ممنوعیت‌های اجتماعی است، بلکه پاسخی به تاریخ طولانی نادیده گرفتن حق زنان بر بدن خود نیز محسوب می‌شود.

نسل زد که در فضای دیجیتال و با دسترسی به فرهنگ‌های متنوع جهانی رشد کرده، مفاهیمی چون فردیت، آزادی بیان و اعتراض غیرمستقیم را در مبارزاتش پررنگ‌تر از نسل‌های قبل نشان می‌دهد. در این میان، رقص نه‌تنها یک عمل هنری بلکه نوعی مقاومت در برابر ساختارهای سرکوبگر اجتماعی و سیاسی نیز محسوب می‌شود. موسیقی و رقص، که در جامعه ایران توسط رژیم اسلامی به‌ویژه برای زنان به شدت کنترل و محدود شده، در دست نسل زد به نمادی از شورش علیه قوانین سخت‌گیرانه تبدیل شده است. ویدئوهای رقص زنان و مردان جوان در خیابان‌ها، مترو، پشت‌بام‌ها و حتی فضاهای عمومی بیانگر چالشی جدی علیه هنجارهای تحمیلی است. این عمل، نوعی بازپس‌گیری فضای عمومی و تأکید بر حق کنترل بر بدن و حرکت فردی است.

دختران نسل زد در ایران با تلفیق شجاعت، آگاهی و خلاقیت، به عاملان تحول اجتماعی و سیاسی تبدیل شده‌اند. اهمیت آن‌ها نه تنها در رهبری و مشارکت در جنبش‌های موجود، بلکه در بازتعریف هنجارهای اجتماعی و ایجاد گفتمان‌های جدیدی است که آینده جامعه ایران را تحت تأثیر قرار خواهد داد. این نسل بدرستی دریافته است که دستیابی به آزادی‌های فردی بدون تغییرات ساختاری ممکن نیست، بنابراین مبارزه آن‌ها به مطالبه عدالت اجتماعی و دموکراسی گسترش یافته است. آن‌ها نه تنها قواعد بازی را تغییر داده‌اند بلکه با کنشگری خود مسیر جدیدی برای آینده ایران ترسیم می‌کنند.

فوریه ۲۰۲۵



نسل زد در ترکیه: فردای نو را بنیان می نهد/ ترجمه از پروین آزاد



توضیح عکس بالا- نسل زد میخواهد وقتی راه می رود اس ام اس بزند، به نظرش اینگونه راحت تر است. استانبول، ترکیه ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۴

نوشته ی کوره ی اردوغان

۱۹ سپتامبر ۲۰۲۴

نسل زد نیرویی پویا و تحول آفرین است که در سطح جهان تاثیر می گذارد. این نسل در ترکیه، پیشتاز بازنگری (redefining) هنجارهای فرهنگی، رفتار های مصرف کننده، و دگرگونی چشم انداز زندگی مدرن است. متولد عصر مجازی، نسل زد ترکیه ۱۵ درصد جمعیت این کشور، بزرگترین جمعیت این نسل در اروپا، را تشکیل می دهد. ویژگی های منحصر به فرد آنها، بینش های جذابی است که نگرش آنها به آینده را نمایان میکند.

نگرش دیگری بر سرگرمی

به طور سنتی، تلویزیون جایگاه ویژه ای در خانواده های ترکیه ای داشته است، اما نسل زد در حال بازنگاری قواعد تماشای تلویزیون است. ۹۷ درصد نسل زد در ترکیه به اینترنت دسترسی دارند و به طور فزاینده ای کمتر به تلویزیون عادی وابسته هستند. قابل ذکر است که ۷۶ درصد آنها، روزانه درگیر رسانه های اجتماعی هستند که حاکی از گرایش آشکار آنها به فضای دیجیتال به جای پخش سنتی تلویزیون است.



از آنجا که اینستاگرام و رابلاکس مسدود شده اند، نگرانی به کارگیری تیک تاک و احتمالا فیسبوک، ایکس و یوتیوب افزایش یافته است.

این انتخاب نشان از جستجوی آنان برای آنچه علایقشان را ارضا میکند، و آنها را به گرایش به یوتیوب و رسانه های اجتماعی برای سرگرمی سوق می دهد، دارد. بنا بر گزارش کانتار (Kantar)، شصت درصد تماشاگران نسل زد، بین سنین ۱۸ تا ۲۴، یوتیوب را پلتفرم تلویزیونی ترجیحی خود اعلام میکنند که خود چرخش قابل توجهی به سمت رسانه های مجازی است.

نسل زد به ارتباطی قابل اعتماد با تهیه کنندگان محتوا اهمیت می دهد. ۷۳ درصد بینندگان یوتیوب معتقدند که این پلتفرم جای درستی برای دریافت دیدگاه های متفاوت است. این نشان از آن دارد که این نسل فعالانه از این پلتفرم برای یادگیری، رشد، و پیگیری علایق خود استفاده میکند.



توضیح عکس بالا- مرکز خرید ایستینه پارک، با ۲۹۱ مغازه، ۸۵,۲۵۰ متر مربع سطح خرید و چهار طبقه پارکینگ زیرزمینی، ایستینه، استانبول، ترکیه

عادات خرید و استقلال اقتصادی

در دنیای مصرف، نسل زد ترکیه غوغایی به پا کرده است. ۸۳ درصد این نسل، مجرد و بسیاری از آنان مشغول به کار و برخوردار از استقلال اقتصادی هستند که با نسلهای پیشین آنها غیر قابل مقایسه است. این خودگردانی مالی در عادات منحصر به فرد آنها دیده میشود.

یک درصد تعجب آور، ۸۸ درصد نسل زد، سنین ۱۸ تا ۲۴ سال، برای خرید در فضای مجازی جستجو کرده و ۷۰ درصد آنها اقدام به خرید در این فضا میکنند. شصت و دو درصد آنها، علیرغم تمایل به برند خاصی، برندهای دیگری را هم بررسی می کنند. اینگونه برخوردها، برندهای را ناچار می کند شرایط نسل زد را بپذیرند و به اهمیت موتورهای جستجو و پلتفرم های رسانه های اجتماعی، در سیاستگذاری بازاریابی خود توجه کنند.



توضیح عکس بالا- کارایی کسانی که یک روز در هفته در خانه کار میکنند بالا میرود. استانبول ۲۳ فوریه ۲۰۱۹

تعادل بین کار و زندگی نسل زد

برخلاف نسل های پیشین، نسل زد در برابر شکل کاری ۹ صبح تا ۵ بعدازظهر مقاومت میکند. آنها از شرایط کاری که به آنها امکان اولویت بخشیدن به خانواده، دوستان، ورزش و هنر را میدهد، حمایت میکنند. کارشناسان می گویند نگر داشتن این نسل پشت میز می تواند کار بسیار مشکلی باشد. درخواست برای انعطاف در محیط کار و عدم تمایل به مشاغل تمام وقت روز افزون است.

نسل تغییرات

نسل زد در ترکیه، چگونگی ارتباطات، عادات مصرف کننده و انواع سرگرمی ها را باز تعریف می کند. این آمیختگی زاده دنیای مجازی، خواستار استقلال اقتصادی و گرایش به خود بودن نسل زد، چالش ها و فرصت های خاصی برای صاحبان برندها و تولیدکنندگان محتوا در فضای مجازی ایجاد کرده است.

پروفسور دمت لوکوسلو (Demet Lukuslu) از دانشگاه یدی تپه (Yeditepe) با تاکید اظهار میکند که نسل ها، مانند سایر دسته و گروه های اجتماعی یکدست و همگن نیستند و بازاریابی و منابع انسانی به شدت بر شکل طبقاتی نسل های «ایکس»، «وای» و «زد» تاثیر گذار هستند.

لوکوسلو ویژگی های مشترک این گروه جهانی جوانان را چنین بیان می کند:

یک- زیر سوال بردن نقش آموزش و پرورش: علیرغم اینکه آنها تحصیل کرده ترین نسل هستند، اما بر این باورند که نظام آموزشی به وعده های خود پایبند نبوده است.

دو- شمشیر دو لبه: این جوانان، با توجه به پیر شدن جوامع غربی و جوانی جوامع در خاورمیانه و آفریقا، اغلب جوانی خود را نقطه ی ضعف و نه قوت میدانند.

سه- نگرانی از بیکاری جوانان: نسل زد دوره گذار، همراه با اضطراب و نگرانی از بزرگسالی، را طی میکند.

چهار- نگرانی از تغییرات آب و هوایی: آنها به خوبی از چالش های جهانی و آینده کره زمین آگاهی دارند.



توضیح عکس بالا- صحنه ای از یوتیوبر زیبای ترکیه ای و مشهور اینترنتی دویگو اوزاسلان.

نسلی با بالاترین استقلال اقتصادی

نسل زد که در مقایسه با دیگر نسل ها از استقلال مالی بالاتری بهره میبرد، در حال شکل دادن به پویایی دینامیسم بازار است.

از آنجا که ۶۲ درصد این نسل آمادگی انتخاب جایگزین دارند و الزاما وفادار به برند خاصی نیستند، صاحبان برندها به ناچار استراتژی خود را هماهنگ کرده و روی پلتفرم های رسانه های اجتماعی تمرکز خواهند کرد.



مبارزه پیگیرانه زنان جوان دانشجوی بنگلادش در گذار از دیکتاتوری / گیتی عظیمی



مقاومت و مبارزات زنان جوان و دانشجویان در اعتراضات اخیر بنگلادش، نقطه عطفی در تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی این کشور به شمار می آید. در این جنبش که به سرنگونی دولت شیخ حسین، نخست وزیر پیشین، منتهی شد، زنان جوان و دانشجویان دختر نقشی محوری ایفا کردند. این اعتراضات واکنشی به سرکوب های شدید، فساد سیستماتیک و تبعیض های اجتماعی و اقتصادی دولت بنگلادش بود. در این راستا، حضور فعال زنان به خصوص در دانشگاه ها، خوابگاه ها و خیابان ها به نمادی از اراده و قدرت زنان در راستای تغییرات سیاسی تبدیل شد.

آغاز اعتراضات و نقش زنان جوان

اعتراضات بنگلادش که ابتدا به مسائل اقتصادی، مشکلات اشتغال و بیکاری پرداخته بود، به سرعت به جنبش هایی گسترده تری علیه فساد، نابرابری های اجتماعی و سرکوب های سیاسی تبدیل شد. زنان جوان و مشخصا دانشجویان دختر در صفوف مقدم این اعتراضات قرار گرفتند و از طریق تجمعات در دانشگاه ها، خیابان ها و شبکه های اجتماعی، صدای خود را به گوش جهانیان رساندند. این اعتراضات که ابتدا حول خواسته های اقتصادی شکل گرفت، در ادامه مطالباتی مانند برابری جنسیتی، عدالت اجتماعی و تغییرات حقوقی را در بر گرفت.

یکی از چهره های برجسته این جنبش نصرت تبسم، دانشجوی دانشگاه داکا، بود که با رهبری اعتراضات علیه فساد دولتی و سهمیه های ناعادلانه، به نماد مقاومت و رهبری زنان جوان تبدیل شد. زنان دانشجو در این اعتراضات نه تنها به دنبال برابری جنسیتی بودند، بلکه علیه تبعیض های سیاسی و اجتماعی نیز به میدان آمدند و بطور مستقیم به تغییرات بزرگتری در ساختار حکومتی بنگلادش دامن زدند.

دلایل اصلی اعتراضات زنان بنگلادش به حکومت موروثی و دیکتاتوری خانوادگی

می توان اصلی ترین موارد مخالفت را بر شمرد:

یک- فساد، رانت و سوء استفاده از قدرت: یکی از دلایل اصلی مخالفت زنان و دانشجویان با حکومت های موروثی در بنگلادش، فساد گسترده و سوء استفاده از منابع دولتی بود. خانواده هایی مانند خانواده شیخ حسین (نخست وزیر سابق) و خانواده خالده ضیا (رهبر سابق حزب مردم بنگلادش) در طی سال ها در قدرت بودند و فسادهای مالی و سیاسی را در کشور دامن زدند. زنان جوان و دانشجویان که در دانشگاه ها و مراکز آموزشی آگاهی بیشتری پیدا کرده بودند، به فساد موجود اعتراض کردند و خواستار تغییرات جدی در ساختار حکومتی شدند.

دو- تبعیضات اجتماعی، سیاسی و نابرابری جنسیتی: در حکومت های موروثی، تبعیض های جنسیتی و اجتماعی بر زنان تاثیر زیادی می گذاشت. زنان و دانشجویان در بنگلادش مشخصا علیه نابرابری های موجود در سطوح اجتماعی و اقتصادی اعتراض داشتند. آنها خواستار حقوق برابر در تمام عرصه ها، از جمله در زمینه اشتغال، آموزش و مشارکت سیاسی بودند.

سه- محدودیت های آزادی های فردی و سیاسی: حکومت های موروثی و دیکتاتوری خانوادگی در بنگلادش همواره به سرکوب آزادی های فردی و سیاسی پرداخته اند. زنان جوان و دانشجویان در مخالفت با این نوع حکمرانی، خواهان آزادی های بیشتر در بیان، تجمعات و فعالیت های سیاسی بودند. آنها بویژه در تلاش بودند تا حق مشارکت در فرآیندهای سیاسی را برای خود و دیگر زنان تامین کنند.

چهار- عدم شفافیت و پاسخگویی دولت: در حکومت های موروثی، بسیاری از تصمیمات و سیاست ها توسط یک گروه کوچک و درون یک خانواده خاص اتخاذ می شد و هیچگونه شفافیت یا پاسخگویی به مردم وجود نداشت. زنان و دانشجویان خواستار حکومتی با دموکراسی واقعی، شفافیت و مسئولیت پذیری بودند که در آن نظرات و خواسته های مردم خصوصا زنان شنیده شود.

پنج- آینده بهتر برای نسل های بعدی: زنان جوان و دانشجویان بنگلادشی به این باور رسیدند که تنها با برکناری حکومت های موروثی و دیکتاتوری خانوادگی می توانند آینده ای بهتر برای خود و نسل های آینده فراهم کنند. آنها خواستار اصلاحات اساسی در نظام حکومتی بودند تا کشور به سمت دموکراسی، عدالت اجتماعی، برابری و رفع تبعیض پیش برود.

سرکوب و مقاومت زنان

در واکنش به این اعتراضات، دولت بنگلادش از نیروهای نظامی و امنیتی برای سرکوب معترضان استفاده کرد. سرکوب های خشونت آمیز، قطع اینترنت و تهدیدات گسترده نتوانست اراده زنان جوان را شکنند کند. آنها با استفاده از ابزارهای دیجیتال و شبکه های اجتماعی، و حضور میدانی در خیابان ها همچنان به گسترش اعتراضات خود ادامه دادند و در مواجهه با تهدیدهای امنیتی، مقاومت خود را در برابر سرکوب ها حفظ کردند. این مبارزه توانمندی زنان در مقابله با سرکوب های حکومتی، پلیس و ارتش را نشان داد، به خصوص زمانی که حضور زنان در خط مقدم اعتراضات باعث شد که نیروهای نظامی از اعمال خشونت بیشتر خودداری کنند. این مقاومت نشان دهنده قدرت و عزم زنان در برابر سرکوب ها و فشارهای حکومتی بود. به ویژه اینکه، با وجود محدودیت های ارتباطی و تهدیدهای امنیتی، زنان توانستند پیام های خود را به سرتاسر کشور و حتی جهان ارسال کنند.

تأثیرات فرهنگی و اجتماعی جنبش زنان

یکی از جنبه های مهم این جنبش، تغییرات فرهنگی و اجتماعی در بنگلادش بود. زنان جوان و دانشجویان تنها در برابر سرکوب های سیاسی ایستادگی نکردند، بلکه در مواجهه با انتقادات اجتماعی و فرهنگی نیز مبارزات خود را ادامه دادند. این جنبش مشخصا در عرصه چالش های فرهنگی، مانند نقش های جنسیتی سنتی و موانع و محدودیت های اجتماعی که معمولا زنان را به نقش های خاصی محدود می کرد، تحولات بزرگی بوجود آورد. دختران دانشجو توانستند باورهای سنتی را به چالش بکشند و نقش های جدیدی برای خود در عرصه های اجتماعی و سیاسی تعریف کنند.

آگاهی سیاسی و اجتماعی زنان جوان از دیگر پیامدهای این جنبش بود. حضور فعال آنان در دانشگاه ها و شبکه های اجتماعی به فرصتی تبدیل شد تا حقوق بشر، عدالت اجتماعی و برابری جنسیتی را ترویج دهند. این بیداری فکری زمینه ساز نقش آفرینی زنان در جنبش شد و توجهات جهانی را نیز به خود جلب کرد.

یکی از این تغییرات، حضور گسترده تر و موثرتر دختران در عرصه های اجتماعی و سیاسی بود. به عنوان مثال، در اعتراضات اخیر، بسیاری از دختران دانشجو در صفوف مقدم تجمعات قرار گرفتند و در سازماندهی و هدایت اعتراضات نقش کلیدی ایفا کردند. این حرکت ها نشان داد که زنان دیگر به نقش های سنتی خانه داری و تبعیت از مردان محدود نمی شوند و می توانند در سیاست و جامعه سهمی فعال داشته باشند.

همچنین، افزایش مشارکت دختران در تصمیم گیری های سیاسی از دیگر دستاوردهای این جنبش بود. در گذشته، زنان بنگلادشی عمدتا از سیاست گذاری های کلان کنار گذاشته می شدند، اما با رشد آگاهی اجتماعی و بهره گیری از رسانه های دیجیتال، بسیاری از دختران دانشجو توانستند خواسته های خود را به صورت آشکار بیان کنند و صدای خود را به گوش جهانیان برسانند. این روند نه تنها موانع اجتماعی را به چالش کشید، بلکه نقشی موثر و جدید برای زنان در سیاست و تحولات اجتماعی تعریف کرد.

سرانجام، دختران دانشجو با مقاومت در برابر سرکوب های سیاسی و محدودیت های فرهنگی، نشان دادند که زنان بنگلادشی می توانند علاوه بر عرصه های اقتصادی و اجتماعی، در سیاست و رهبری نیز تاثیرگذار باشند.

دستاوردها و تغییرات سیاسی

ادامه اعتراضات در بنگلادش منجر به استعفای شیخ حسینیه و تشکیل دولت موقت به رهبری محمد یونس، برنده جایزه نوبل، شد. این تغییرات به وضوح نشان دهنده تاثیر مستقیم مبارزات زنان جوان و دانشجویان بر تحولات سیاسی کشور بود. جنبش زنان جوان نه تنها در سرنگونی حکومت شیخ حسینیه نقشی محوری ایفا کرد، بلکه به عنوان نمادی جهانی از توانمندی و رهبری زنان در فرآیندهای سیاسی مطرح شد. زنان با رهبری جنبش های دانشجویی، خواستار برابری جنسیتی، اصلاحات و تغییرات حقوقی و عدالت اجتماعی شدند و این خواسته ها موجب شکل گیری تحولات وسیعتری در کشور شد.



این جنبش ها، علاوه بر تحولات سیاسی، در عرصه های اجتماعی و فرهنگی بنگلادش را وارد دوران جدیدی کردند. تاثیرات آن بطور خاص در بازسازی سیاسی و اجتماعی این کشور مشهود است و باعث شد که زنان به عنوان نیروهای اصلی در فرآیند دموکراتیک شناخته شوند. این تغییرات می تواند الگویی راهگشا برای دیگر کشورهای آسیایی باشد، به خصوص در زمینه ارتقاء نقش زنان در تحولات سیاسی و اجتماعی.

چالش ها و نگرانی ها در دوران پس از اعتراضات

با وجود دستاوردهای بزرگ، چالش های جدیدی همچنان در برابر زنان قرار دارد. مشکلات اقتصادی مانند بیکاری و فشارهای تورمی همچنان بر زندگی زنان تاثیرگذار است. همچنین، نگرانی هایی در خصوص نحوه برخورد با مسائل مرتبط با حقوق زنان در ساختارهای جدید حکومتی وجود دارد. در دولت موقت، مشخصا نگرانی هایی در مورد نادیده گرفتن رهبری زنان و ضعف نمایندگی آنها در سطوح بالای دولتی مطرح است.

نسل زد بنگلادش، که در این تحولات پیشگام بوده اند، نشان داده اند که آماده اند تا با استفاده از ابزارهای دیجیتال و شبکه های اجتماعی، و حضور میدانی و خیابانی از حقوق خود دفاع کنند و بر خواسته هایشان تاکید کنند. زنان جوان و دانشجویان در بنگلادش با استفاده از تکنولوژی های نوین توانسته اند به شکل موثر در برابر چالش ها ایستادگی کنند.

آینده جنبش زنان در بنگلادش

آینده جنبش زنان در بنگلادش بطور مستقیم به ادامه مبارزات آنان برای ایجاد یک جامعه دموکراتیک، عادلانه و برابری جنسیتی بستگی دارد. مشارکت زنان در تحولات سیاسی و اجتماعی نه تنها در بنگلادش، بلکه در سطح جهانی به نمادی از توانمندی و رهبری زنان در فرآیندهای دموکراتیک تبدیل شده است. در واقع، جنبش زنان در بنگلادش نشان می دهد زنان با استفاده از آگاهی و ابزارهای نوین ارتباطی و مشارکت فعال در مبارزات اجتماعی می توانند نقشی برجسته در تغییرات سیاسی و اجتماعی ایفا کنند.

جمع بندی

در این مقاله به این موضوع مهم توجه داده شد که مبارزات زنان و دانشجویان جوان تاثیر عمیقی بر تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بنگلادش داشته است. آنها با استفاده از ابزارهای دیجیتال و شبکه های اجتماعی، نقش مهمی در گسترش اعتراضات ایفا کرده و با ایستادگی و مقاومت فعال خود، این جنبش را به یکی از مهمترین رویدادهای اجتماعی و سیاسی کشور تبدیل کردند.

مبارزات زنان جوان در این روند، موانع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که ریشه در سنت ها داشتند را به چالش کشیدند و زمینه ساز تحولاتی در حوزه های مختلف شدند. این جنبش نشان دهنده قدرت همبستگی، سازماندهی و آگاهی سیاسی نسل نوین زنان است که با مشارکت فعال در تحولات سیاسی و اجتماعی، توانستند تأثیرات عمیقی بر جامعه بگذارند. در سطح جهانی، جنبش زنان در بنگلادش به الگویی قابل توجه تبدیل گردید که نه تنها دیگر کشورها را تحت تأثیر قرار داد، بلکه ثابت کرد زنان با استفاده از فناوری های نوین و اعتراضات خیابانی قادرند در برابر سرکوب و محدودیت های سیاسی و اجتماعی ایستادگی کنند.

با این حال، علیرغم این دستاوردها، چالش ها همچنان پابرجا هستند، به خصوص در زمینه حقوق زنان و مشارکت آنها در سطوح بالای دولتی و نیز مسائل اقتصادی و اجتماعی که هنوز بر زندگی زنان تأثیرگذار است. آینده این جنبش بستگی به ادامه مبارزات زنان برای تحقق جامعه ای دموکراتیک و عادلانه دارد. در این میان، مهمترین درس از تحولات اخیر این است که توانمندسازی زنان در عرصه های مختلف، از جمله آموزش، آگاهی سیاسی و استفاده از تکنولوژی های نوین، برای تحقق هرگونه تغییر اجتماعی و سیاسی ضروری است. در پایان، مبارزات زنان در بنگلادش نه تنها نقطه عطفی در تاریخ سیاسی این کشور محسوب می شود، بلکه در سطح جهانی نیز به نمادی برجسته از نقش آفرینی و رهبری زنان در حرکت های دموکراتیک تبدیل شده است.

فوریه ۲۰۲۵

منابع:

- <https://www.cadtm.org/La-victoire-du-mouvement-de-protestation-au-Bangladesh>
- <https://www.ids.ac.uk/opinions/lets-seize-the-opportunity-to-further-gender-equity-in-bangladesh>
- <https://www.daily-sun.com/post/761174>
- <https://www.rfi.fr/en/international-news/20240812-how-gen-z-women-and-the-military-transformed-bangladesh>
- <https://www.ids.ac.uk/opinions/gen-z-are-ready-to-help-build-a-new-future-for-bangladesh>
- <https://government.cornell.edu/news/hasina-resignation-marks-first-successful-gen-z-led-revolution>
- <https://www.hrw.org/world-report/2024/country-chapters/bangladesh>
- <https://freedomhouse.org/country/bangladesh/freedom-net/2024>
- <https://www.ledevoir.com/monde/asie/818044/femmes-etudiants-coeur-renversement-pouvoir-bangladesh>
- <https://www.ilo.org/fr/resource/article/les-femmes-au-bangladesh-une-revolution-silencieuse>
- <https://information.tv5monde.com/terriennes/bangladesh-jeunes-femmes-en-premiere-ligne-pour-changer-le-pays-2735953>**



مصاحبه های کوتاه با دختران جوان نسل زد در ایران/ جمع آوری توسط شهره ایرانی از شورای سردبیران گاهنامه ی "برابری"



پرسش ها:

سوال یک- به عنوان آخرین نسل حاضر بنام زد چه چالش هایی را در مواجهه با نقش های سنتی زنان و انتظارات اجتماعی و فرهنگی از آنان را در ایران تجربه می کنید؟

پاسخ مریم (پشت کنکوری و بیست ساله)- در ارتباط با نقش های سنتی زنان می توانم بگویم که، انتظاراتی در جامعه وجود دارد که ما را برای انتخاب مشاغلی خاص تحت فشار قرار می دهند. اما نسل ما بدنیاال این است که از این موانع به طرق گوناگون بگذرد و بیشتر به علاقمندی ها و انتخاب های فردی در این عرصه مربوطه توجه نشان دهد.

پاسخ خدیجه (دبیلمه)- من از دوران کودکی با فشارها و انتظارات محدود کننده مواجه بودم که حتما می بایست طبق ترم های خانواده و فرهنگی و مذهبی جامعه زندگی کنم. بسیاری فکر می کنند زن ها حتما می بایست در خانه به وظایف مادری و خانه داری محدود شوند. و در این بین به حق دختران یا زنان جوان برای تصمیم گیری توجهی نشان نمی دهند.

پاسخ سهیلا- برای من و اطرافیانم بیشتر مسئله حجاب است. اگر منظورتان ازدواج و فرزند آوری است بدلیل مسائل اقتصادی امکان ازدواجی وجود ندارد و طبق آمار ازدواج بسیار کاهش داشته و حتی اگر ازدواجی هم باشد بچه ای نیست و زن و مرد باید هردو کار کنند تا بتوانند از پس هزینه ها برآیند. برای گرفتن پاسخ واقعی به این سوال باید از افرادی که در خانواده های سنتی تری بزرگ شده اند نظر سنجی کنید ولی حتی در مصاحبه (برای ازدواج) هایی که از افراد مذهبی دیده ام مردها (مذهبی) به دلیل شرایط اقتصادی حتی علاقمند به کار کردن زن هستند که بتوانند از پس هزینه ها برآیند ولی زن معتقد است که حقوقی که در می آورد برای خودش است و مرد باید هزینه های جاری را پرداخت کند.

پاسخ ماهرخ دانشجو (بیست و دو ساله)- در ایران همیشه بدلیل افغانی تبار بودن با مشکلات زیادی مواجه هستم. خانواده، جامعه و حکومت از امثال من انتظارتی دارند که مجبور هستم گاه برای رسیدن به اهدافم چند برابر دختران دیگر ایرانی تلاش کنم و این بسیار نادرست است. من مثل هر جوان دیگری می بایست دارای حق تصمیم گیری برای بیان نظراتم و استفاده از فرصت های مشابه را داشته باشم.

پاسخ گل بانو (دانشجو و بیست و چهار ساله)- من زاده بلوچستان هستم. در این منطقه دختران نوجوان و جوان با انتظارات و موانع فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و انواع تبعیضات خرد کننده مواجه هستند. من تلاشم این بوده که با درس خواندن و موفقیت در این عرصه به شکلی از این محدودیت ها گذار کنم. اما فشارها در این منطقه واقعا بسیاریند و گاه نمی توانم کاری در مواجهه با آنها انجام دهم. من مدتهاست که سعی می کنم میان زندگی شخصی و خواسته های یک زن جوان تعادل منطقی ایجاد کنم.

پاسخ جانان (دانشجو)- در دورانی هستیم که از ما انتظار می رود زنان کدبانوی خانه داری باشیم که دغدغه نگهداری از همسر و بچه دارند و در عین حال با توجه به شرایط اقتصادی باید در جامعه هم کار کنیم اما همیشه به ما تاکید می شود که در نهایت باید دنبال شوهر باشیم و هدف اصلی زندگی ما تشکیل خانواده و بچه داریم!

پاسخ هاله (دانشجو و بیست و دو ساله)- در این ارتباط می توانم اینرا مطرح کنم که من در جامعه ایران با مشکلات و موانع بسیاری مواجه هستم. ما زنان و دختران جوان فشارهای فرهنگی، سنتی، مذهبی و اجتماعی بسیار سنگینی را تحمل می کنیم. ما می خواهیم امروزی و این دنیایی زندگی کنیم اما سنت ها و قوانین حکومتی فضای انتخاب در عرصه های گوناگون را محدود می کند. من با تحصیل در رشته مورد علاقه ام به دنبال شکوفایی فردی و اجتماعی هستم اما موانع و محدودیت ها بسیار مشکل ساز هستند. اما ما این وضعیت را تغییر خواهیم داد. البته بخشی از جامعه تغییر کرده اند اما تغییر سنت و فرهنگ محدود کننده نیاز به نیروی بیشتری در جامعه دارد

پاسخ مژگان (بیست و پنج ساله کارمند)- من درسم را تمام کردم و در شهرداری به عنوان یک زن تحصیل کرده مشغول کار هستم. اغلب دارای این احساس هستم که به اشکال گوناگون در جامعه و خانواده تحت فشارم تا از خواسته هایم بگذرم. من علاقمندم در جایی که کار می کنم پیشرفت کنم اما ساختارهای تبعیض آمیز و محدود کننده موجب عدم رشد من در عرصه شغلی و اجتماعی شده است. من به عنوان یک زن جوان مخالف این موانع تبعیض آمیز برای پیشرفت هستم و به اشکال گوناگون با توجه به وضعیت ایران علیه این تبعیضات می جنگم.

پاسخ زینب (بیست و سه ساله)- من خودمو بعنوان یه دختر ایرانی متعلق به نسل زد جامعه ایران میدونم ولی خانواده و دوست پسرم شدیداً مذهبی و سنتی هستن و نیازهای منو درک نمیکنن از طرفی نیاز دارم دوست پسر خوب داشته باشم اما زیر ضرب شدید خانواده هستم. البته برای اینکه توی خانواده پذیرفته شوم باید با همین دوست پسر ازدواج کنم. وقتی وارد جامعه میشم مرتباً توی دانشگاه یا جاهای دیگر اجتماع زیر ضرب برخوردهای جمهوری اسلامی هستیم و شدیداً احساس خفگی و بدبختی میکنم!

پاسخ سحر- در بین جمع دوستان همیشه انتظار می رود ما به عنوان دختر آشپزیمون خوب باشه، خیلی مرتب منظم باشیم و تمیزکاری خوب بلد باشیم وگرنه مورد تمسخر قرار می گیریم. وقتی کسی بی عدالتی در حقمون کرد سکوت کنیم و جواب ندیم تا دختر خوبی دیده بشیم.



سوال دو- آیا رسانه های اجتماعی و فضای مجازی به شما کمک کرده اند تا بتوانید نظرات خود را در ارتباط با برابری جنسیتی و حقوق زنان منتشر کنید؟ و چگونه؟

پاسخ مریم- بله، رسانه های اجتماعی این امکان را فراهم کردند که من بتوانم نظراتم را درباره برابری جنسیتی و حقوق زنان انتشار دهم. شبکه های اجتماعی مانند اینستاگرام، ایکس، تیک تاک و ... به آسانی این امکان را فراهم کردند که امثال من بتوانند ارتباط با دیگری و همراهی با هم نظراتم را داشته باشم.

پاسخ خدیجه- می توانم بگویم شبکه های اجتماعی به من کمک کردند تا نظراتم را انتشار دهم. البته برخی مواقع برخوردهای منفی با مطالبم انجام می شود و این چندان مهم نیست. اما دیجیتال و شبکه های اجتماعی موجب این شدند که من با دیگران گفتگو و تبادل نظر کنم و این برایم دارای اهمیت است.

پاسخ سهیلا- تا حدودی در حد غر زدن و اطلاع رسانی اکثراً به وسیله اینستاگرام.

پاسخ ماهرخ- خوبی شبکه های اجتماعی این است که به ما جوانان و نوجوانان این امکان را می دهد که بتوانیم

پاسخ گل بانو- برایم، فضای دیجیتال و بودن در آن بسیار جذاب است. چون امکان طرح نظراتم، گفتگو و تبادل نظر پیرامون آنها و شنیدن نظرات دیگران را بوجود می آورد. من از طریق شبکه های اجتماعی با ادم هایی مثل خودم یا حتی متفاوت تر در ارتباط قرار می گیرم. و ما امکان شنیدن نظرات همدیگر را پیدا می کنیم.

پاسخ هاله- من با استفاده از شبکه های اجتماعی توانسته ام برای دفاع از حقوق زنان مطالبم را منتشر و در سطحی گسترده پخش کنم. این شبکه ها محل کسب تجربه و شنیدن نظرات دیگران در کوتاه ترین وقت ممکنه است.

پاسخ زینب- رسانه های گروهی و اجتماعی رو فقط تلگرام و اینستا رو دنبال میکنم و به دید فرصت بهشون نگاه میکنم خیلی ادم سیاسی ای نیستم بیشتر عاشق خوش گذرونی و طنز هستم و توی این فضاها بهم خیلی خوش میگذره! از حکومت و جامعه فقط آزادی اجتماعی میخوام و هیچ کاری هم با سیاست ندارم همین. من هیچ اشتراکی با نسل گذشته خودم ندارم و شدیداً ناراحتم از وضعیت خصوصی و اجتماعی زندگی در ایران. احساس خفگی می کنم و فکر می کنم نسل ما خیلی با نسل قبل تفاوت دارند و خیلی سیاسی نیستن بیشتر دنبال اولویت های شخصی و منافع خودشون و آزادی اجتماعی بی حد و مرز هستن!

من فکر میکنم زن و مرد باهم تفاوت دارند و باید پسرها از ما دخترها حمایت کنند همه جور! اما آزادی اجتماعی هم لازمه. به زندگی سالم هست که اگه نباشه نسل خوبی تربیت نمیشه توی ایران. یعنی معتقدم زن و مرد با هم تفاوت دارن ولی باید جایگاه ما دختر! توی خانواده و جامعه حفظ شه.

پاسخ مریم- جنبش «زن، زندگی، آزادی» حرکتی بزرگ برای فراتر رفتن جامعه از وضعیت کنونی بود. این جنبش تأثیرات بسیار مثبتی روی من گذاشت. البته من هم مانند بسیاری از هم نسلانم در اعتراضات خیابانی به اشکال

گوناگون شرکت داشتم و همه ما بدنال تغییر بودیم. این جنبش پس از سرکوب حکومت و عقب نشینی آن، اکنون به اشکال گوناگون دیگری در جامعه ادامه و حضور دارد. من همچنان خودم را جز این جنبش خواهان تغییر و گذار از استبداد به یک جامعه دموکراتیک می دانم.

پاسخ خدیجه- جنبش زن، زندگی، آزادی بسیار روحیه مرا برای مقاومت و مبارزه تقویت کرد. هر چند بدلیل وضعیت زندگی و خانوادگی نتوانستم در اعتراضات خیابانی شرکت فعال داشته باشم اما به من این قدرت و شجاعت را داد که برای رسیدن به خواسته هایم مصمم تر فعالیت کنم و به راحتی تسلیم تبعیضات نشوم. از این جنبش حمایت می کنم و خودم را بخشی از این جنبش زن، زندگی، آزادی می دانم.

پاسخ سهیلا- این جنبش شاید از هزار پله ای که باید برای آزادی طی کرد باعث شد بیست پله جلو بیفتیم. در من به تنهایی خیر چون من هیچ وقت فرد با حجابی نبوده ام ولی بسیاری را دیده ام که چادری بودند ولی چادرشان تبدیل با روسری شد یا حتی کامل بی حجاب شدند که البته فقط به خاطر این جنبش نبود و خیلی از ناراضی ها از وضعیت کنونی باعث این طغیان شد.

پاسخ ماهرخ- مگر می شود در ایران و در شهرهای بزرگ آن زندگی کنی و تحت تاثیر جنبش «زن، زندگی، آزادی» قرار نگرفته باشی. من از طریق شبکه های مجازی از این جنبش حمایت کردم و می کنم. این جنبش از آزادی و برابری در ایران و دیگر نقاط جهان دفاع می کند و برای فعالین زن در سراسر جهان حمایت از این جنبش دارای اهمیت.

پاسخ گل بانو- جنبش زن، زندگی، آزادی یعنی امید به امکان تغییر و گذار از دیکتاتوری به دموکراسی است. من به اشکال گوناگون در عرصه اجتماعی و مجازی همانند بسیاری از این جنبش حمایت کردم. و تجربه همبستگی و همگرایی در ایران برایم بسیار قابل لمس بود.

پاسخ جانان- این جنبش باعث شد شجاعت بیشتری برای انتخاب پوشش مورد علاقه ام پیدا کنم، سر موضع خودم بایستم و در برابر عوامل حکومت یا مردم مقاومت کنم. در اعتراضات دانشجویی، دیوارنویسی و پخش کردن کارت بین مردم شرکت کردم و تجربه ام این بود که ما بیشتر از آن تعدادی هستیم که فکرش را می کنیم.

پاسخ هاله- این جنبش به من انگیزه داد تا بیشتر در مورد مطالبات زنان در عرصه اجتماعی و حقوقی و دیگر مسایل اجتماعی فکر کنم. در شبکه های اجتماعی همانند هم نسلانم حضور فعال دارم و در بسیاری از فعالیت های دموکراتیک و متنوع شرکت می کنم. من شاهد قدرت گیری این جنبش در اعتراضات و عقب نشینی آن پس از سرکوب شدید بودم و در این سالها ادامه این جنبش در اشکالی دیگر برایم لذت بخش است. این جنبش نشانه مقاومت نسلی است که نمی خواهد در برابر بی عدالتی و تبعیض ساکت باشد. من با بودن در این جنبش خودم را قدرتمندتر برای انجام تغییرات بزرگتر در جامعه می دانم.

پاسخ مژگان- مثل بسیاری دیگر، من هم از جنبش زن، زندگی، آزادی حمایت می کنم و از آن نیرو و روحیه گرفتم. وقتی دختران جوان هم نسلی خودم را می بینم که برای دفاع از حق شان مصمم و شجاع هستند نمی دانید چقدر موجب افزایش انرژی مثبت در من می شود. و از دیدن فعالیت این مبارزین راه آزادی که برای حق و حقوق برابر داشتن زنان و جامعه کیف می کنم.

پاسخ زینب- من اصلا توی جنبش زن، زندگی، آزادی فعال نبودم چون خانوادم نداشتن و فقط اخبارشو از اینترنشنال دنبال می کردم چون بابام اخبار را در این کانال می دید من هم می دیدم. ولی خیلی سیاسی نیستم اما برام جالب بود که دخترا اعتراض به حجاب اجباری می کردند و حسابی شلوغ شده بود و مردم اعتراض میکردند. شاید اگه فضای زندگیم بهتر بود منم میرفتم کف خیابون چون جنبش اش سیاسی نبود و بیشتر برای رفع تبعیضات از زنان بود و جالب بود. اما خیلی تلاشی نکردم براش چون نیازهای مهم تری دارم که با این چیزا آمیدی نداشتیم حل شه. یعنی ناامید بودم و فقط نظاره میکردم همین. من فکر میکنم نسل ما باعث میشه جمهوری اسلامی بزودی از ایران بره ولی می ترسم خیلی ها بخاطرش کشته بشن اگر این موضوع نباشه فکر میکنم شدنی هست.

پاسخ سحر- این جنبش تاثیر زیادی در شجاع تر شدن من داشته، تا بیشتر جرات کنم نظرات و عقاید خودم رو بیان کنم. در اعتراضات خیابانی مشارکت داشتم که خیلی تجربه ترسناکی بوده چون در کل مسیر توسط پلیس های وحشی و مسلح با اسلحه و باتوم تهدید می شدیم و چنبداری نزدیک بود دستگیر بشم.



سوال چهار- آیا فشارهای خانواده گی و اجتماعی بر انتخاب های شما در زمینه هایی مانند تحصیل، شغل و زندگی شخصی تاثیر داشته است؟ و چگونه؟

پاسخ مریم- بله، همواره محدودیت ها، فشارهای اجتماعی، خانوادگی و فرهنگی وجود دارند. ما دختران را مجبور کرده اند که خودمان را با رسم و رسوم و انتظارات نادرست حاکم در جامعه همراه کنند و از این طریق ما را از حق انتخاب در تصمیم گیری هایمان در زندگی محدود کرده اند. و این دیگر قابل تحمل نیست و می بایست این وضعیت تغییر کند و ما بدنبال تغییر جدی هستیم.

پاسخ خدیجه- بله، اکثر خانواده ها نگران آینده فرزندان شان هستند و بیشتر علاقمندند که ما دختران جوان بدنبال شغل های سنتی مانند معلمی و پرستاری باشیم. ما این انتظارات و فشارها را می فهمیم و می دانیم در کجا زندگی می کنیم اما دوست دارم خودم آینده ام را انتخاب کنم و بسازم.

پاسخ سهیلا- خانوادگی خیر.... بیشتر اقتصادی تاثیر داشته است.

پاسخ ماهرخ- بله معلومه که فشارهای اجتماعی، خانوادگی و تبعیضات در انتخاب های ما دختران جوان نقش بازی می کنند. من هم با این فشارها بدلیل ایرانی افغانی تبار بودن آشنایی دارم و از نگرانی خانواده ام هم آگاه هستم و این شاید کمی مرا محتاط تر کند. اما علاقمندم زندگی ام را طوری هماهنگ کنم که بتوانم به آرزوها و خواسته هایم که برای امروز و فردای زندگی ام دارای اهمیت است نزدیک تر شوم.

پاسخ گل بانو- به نظرم فشار خانوادگی در همه جای ایران وجود دارد. در بعضی مناطق بدلیل بافت زندگی و شرایط اجتماعی می تواند این فشارها کم و زیاد باشد. در خانواده من هم فشارها در این مسیر بود که باید در رشته های خاصی تحصیل کنم و ادامه دهنده نقش های سنتی زنان در جامعه و منطقه زندگی خانواده ام باشم. من پس از قبولی در رشته پزشکی تلاش بسیاری کردم که خانواده ام را متقاعد کنم که من در این رشته به ادامه تحصیل دهم و این تغییرات با موفقیت های تحصیلی من به تدریج حاصل شد و آنها با من همراهی دارند.

پاسخ جانان- همیشه از سمت مادرم برای انتخاب های شخصی مانند پوشش، آرایش و استفاده از زیورآلات تحت فشار بوده ام. دغدغه اش حرف در و همسایه بود و این که مانند فاحشه ها به نظر می رسم!

پاسخ هاله- بله، فشارهای خانوادگی همواره به دلایل مختلف وجود دارند. برای خانواده من اهمیت داشت که تحصیلاتم را جدی بگیرم و وارد جامعه با شغلی مناسب شوم. من هم تلاش کردم در این مسیر موفق عمل کنم. در ضمن آنها برای من پروژه دارند که شغلی مناسب داشته باشم و بدنبال ازدواج و تشکیل خانواده باشم. من نمی خواهم با انتظارتشان منفی برخورد کنم. اما دوست دارم همه اینها را خودم رفته رفته تصمیم بگیرم و آنها از من

حمایت کنند.

پاسخ مژگان- این فشارهای خانوادگی گاه خسته کننده و رنج آور است. بویژه وقتی که به زندگی شخصی و زندگی تو مربوط می شود و آنها می خواهند دخالت کنند و برای من هم تصمیم بگیرند. اما یادشان می رود که من مدتهاست که به سن بلوغ رسیده ام و از حق تصمیم گیری درباره زندگی ام برخوردارم.

پاسخ سحر- نه اینکه فشار مستقیم باشه ولی انتظارات جامعه و خانواده و نصیحت های خانواده خیلی تاثیرگذار بوده در انتخاباتی که داشتم و خیلی از مواقع منجر به پشیمانی من از عمل کردن به این نصیحت ها شده.



سوال پنج- با توجه به محدودیت های موجود برای زنان در ایران، چه انتظاراتی از آینده دارید و چگونه می اندیشید می توانید تغییرات مثبتی در صحنه اجتماعی و فرهنگی ایجاد کنید؟

پاسخ مریم- من بسیار امیدوارم که زنان و دختران جوان از آینده ای بهتر همراه با آزادی های بیشتر در حق انتخاب های خود برخوردار شوند. ما باید از طریق فرهنگ سازی و آموزش حقوق شهروندی تغییرات مناسب و دموکراتیک را رفته رفته و گام به گام در جامعه ایجاد کنیم..

پاسخ خدیجه- امید آن دارم که با پیدا کردن شغلی مستقل شوم و اینطوری کمتر تحت فشارهای اجتماعی و خانوادگی قرار گیرم. باید در جهت کاستن محدودیت ها و موانع علیه حقوق زنان به شکل های مختلف تلاش کرد.

پاسخ سهیلا- با توجه به اینکه کشور از لحاظ اقتصادی در چندین سال آینده دچار فروپاشی می شود فقط انتظار بدتر شدن شرایط را دارم چرا که خانواده ای که در فقرند به جای خریدن کتاب و دفتر با این قیمت های نجومی پسرانشان را از سن کم وادار به کار می کنند و دخترانشان هم برای ازدواج مزایده می کنند صرفا برای بقا نه حق پسر است در آن سن کارگری کند و نه حق دختر که در آن سن ازدواج کند. برای همچنین انقلاب بزرگی نیاز است که همه کشور با هم به یک شعور بالایی برسند نه فقط چند شهر خاص. مسئله فقط جمهوری اسلامی نیست مردم ما هم به همچنین شعوری نرسیده اند. وقتی مرد تحصیل کرده از دو سهم ارث نمی گذرد یا خواهر و دخترش را بخاطر رابطه با پسر و شب تا دیر وقت بیرون بودن و یا حتی رابطه جنسی سرزنش می کند یا حتی دختران تحصیل کرده ما علاوه بر حق طلاق و حقوق ازدواج مهریه سنگین را هم طلب می کنند و از داشتن یک پارتنر غیرتی لذت می برند و هزینه های زندگی را به دوش مرد می دانند این یعنی هیچ چیز و هیچ کس سرچایش نیست و همه و همه فقط پی منفعت شخصی هستند چه دولت چه مردم در روابط شخصی و اجتماعی خود. فقط با آموزش درست کودکان و زمان می شود برای آینده سرمایه گذاری کرد یا با زور عاملی مثل قانون.

پاسخ ماهرخ- تعیین وضعیت آینده از هم اکنون برای یک زن ایرانی افغانی تبار ساکن تهران متفاوت و دشوارتر است اما امیدوارم بتوانم از زندگی آزاد و مستقل با کاری مناسب با تحصیلاتم برخوردار شوم. اگر فرهنگ سازی شود و آموزش های دموکراتیک به جامعه داده شود امکان بهبود زندگی نسل های جوانتر بیشتر و بهتر فراهم می شود.

پاسخ گل بانو- امیدوارم در آینده به عنوان یک پزشک بتوانم برای جامعه مفیدتر باشم. از نظر من می بایست در مناطق محروم امر آگاهی رسانی، آموزش و آشنایی با حقوق دموکراتیک و شهروندی مدرن را تنظیم و فراهم کرد. اگر این موارد اجرا شود کودکان، نوجوانان و جوانان این مناطق می توانند در ایجاد تغییرات فرهنگی و اجتماعی مناسب نقش موثرتری را ایفا کنند. به نظرم یک نسل آموزش دیده و آگاه می تواند گفتمان های دموکراتیک را برای

رفع تبعیضات و نابرابری ها تقویت و زمینی کند.

پاسخ جانان- من و دختران هم‌نسل من یک‌دل و هم‌صدا برای آزادی‌های شخصی می‌جنگیم. هر چه بیشتر در جامعه باشیم و خود را سرکوب نکنیم دیگر مجبور نخواهیم بود فقط در کوچه‌های خلوت آزاد باشیم، این آزادی به محیط کار و درس هم خواهد رسید. به آینده و تغییرات امیدوارم، چون رژیم نمی‌تواند همه ما را از دم تیغ بگذراند و سرکوب کند؛ مجبور به تسلیم هستند، دیر یا زود.

پاسخ هاله- با محدودیت‌ها نباید همراه شد و حتما باید علیه آن مبارزه و مقاومت کرد و برای تغییر آن موانع اقدام کرد. من طرفدار ایجاد تغییرات اجتماعی و حقوقی عادلانه برای همه زنان هستم. برای رسیدن به این وضعیت ضرورت دارد همه زنان و مردان جوان به همراه نسل‌های دیگر برای تحقق این تغییرات مشترکا با هم فعالیت کنند. من هم در حد خود برای آگاهی بخشی و ایجاد تغییرات عادلانه و دموکراتیک تلاش می‌کنم.

پاسخ مزگان- من امیدوارم این است که در آینده نزدیک شرایط زندگی زنان در ایران بهتر بشه. با کمک هم از طریق شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های مختلف بتوانیم با کمک هم موجب تغییر و تحولات مناسب‌تر و بهتری در زندگی و جامعه شویم. برای زمینی کردن این ارزش‌ها ضروری است که با کمک هم مشترکا تلاش کنیم.

پاسخ زینب- مساله اصلی نسل ما که بخشی شون هم خیلی سیاسی نیستن ترس از آسیب دیدن هست حس ضعف داریم و می‌ترسیم بریم اعتراض کنیم و پذیرفتیم همین وضعیت رو بخشی مون البته نه همه مون اما خب خیالمون راحت‌تره که تعداد افراد دغدغه‌مند زیاد هست و اونا موفق میشن. مسیح علی‌نژاد رو دنبال میکنم. برای بعضی از حرف‌ها و رفتارهایش بعنوان یه زن جذاب و شجاعانه است!

پاسخ سحر- به نظر من با توجه به فشار و خفقان شدید در کشور، حرکت به سمت تغییرات مثبت بسیار با سرعت پایین خواهد بود. با از خود گذشتگی تعداد زیادی از جوانان از جمله دستگیر شدن، زندانی شدن، اخراج شدن از کار و دانشگاه تعدادی از افرادی که در مقابل حرف زور ایستادگی می‌کنند میسر خواهد بود و شجاعت و روحیه مبارزه طلبی بالایی می‌خواهد.



سوال شش- نسلی که شما به آن تعلق دارید چگونه با مفاهیم جامعه مدرن مانند خودگردانی فردی، آزادی‌های شخصی مواجه می‌شود؟ آیا برای شما این ارزش‌ها در تعارض با باورهای فرهنگ سنتی هستند؟

پاسخ مریم- ما در جامعه، هم با ارزش‌های سنتی و هم مدرن روبرو هستیم. در مواقعی میان ارزش‌های سنتی و مدرن تقابل بوجود می‌آید. در میان بسیاری از هم‌نسل‌های من، این تلاش و روحیه دیده می‌شود که حدی از هماهنگی میان این دو بخش را ایجاد کنند. البته من سطح این هماهنگی را برای بیشتر کردن آزادی فردی و اجتماعی و رفع تبعیضات در جامعه لازم می‌دانم.

پاسخ خدیجه- من از شرایط مالی خوبی برخوردار نیستم. و برایم دشواره که بتوانم تغییرات بزرگی بوجود بیارم. اما آگاهم که داشتن آزادی‌های فردی و اجتماعی دارای اهمیت بویژه برای ما زنان هستند.

پاسخ سهیلا- نسل من بین مدرنیته و سنت گیر کرده است و حاضر به رها کردن منفعت‌های سنت مانند مهریه یا دو سهم ارث و ... نیست و آزادی‌های مدرنیته را هم طلب دارد. همه ادعای مدرن بودن دارند ولی باورهای سنتی در ناخودآگاهشان وجود دارد شاید با سپری شدن زمان کم‌کم ردپای سنت حذف شود.

پاسخ ماهرخ- مشکلات من در زندگی در ایران بسیار زیاد و شاید بتوانم بگویم نسبت به زنان جوان دیگر بیشتر است. این واقعیتی است که تبعیضات در ایران زیاد هستند و بر زندگی زنان از هر قشری تاثیر می گذارد. نسل زد به همراه نسل های جوان دیگر قبل از ما، می توانند با هم علیه این محدودیت ها و تبعیضات و برای داشتن آزادی های بیشتر دست به عمل بزنند. البته ارزش های دموکراتیک می تواند با باورهای خانواده ام در تقابل قرار گیرد و این را من می فهمم اما نگران پرداخت هزینه نیستم. اما انجام تغییرات ضروری است. ما باید برای اکنون و آینده نزدیک، زندگی خودمان را بسازیم و در این راه باید با برنامه دست به اقدام زد.

پاسخ گل بانو- ما نسل زدی ها با تغییرات سریع اجتماعی، تکنولوژیکی و فرهنگی مواجه هستیم. و برایمان استقلال فردی و زندگی بهتر و امروزی تر به همراه آزادی های فردی و قبول تنوعات موجود در جامعه بسیار مهم می باشند. این موضوعات می توانند گاه در تعارض با خانواده و اجتماع قرار گیرد اما این تغییرات در حال انجام است و نسل ما در این جهت تلاش می کند.

پاسخ جانان- نسل زد همواره طرفدار آزادی شخصی و خودگردانی فردی بوده است؛ مفاهیمی که ارزش های بنیادین نسل ما هستند. تعارض از جایی شروع می شود که در جامعه سنتی فرد و عقایدش باید در خدمت ارزش های تعیین شده حکومت باشد. زن باید خود را بپوشاند تا دیگری به گناه نیافتد، تا از تجاوز در امان بماند. اما نسل جدید، هر فرد را مسئول اقدامات خود می داند و نمی پذیرد که تا زمانی که آسیبی به دیگری نمی رساند از ابراز وجودی خود کوتاه بیاید.

پاسخ هاله- شاید بشود گفت که نسل زد با مفاهیم جامعه مدرن به شیوه ای نسبتاً متفاوت از نسل های گذشته نگاه می کند در حالی که بخش قابل توجهی از ما بدنال آزادی های فردی، اجتماعی، حقوق عادلانه، رفع تبعیض و رفاه در جامعه هستیم. این مفاهیم می توانند با باورهای بخش هایی از جامعه در تضاد باشد اما ضرورت دارد برای رفع این تضادها دست به اقدام زد تا جامعه ای آزاد و دموکراتیک و حقوق مدار تشکیل شود.



پاسخ مژگان- برای امثال من وجود آزادی های فردی دارای اهمیت بسیاری است. در یک جامعه مدرن، شهروندان از حق و حقوق برای انتخاب های خود برخوردارند. در جامعه سنتی ارزش های جامعه مدرن زیر سوال هستند. باید راهایی برای حل این مسایل پیدا کرد تا جامعه با ارزش های دموکراتیک بیشتر آشنا بشه و مشکلات ما در این گذار راحت تر انجام بگیره.

پاسخ سحر- نسل ما به نسبت نسل های گذشته شجاعت بیشتری در بیان عقاید و خواسته های خود و شنا کردن خلاف جریان آب دارد. این نسل همواره در تلاش برای به دست آوردن آزادی های خود از سنین پایین هست. این ارزش های مدرن کاملاً در تعارض با دین اسلام هستند و در تعارض با برخی باورهای فرهنگ سنتی که به دنبال صلب آزادی و محدود کردن دختران در جامعه ست. فرهنگ سنتی تمایل به کمرنگ کردن نقش زنان در اجتماع و تقویت روحیه حرف گوش کنی آن ها دارد و مخالف شنیدنی شدن صدای زن ها چه در جامعه چه در بستر خانواده داشته و نمی خواهد زنان استقلال خود را به دست بگیرند. اما دختران نسل ما به دنبال استقلال بیشتر و ایجاد برابری زنان با مردان در جامعه و خانواده هستند.

سوال هفت- به نظر شما هم سالان و هم نسلیان شما چه نقشی در تحولات آینده ایران خواهند داشت؟ اینان چگونه می توانند به شکل موثری در این تغییرات سهیم باشند؟

پاسخ مریم- این موضوع امر پیچیده ای نیست که نسل زد در آینده ایران نقش مهمی را در تغییرات به عهده دارد. در واقع ما نسل تغییر و زندگی هستیم.

پاسخ خدیجه- نسل زد ها با وجود تنوعی که در میانشان است اگر بتوانند با هم متحد باشند می توانند تغییرات جدی و دموکراتیک ایجاد کنند. ما با گفتگو و تبادل نظر و همراه کردن دیگر نسل ها با نسل زد می توانیم تأثیرات مثبت و گسترده ای را در جامعه ایران بگذاریم.

پاسخ سهیلا- به هر حال تأثیر در تحولات آینده خواهند داشت چون جوانان هستند که می توانند تأثیر بگذارند نه سالمندان و کودکان ولی اینکه تأثیر مثبتی بگذارند شک دارم چون آنقدر مسائل پیچیده هست که نیازمند درایت، شعور، تفکر، مطالعه، تحلیل و همبستگی بالایی است که من در آنان ندیده ام.

پاسخ ماهرخ- به نظرم نسل زد که ماها باشیم می توانند نقش خوبی در ایجاد تغییرات در ایران داشته باشند. ما برای ایجاد تغییرات اجتماعی می توانیم از طریق آگاهی رسانی، گفتگو، توافق، همفکری و همکاری در بخش های مختلف با هم تلاش کنیم.

پاسخ گل بانو- برای ایجاد تغییرات باید آگاهی رسانی و سازماندهی کرد و هماهنگی بوجود آورد. از ابزارهای رسانه ای مجازی و غیرمجازی استفاده کرد. در مناطقی چون بلوچستان برای تغییر نگرش ها و باورها نیاز به کار بیشتری است. ما می توانیم این تغییرات را با کمک و همفکری هم بوجود آوریم.

پاسخ جانان- این نسل آینده ایران است. گسترده تر در جامعه حضور دارد و در محیط کار و جامعه طالب امنیت، حقوق برابر و آزادی شخصی است. کارفرمایان مجبور خواهند شد برای به کار گرفتن نیروی کار از میان این نسل خود را با ارزش های آنها هماهنگ کنند، کسب و کارها بر مبنای نیاز آنها خدمات ارائه دهند و محصول و محتوا تولید کنند. در عین حال نسل زد ثابت کرده است که برای ارزش هایش می جنگد در نتیجه در هر جایگاهی که باشد، اوضاع را طبق ارزش هایش تغییر می دهد.

پاسخ هاله- نسل زد ایران می تواند در تغییر و تحولات آینده ایران نقش پر اهمیتی را بازی کند. این نسل با مبارزه، مقاومت و آگاهی رسانی می تواند در برابر تبعیض و بی عدالتی ها بایستد و با امکانات آنلاینی که در اختیارش است به موتور یک حرکت اجتماعی مهم و فرهنگی در جامعه ایران شود.



پاسخ زینب- سیاست های جمهوری اسلامی در مورد حقوق فردی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی برای ادبی مثل من خیلی غلطه و همیشه با دوستانم میگم ما تو سیستم آموزشی خوبی درس نخوندیم. ای کاش آموزش و پرورش خوبی داشتیم تا نسل خوبی تربیت میکرد ولی از بچگی همش دو رو بزرگ شده ایم تو مدرسه به رفتار باید بکنیم، میریم خونه به رفتار دیگر، با دوستانمون هم به رفتار. هممون تبدیل به بازیگر شدیم و این سم مطلق هست برای نسل ما. زیرا باعث نا آرامی ذهنی مون شده و من از این موضوع خیلی عصبانی هستم و نمی تونم این سبک زندگی تعریف شده رو بپذیرم. البته با سیاست کاری ندارم ولی در مورد مسایل اجتماعی، شخصی و فرهنگی ناراضی هستم و همش حس می کنم حکومت بدنبال کشتن ما هست. می ترسم از این وضعیت فعلی و احساس ناامنی بدی دارم. همش خودمو سانسور می کنم و حس خوشبختی ندارم.

پاسخ سحر- به نظر من هم نسلیان من با درس و عبرت گرفتن از اشتباهات نسل های گذشته می توانند تحولات عظیمی در ایران به وجود آورند. اما با توجه به شرایط نامناسب جوانان در کشور و افزایش ناامیدی و افسردگی و گسترش ارزش های نادرست در بین برخی جوانان بیم این را دارم که نتوانند آنطور که باید این نقش را به درستی ایفا کنند.

سوال هشت- مخالفت با حجاب اجباری در میان هم نسلان شما چگونه پدیدارشد؟ شما چه تجربه یا دیدگاهی در این زمینه دارید؟ همچنین، حق آزاد انتخاب پوشش برای شما چه اهمیتی در زندگی روزمره دارد و به نظر شما، این حق چه نقشی در آزادی های فردی و اجتماعی زنان در ایران ایفا می کند؟

پاسخ مریم- در میان نسل زد ایران مخالفت با حجاب اجباری گام به گام شروع شد و رفته رفته بسط پیدا کرد. برای هم نسلان من حق انتخاب پوشش آزاد از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. برای نسل زد این حق نماد آزادی های فردی و اجتماعی است و کسی هم نمی تواند این حق را به راحتی بگیرد. ما در این چند سال نشان دادیم که برای داشتن این حق همه جور هزینه ای را می دهیم و این را هم حکومت می داند.

پاسخ خدیجه- نسل ما همیشه با حجاب اجباری چالش دارد. ما مدتها مجبور شده بودیم پوششی را مورد استفاده قرار دهیم که قبول نداشتیم. به نظرم این دوران دیگر گذشته است. برای ما آزادی انتخاب حق پوشش آزاد از بدیهیات است. ما خودمان تصمیم می گیریم چه جوری بپوشیم و چه جوری بگردیم.

پاسخ سهیلا- مخالفت با پوشش با تخلف های بسیار بسیار تدریجی شروع شد. آزادی پوشش بسیار با اهمیت است در زندگی چه مردان چه زنان ولی چیزی که از آن بسیار با اهمیت تر است وضعیت اقتصادی است و نان شب است که کمتر به آن پرداخته می شود ولی جوانان بخاطر آن آمیدی به آینده ندارند و زندگی ای در استرس و ناامیدی و پوچی و ناراحتی و حسرت دارند. حجاب در حال حاضر ایران مصداق این ضرب المثل است که خانه از پایست ویران است خواجه در بند نقش ایوان است.

پاسخ ماهرخ- در مورد موضوع حجاب اجباری می تونم بگم یکی از دغدغه های اصلی من بوده. به عنوان یک دختر ایرانی افغانی تبار، گاهی فکر می کنم که از دیگران بیشتر تحت فشارم. داشتن حق انتخاب آزاد پوشش برای من نسل زدی و هم نسلانم بسیار دارای اهمیت است و به نظرم کهیچ فرد، گروه یا ارگانی نباید به آن تعرض کنه.

پاسخ گل بانو- من همیشه با حجاب مشکل داشته ام. وقتی در خانه مان در بلوچستان زندگی می کردم مجبور بودم حجاب داشته باشم و خانواده ام نیز از من می خواستند که رعایت حجاب کامل کنم. اما الان در تهران زندگی می کنم و داشتن حجاب برایم مهم نیست و مدتهاست که دیگر حجاب ندارم. برای من حق انتخاب پوشش آزاد یک اصل حیاتی است و نمی توانم از این حق بگذرم.

پاسخ جانان- این مبارزه با آزادی های یواشکی در ماشین و کافه و خیابان و دورهمی های خودمانی شروع شد و رفته رفته همه گیرتر شد. پوشش به عنوان یک راه ابراز وجودی برای من و هم سن هایم اهمیت بسیار دارد. کوچک ترین حق انسانی هر فرد ابراز خود از طریق بدن و پوشش است. با این ابراز، زنان نشان می دهند که وجود دارند، در جامعه جایی دارند و باید در سایر تصمیمات هم به شمار آورده شوند. این اعتراض به یکسان سازی باعث می شود که زنان نشان دهند به اندازه مردان در جامعه سهم و حق دخالت دارند.

پاسخ هاله- برای نسل ما حجاب نماد سرکوب آزادی های فردی است. به همین خاطر با اجبار مخالفیم. اگر انتخاب حق پوشش آزاد باشد من فکر می کنم ما گام جدی در جهت آزادی های بیشتر و برابری جنسیتی برداشته ایم.

مژگان- نسل ما وقتی در جایی با موضوع حجاب اجباری مواجه می شه به صورت اتوماتیک از حق انتخاب پوشش آزاد دفاع می کنه. البته مخالفت با حجاب اجباری در میان نسل های مختلف خیلی مدتها پیش شروه شده بود و این مخالف ها عمری برابر با تاسیس جمهوری اسلامی دارد. در اصل این مبارزه ای بود که تاریخا از همان فردای انقلاب ۵۷ توسط زنان مبارز و آزادیخواه شروع شد و ادامه یافت و مخالفت فقط مختص نسل زد نیست. اما نسل زد در خیابان ها و دیگر عرصه های اجتماعی و فرهنگی برای مخالفت با حجاب اجباری در مقابل طرفداران حجاب اجباری بطور روزانه ایستاده است و از هیچ سرکوبی هم نمی هراسد. به نظرم حق آزاد انتخاب پوشش می تونه به زنان این اجازه رو بده که خودشان تصمیم بگیرند چطور زندگی کنند.

پاسخ زینب- من فکر میکنم هم نسل های من اکثرشون مخالف حجاب اجباری هستن. حجاب و آزادی های

اجتماعی و امنیت شخصی برایشون به مراتب مهم تر هست. البته نا امیدي به آینده اقتصادی و مساله ازدواج هم بین ما دخترا خیلی شایع هست. اما آزادی اجتماعی از نان شب هم واجب تره. حداقل نظر من اینه.

پاسخ سحر- من از سنی که طبق قوانین مجبور به رعایت اجباری بودم تلاش به رعایت نکردن حجاب اجباری داشتم و همیشه با مخالفت خانواده رو به رو می شدم که خطرناک است و باید برای اینکه دستگیرت نکنند حجابت را رعایت کنی. چون همیشه احتمال دستگیری توسط گشت ارشاد وجود داشت. با اینکه خانواده من خودشان اعتقادی به حجاب نداشتند اما از ترس گشت ارشاد هم خودشان رعایت می کردند. هم من را نصیحت می کردند که رعایت کنم. هرچند از نظر من در مقابل سایر آزار و اذیت ها، بی عدالتی ها، قوانین فاسد و ناکارآمدی های جمهوری اسلامی اهمیت حجاب اجباری در اولویت پایین تری قرار دارد ، اما عدم رعایت حجاب اجباری می تواند تمرین مناسبی باشد برای نافرمانی مدنی هر روزه و نمایش اینکه می توانیم برای به دست آوردن آزادی های خویش در همه جنبه ها تلاش کنیم.



سوال نه- عدم رعایت حجاب اجباری و مطالبه حق آزاد گزینش پوشش به یکی از نماد های مقاومت زنان و دختران هم نسلان شما تبدیل شده است. با توجه به گسترش عمومی بی حجابی علنی در جامعه و مخالفت شدید رژیم اسلامی، چگونه فکر می کنید که زنان و دختران این نسل زد بتوانند این مقاومت را به یک حرکت گسترده و عمومی در سراسر کشور تبدیل کنند؟ چه عواملی در عمومی شدن این مطالبه موثر می باشند؟

پاسخ مریم- ما نسل زدی ها با اتکا به خودمان، رسانه های مجازی و با گسترش آگاهی و همکاری های مشترک و برنامه ریزی شده می توانیم مبارزه و مقاومت مدنی علیه حجاب اجباری را گسترش دهیم. همبستگی بین المللی و جلب حمایت جهانی از مبارزات آزادیخواهانه و مدنی نسل زد می تواند ما را در رسیدن به اهداف دموکراتیک مان کمک کند

پاسخ خدیجه- به نظرم هر چه بیشتر مبارزه و مقاومت نسل زد و دیگر بخش های جامعه جمعی تر و متحدتر باشد صدای ما در جامعه و در جهان بیشتر شنیده خواهد شد و بدین ترتیب حکومت و سرکوبگران بیشتر تحت فشار قرار می گیرند.

پاسخ سهیلا- بله اما با حرکتی تدریجی اما پیوسته و با عادی سازی تدریجی چرا که حتی اگر همین فردا حجاب آزاد شود حتی مردان جامعه ما متاسفانه آمادگی پذیرش این پوشش را ندارند و مطمئنا بین زنان و مردان خود جامعه درگیری و القای حس ناامنی به زنان زیادی پیش می آید چه لفظی چه با چشم چرانی و چه فیزیکی، من راجب چند محله بالا شهر در تهران صحبت نمی کنم راجب سراسر کشور با اقوام و نژادهای گوناگون صحبت می کنم.

پاسخ ماهرخ- مخالفت با حجاب اجباری روز به روز در جامعه بیشتر شده است. نسل ما در گسترش این مبارزه نقش جدی و فعال داشته است.

پاسخ گل بانو- نسل زد در به چالش کشیدن حجاب اجباری در جامعه نقش موثری داشته است. اگر این مبارزه با هماهنگی بیشتر میان طیف های مختلف جامعه مدنی و فعالین جریانان نسل های دیگر سازماندهی و پیگیری

شود می تواند به یک خیزش عمومی تبدیل شود. به نظرم در گسترش این مبارزه رسانه ها و شبکه های اجتماعی نقش اساسی دارند.

پاسخ جانان- نترسیدن و پشت هم بودن! افراد زیادی هستند که از ترس جانشان با وجود عدم اعتقاد همچنان پوشش مورد نظر رژیم را استفاده می کنند. این رژیم چند نفر را می خواهد بکشد و زندانی کند و وادار به جرمه کند؟ آن هایی که معتقد نیستند باید پوشش خود را با خواسته هایشان هماهنگ کنند و محبه و غیر محبه باید همگی در کنار هم بایستیم. برای آزادی در انتخاب پوشش.

پاسخ هاله- گسترش بی حجابی به نظر می آید که به یک حرکت عمومی تبدیل شده است. و نسل ما با ابزارهای گوناگون توانسته این مبارزه را به جلو ببرد و حکومت را با مشکلات جدی مواجه کنه. این روند می بایست به اشکال گوناگون ادامه پیدا کند تا هر چه بیشتر این مبارزه فراگیرتر و متحدتر شود.

پاسخ مژگان- امروز در ایران کسی جز یک اقلیت کوچک و عقب مانده که منافع در حکومت دارد از حجاب اجباری دفاع نمی کند. نسل زد در خیابان ها حکومت و همه ارگان های سرکوب و انتظامی اش را به چالش کشیده است و در این مبارزه حکومت مجبور به عقب نشینی شد. باید این جنبش اعتراضی را گسترده تر کرد و این تنها از طریق همکاری و برگزاری اعتراضات مدنی به شکل فیزیکی و مجازی انجام می شود. هر چه اعتراضات متحدتر باشد امکان به عقب کشاندن حکومت بیشتر است.

پاسخ زینب- وضعیت فعلی مملکت مشخص هست که جمهوری اسلامی حریف زنان نمی شه و آینده خیلی روشن هست اما نگرانی من اینه که اینا برن کی قراره بیاد توی ایران حکومت کنه؟ اگر نخبگان اینو حلس کنن سریعتر فکر میکنم جامعه ایرانی به راحتی حکومت رو میندازه و این شدنیه ولی نگرانی خیلی ها اینه که کی میاد این مهمه! من دوست دارم نخبه های جوان بیان حکومتو به دست بگیرن و یه سیستم دموکراتیک بیاد سر کار که هممون اول امنیت اجتماعی داشته باشیم و بتونیم حرف بزنیم.

مرسی ببخشید نتونستم همه سوالات رو جواب بدم چون بعضیاشون خیلی سخت بودند من سوادشو نداشتم فقط در همین حد تونستم جواب بدم. امیدوارم از دست اینا خلاص شیم. واقعا خسته شدیم روحیه زندگی نداریم. آرامش نداریم و به آینده بدبینیم.

پاسخ سحر- عدم رعایت حجاب اجباری می تواند در نقش تزریق کننده شجاعت به افرادی باشد که ترس زیادی از گرفتن حق و به رسمیت شناختن آزادی خود دارند، باشد. این ترس از پس گرفتن آزادی صلب شده نه فقط نسبت به حکومت جمهوری اسلامی بلکه در مقابل اعضای خانواده هم هست. ابتدا زنان باید بتوانند آزادی و حقوق خود را در خانواده های مردسالار خود تثبیت کنند. سپس در جامعه، چون خانواده نقش پررنگی در شکل گیری تغییرات در جامعه دارند. گسترده کردن این مقاومت از طریق ایجاد احساس آرامش برای زنانی که سعی در شکستن تابوها دارند امکان پذیر است. برای مثال اجتناب از نگاه های عجیب به آن ها انداختن، فیلم نگرفتن، نصیحت نکردن. همچنین دفاع از زنانی که در حال گرفته شدن توسط گشت ارشاد هستند، تا شاید ترسی که ایجاد این گشت ها در زنان جامعه انداخته کاهش یابد.

*مصاحبه ها از ژانویه تا مارس ۲۰۲۵ انجام شده است.



ارائه بی همتایی از هوش فناوری خاورمیانه / ترجمه از پروین آزاد

گزارشی از Intelligent CIO



جنزی (نسل زد) در امارات متحده عربی و عربستان سعودی می خواهد تجربه های شخصی را اعمال کند.

جنسیز (Genesys)، شرکت جهانی کارپرداز تجربیات مبتنی بر هوش مصنوعی، اخیراً نتایج یک نظرسنجی جامع جهانی که در عربستان سعودی و امارات متحده عربی برای بررسی اولویت مشتریان در نسل های گوناگون انجام داده را منتشر کرده است. این نتایج حاکی از آن است که چگونه جنزی در عربستان سعودی و امارات متحده عربی معادلات خرید و دینامیک محیط کار را با تحمیل خواسته های شخصی خود در کانال های متعدد و دیگر محیط های کاری حامی آنها، متحول کرده است.

این نظرسنجی بینش های ارزشمندی را در مورد آنچه مشتریان جوان به آن برتری و اولویت میدهند در اختیار شرکتها قرار می دهد. یافته ها نشان می دهد که در منطقه خاورمیانه در مقایسه با میانگین جهانی جنزی تأکید بیشتری بر نام و شهرت برند، خدمات مجازی به مشتریان و برنامه ی کاری منعطف دارد.



بر اساس این نظرسنجی، در امارات متحده عربی و عربستان سعودی ۶۷ درصد مشتریان جنزی، خواسته های شخصی خود را در سراسر شبکه های خدماتی مشتریان، در اولویت قرار می دهند. شهرت برند، ۱۱ درصد بیش از نرخ جهانی، برای این دسته اهمیت دارد که نشان از استانداردهای منطقه ای برای ارائه خدمات بالاتر است.

بررسی شهرت یک برند به دقت و به طور جامع صورت میگیرد. صرفاً کیفیت خدمات نیست که دقیقاً بررسی می شود، بلکه همگرایی ارزشهای آن برند با ارزش های دریافت کننده نیز زیر ذره بین قرار می گیرد. فاکتورهای کلیدی دیگری هم مانند کیفیت، ۸۵٪ و نظرات مشتریان، ۷۵٪ مورد توجه هستند.

این نظر سنجی همچنین نشانگر آنست که مشتریان جنزی خدمات مجازی، سلف سرویس و شخصی را ترجیح می دهند. اضافه بر خدمات اشاره شده در بالا ، در امارات متحده عربی و عربستان سعودی مشتریان خواهان حل و فصل هرگونه مورد و مانع، ۷۳٪ ؛ رفع مشکل ۷۱٪ و شفافیت و کفایت هنگام ارائه خدمات به مشتری هستند.

بعلاوه، این نظر سنجی حکایت از آن دارد که در این کشورهای برگزیده ، برای جنزی بسیار مهم است خدمات شرکتها را در رسانه های مورد نظرشان دریافت کنند. به این جهت، شرکتها تامین کننده ، برای جلب نظر مشتریان، بایستی گزینه های بیشتری ارائه دهند. مشخصا، ۶۷٪ جنزی و نسل هزاره ترجیح می دهند از این گونه کانال ها، با تاکید بر رسانه های اجتماعی، چت بات ها و موبایل اپلیکیشن استفاده شود.

در ارتباط با نگرش به محیط کار در این منطقه، این نظر سنجی بیانگر آنست که کارمندان جوان گرایش به فرهنگی همراه، شرایط کاری منعطف، امکان رشد کاری و کسب حقوق (درآمد) منصفانه دارند. و این خود حاکی از آنست که سازمان ها در خاورمیانه بالقوه محیطی را بوجود آورده که با ارزش های جنزی همخوانی دارد.



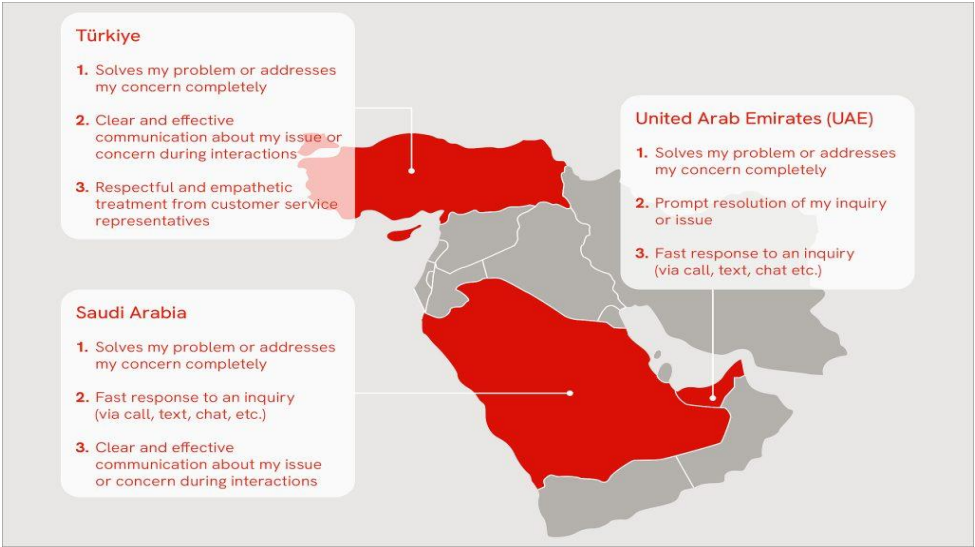
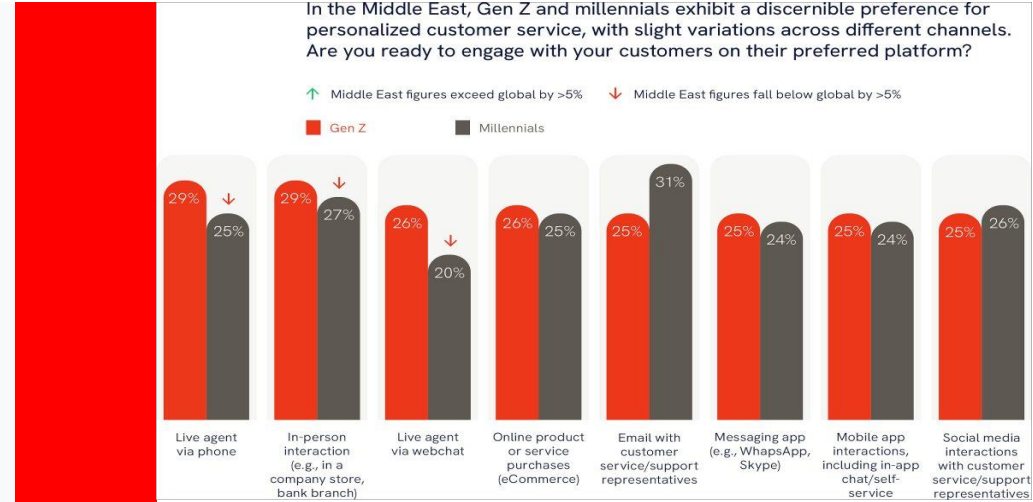
اما، در مقایسه ی جهانی، زمانی که نوبت بررسی فرصت های رشد حرفه ای ، پاداش، به رسمیت شناختن و مزایا می شود ، مقیاس برآوردن انتظارات جنزی در خاورمیانه بیش از ۵٪ کمتر از نرخ جهانی است.

این بررسی نشان می دهد ۷۱٪ پاسخ دهندگان جنزی در خاورمیانه خواهان ارائه کارآموزی و پیشرفت کاری موثر (قوی) توسط کارفرمایان خود هستند ، در حالی که ۶۹٪ از کارفرما انتظار گوناگونی (diversity) و دربرداری (inclusion) دارند. ۶۸٪ هم از کارفرما می خواهند که مسئولیت اجتماعی و پایدارگرایانه (sustainability) از خود نشان دهد. به علاوه، ۶۸٪ طرفدار ایجاد تعادل بین کار و زندگی، و ۶۷٪ میخواهند هوش مصنوعی و فناوری عملکرد کاری آنها را بالا ببرد.

جنسیز (Genesys) گروه پژوهشی ساوانتا (Savanta, a market research consultancy) را برای انجام یک نظرسنجی جهانی از نزدیک ۱۳۰۰۰ بزرگسال از چهار نسل جن ایکس (Gen X)، بومرز (Boomers)، هزاره (Millennials) و جنزی Z (Gen Z) در پنج منطقه و ۲۱ کشور در ماه های فوریه و مارس ۲۰۲۴ انتخاب کرد. این نظر سنجی بخشی از یک نظرسنجی وسیع تر با عنوان « دینامیک نسلی و اقتصاد تجربی » است که انتظارات، برداشتها و تجربیات مشتریان و کارکنان را جستجو می کند.

در خاورمیانه ۱۳۳۶ نفر در این نظرسنجی شرکت کردند. یافته های مندرج در این نسخه محدود به دید شرکت کنندگان در کشورهای عربستان سعودی و امارات متحده عربی ، ۷۲۷ شرکت کننده، میشود.

در خاورمیانه، مشتریان هنگام خرید به چه نکاتی توجه می کنند.



نسل زد ایران: از اعتراضات خیابانی تا مبارزات دیجیتال؛ زنان جوان در پی آزادی‌های فردی/مصاحبه علی صمد از گاهنامه برابری با خانم الهه امانی /جامعه شناس



سوال یک- چگونه دختران نسل زد در ایران با مسئله دوگانگی هویت مواجه می شوند؟ این نسل چگونه میان سنت ها و ارزش های مدرن توازن برقرار می کنند و چه تاثیری بر هویت فردی و اجتماعی آنان دارد؟

الهه امانی: زنان و دختران نسل زد در جامعه ایران و در بعد وسیع‌تر، در کشورهای اکثریت مسلمان آسیای غربی و جنوبی، در نقطه تلاقی سنت و مدرنیته قرار دارند و تلاش می‌کنند تا هویت و آینده خود را بین این دو تعریف کنند. آنها در طیفی متنوع، برخی با خوانش‌های متفاوت از احکام مذهبی و تفسیرهای گوناگون، در کنار پذیرش فناوری و مشارکت در گفتمان‌های جهانی، درکی جدید از هویت خود ایجاد می‌کنند تا درک پویاتری از باورهای مذهبی خود داشته باشند که با ارزش‌های فردی و اجتماعی آنها همخوانی داشته باشد. این گفتمان در ایران گفتمان غالب نیست. زنان و دختران ایران که اسلام، خشن‌ترین وجه خود را به آنها در خلال ۴۵ سال گذشته تحمیل کرده‌اند، خواهان برچیدن کامل سایه اسلام سیاسی و قوانین مذهبی در ایران هستند.

نسل زد و آلفا، جوانانی که در قرن بیست و یکم به دنیا آمده‌اند، با بهره‌مندی از تکنولوژی مدرن و رسانه‌های دیجیتال این امکان و فرصت را دارند تا به منابع مختلفی دسترسی پیدا کنند و در این انبوه و سونامی اخبار و اطلاعات، هویت خود را فراتر از حتی تصورات نسل‌های قبل شکل بخشند.

نفوذ تکنولوژی اطلاعاتی و رسانه‌های اجتماعی تأثیر عمیقی بر نگرش نسل زد نسبت به مسائلی مانند حقوق زنان، نقش‌های جنسیتی و آزادی‌های فردی گذاشته است. در ایران، بسیاری از جوانان هویتی آینده‌نگر و به ارزش‌های مدرن و سکولار باورمند هستند. زنان و دختران ایران همواره به‌گونه‌های متنوع با رجعت به گذشته و واپسگرایی مرزبندی روشن داشته‌اند و هنجارهای اجتماعی مربوط به ازدواج و خانواده را به چالش کشیده و می‌کشند. این نسل همچنین در حوزه اقتصادی و کارآفرینی فعال است و با بهره‌گیری از تکنولوژی مدرن برای ایجاد فرصت‌های جدید، در فضای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کوشا بوده‌اند.

در حالی که هویت ضد اقتدارگرایی در خانه و جامعه برای زنان و دختران ایران یکی از ویژگی‌های افتخارآفرین زنان نسل زد و آلفای ایران است، زنان و دختران ایران در کنار مردان و پسران این نسل هویت خود را با ویژگی‌های زیر، با سایر جوانان این نسل‌ها در جهان نیز شکل می‌بخشند.

نسل ۱۹۹۷ - ۲۰۱۲

آنها بومیان دیجیتال هستند و با اینترنت، رسانه‌های اجتماعی و گوشی‌های هوشمند در کنار پلاتفرم‌هایی مانند تیک‌تاک، اینستاگرام و یوتیوب به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر زندگی‌شان بزرگ شدند. آنها فعالان اجتماعی با ابتکارات نوین در زمینه محیط‌زیست، عدالت نژادی، برابری جنسیتی و حقوق LGBTQ+ هستند.

بسیار شفاف‌تر از نسل‌های قبل در مورد مسائل مربوط به سلامت روان، استرس و اضطراب صحبت می‌کنند و اغلب چالش‌های خود را بصورت باز و بدون توجه به بار منفی احتمالی آن، حتی در رسانه‌های اجتماعی، ابراز می‌کنند. از خواسته‌ها و آرزوهایشان نیز نسبت به نسل‌های دیگر بی‌پروا تر سخن می‌گویند. این ویژگی و هویتی که شکل می‌دهند، برای زنان این نسل نسبت به نسل‌های قبلی وزنه سنگین‌تری دارد.

هویت‌های این نسل ترکیبی از فردگرایی و اشتراک‌گذاری عمومی است؛ به عبارتی، آنها همزمان که بر بیان و هویت شخصی خود تاکید دارند، در جوامع آنلاین و رسانه‌های اجتماعی نیز درگیر می‌شوند. این امر یکی از زمینه‌های تلاقی و تنش‌های فرهنگی میان این نسل و نسل‌های قبل است.

همچنین، این نسل بیش از نسل‌های پیشین به هویت‌های سیال در زمینه جنسیت، سکس و فرهنگ باور دارد و با چهارچوب‌های بسته و هنجارهای سنتی نامنعطف، مرزبندی دارد و این هویت‌ها را تعریف و بازتعریف می‌کند.

این نسل به عمل‌گرایی اقتصادی نیز توجه بیشتری دارد و ساختارهای سنتی و طبقاتی در زندگی جوانان نسل زد کم‌رنگ‌تر شده است. آنها شهروندان جامعه جهانی هستند و حتی اگر وقایع جهانی تاثیر چشمگیری بر زندگی‌شان نداشته باشد، نسبت به آنها توجه و واکنش بیشتری نشان می‌دهند.

نمادهای این روندها در شکل‌گیری هویت شخصی زنان و دختران این نسل در ایران به‌روشنی قابل مشاهده است. این روندها موجب شکاف فرهنگی عمیق‌تری میان این نسل و نسل‌های قبل شده است. بسیاری از جوانان نسل زد، بویژه زنان و دختران، با چالش‌های هویت شخصی و انتظارات خانوادگی مواجه‌اند. علیرغم آنکه بسیاری در تلاش‌اند رویکردی را اتخاذ کنند که هم به ارزش‌های سنتی احترام بگذارد و هم آزادی‌های شخصی را حفظ کند، این ترکیب پیچیده از سنت و مدرنیته از یک‌سو نشان‌دهنده تحول هویتی این نسل و نقش آنها در شکل‌دهی آینده است و از سوی دیگر می‌تواند زمینه‌ساز افزایش تنش‌ها، خشونت‌ها و حتی قتل‌های ناموسی در خانواده شود.

با این حال، شکاف فرهنگی و اجتماعی این نسل با هم‌نسلان خود در سایر نقاط جهان کمتر شده است. محدود شدن این شکاف، بویژه برای زنان و دختران، در جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» باعث شد تا از یک‌سو نسل دوم ایرانیان دیاسپورا برای نخستین بار حس همبستگی عمیقی با هم‌نسلان خود در ایران پیدا کنند و از سوی دیگر، جامعه جهانی برای نخستین بار در رسانه‌های کلان درکی واقعی از دختران و زنان این نسل در ایران به دست آورد و در پشتیبانی از این جنبش به‌طرز چشمگیری درگیر شود.

شاید لازم باشد که در این مصاحبه درباره دختران نسل آلفا و هویت‌های آنان نیز اشاره‌ای شود.

اگر نسل زد بومیان دیجیتال خوانده می‌شوند، نسل آلفا بطور تصاعدی با آهنگ رشدی بی‌سابقه در دنیای مبتنی بر هوش مصنوعی، دستیارهای دیجیتال، واقعیت مجازی (VR) و واقعیت افزوده (AR) رشد کرده‌اند و این واقعیت، تجربیات شکل‌گیری هویت شخصی و اجتماعی آنها را شکل می‌دهد.

همچنین، این نسل، به دلیل بازه‌های توجه محدودتر و محتوای کوتاه‌تر در مقایسه با نسل زد، احساس نزدیکی بیشتری با پلتفرم‌هایی مانند یوتیوب شورتز و تیک‌تاک دارند. این یکی از شکاف‌های فرهنگی میان نسل زد و آلفا است که ما ایرانیان و بطور کلی فعالان اجتماعی در سراسر جهان در عرصه کار اجتماعی مشترک با نسل‌های قبل تجربه می‌کنند. جوانان اغلب در فضای کنشگری ما ایرانیان دیاسپورا شکایت دارند که جلسات طولانی است، بیانیه‌ها طولانی هستند و مواردی از این دست. همچنین، این نسل به‌نسبت متنوع‌ترین نسل از نظر نژادی، جنسیتی و فرهنگی در تاریخ جامعه انسانی به شمار می‌آید.

به‌هرحال، هر دو نسل در حال شکل‌بخشی و تعریف مجدد فرهنگ، سیاست و اقتصاد در سطح جهانی هستند. در حالی که نسل زد در حال حاضر تغییرات اجتماعی را هدایت می‌کند، نسل آلفا احتمالاً این تغییرات را حتی با تکنولوژی مدرن به‌عنوان ابزار اصلی خود، بیش از پیش گسترش خواهد داد.

باید اشاره کرد که روند جهانی رشد نیروهای راست افراطی و فاشیسم در کنار افراط‌گرایی مذهبی که از استراتژی بهره‌مندی از تکنولوژی مدرن همراه با اطلاعات نادرست (misinformation) و اطلاعات گمراه‌کننده (disinformation) در کنار ابزارهای هوش مصنوعی استفاده می‌کنند، بدون شک مقابله در سطوح نوینی را میان نسل‌های زد و آلفا دامن خواهد زد.

همچنین، یکی دیگر از روندهای کلان جهانی که در فرایند رشد نیروهای راست و افراطگرایی مذهبی موثر است، قطبی شدن اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. در این زمینه، ایران در حالی یکی از بالاترین میزانهای نفوذ اینترنت را در میان کشورهای منطقه دارد که همزمان شاهد افزایش کودک‌همسری و رشد قتل‌های ناموسی در کنار دیگر چالش‌های اجتماعی هستیم. زنان و دختران نسل زد و آلفا در ایران، بویژه در شهرهای بزرگ و در تنوع پرر بار ملی و قومی خود، در صف مقدم مقابله با جمهوری اسلامی و اقتدارگرایی خشونت‌بار آن، در کنار اقتدارگرایی دیرپای پدرسالاری هستند و شجاعت را هر روز تکرار می‌کنند.

سوال دو- آیا می‌توان گفت دختران نسل زد در ایران نسبت به نسل‌های قبلی آگاهی بیشتری از حقوق زنان دارند و با مفاهیم جنسیت و برابری بیشتر آشنا می‌شوند؟ این آگاهی چگونه در محیط‌های خانوادگی و آموزشی شکل می‌گیرد و بر فعالیت‌ها و مطالبات اجتماعی آن‌ها تاثیر می‌گذارد؟ نقش نهادهای اجتماعی و خانواده در این زمینه چیست؟

الهه امانی: زنان نسل زد در جوامع اکثریت مسلمان، از جمله ایران، در مقایسه با نسل‌های پیشین، آگاهی بیشتری نسبت به برابری جنسیتی دارند. با این حال، میزان این آگاهی در کشورهای مختلف، بسته به زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی، عوامل فرهنگی و تاثیر سیاست‌های اقتدارگرایانه در این کشورها، متفاوت است. این نسل، به دلیل پیشرفت در آموزش (البته مورد افغانستان و آپارتاید جنسیتی بحثی جداگانه است)، دسترسی به اطلاعات دیجیتال و اصلاحات قانونی در برخی از کشورهای اکثریت مسلمان – اگرچه در بسیاری از موارد کم‌رنگ – فرصت‌های بیشتری برای رشد فردی و اجتماعی یافته است. مهم‌ترین ابعاد این تغییرات را می‌توان در حوزه‌های زیر برشمرد:

۱. افزایش دسترسی به آموزش عالی و بازار کار

زنان نسل زد و آلفا در بسیاری از کشورهای اکثریت مسلمان، بیش از گذشته به دنبال تحصیلات عالی هستند. در کشورهایمانند عربستان سعودی، اندونزی، ترکیه، پاکستان و ایران شاهد افزایش چشمگیری در ثبت‌نام زنان در دانشگاه‌ها هستیم. علاوه بر این، بسیاری از آنها وارد حوزه‌هایی شده‌اند که سنتاً تحت سلطه مردان بوده‌اند، مانند علوم، فناوری، مهندسی، ریاضیات (STEM)، تجارت و سیاست. با وجود این پیشرفت‌ها، موانع فرهنگی و تبعیض‌های شغلی همچنان چالش‌هایی جدی برای این زنان، از جمله زنان و دختران ایران، ایجاد کرده است. همچنین، ایران یکی از کشورهایمانند است که شکاف میان زنان با تحصیلات دانشگاهی و مشارکت اقتصادی آنها نزدیک به ۵۰ درصد است و جامعه جنسیت‌زده ایران از سرمایه عظیم زنان و دختران بهره نمی‌گیرد.

۲. نقش رسانه‌های اجتماعی و فمینیسم جهانی

پویایی و مبارزات نسل‌های پیشین در ایران و گسترش رسانه‌های اجتماعی، نقش مهمی در آگاهی زنان نسل زد از مفاهیم برابری جنسیتی ایفا کرده است. این نسل، بیش از نسل‌های پیشین، نقش‌های جنسیتی سنتی را به چالش می‌کشد و برای استقلال در تصمیم‌گیری‌های شخصی، از جمله ازدواج و انتخاب شغل، تلاش می‌کند. در عین حال، اگرچه در ایران این گفتمان غالب نیست، اما در سایر کشورهای اکثریت مسلمان، بسیاری از آنها دیدگاه‌های اسلامی را با آرمان‌های فمینیستی مدرن ترکیب کرده و تلاش دارند تعادلی میان باورهای دینی و اصول برابری جنسیتی ایجاد کنند. این روند در کشورهایمانند چون مالزی و اندونزی پررنگ‌تر است.

۳. تغییر نگرش نسبت به ازدواج و خانواده

بسیاری از زنان نسل زد در ایران و سایر جوامع مسلمان، ازدواج را به تعویق انداخته یا نقش خود را در خانواده بازتعریف کرده‌اند. آنها دیگر به همان میزان که نسل‌های قبل تحت فشار ازدواج زودهنگام و مادری اجباری بودند، نیستند و در برخی جوامع، خواستار قوانین عادلانه‌تر در زمینه ازدواج، طلاق، حقوق ارث و حمایت در برابر خشونت خانگی شده‌اند. با این حال، این تغییرات در کشورهای مختلف بصورت نابرابر پیش رفته و همچنان با مقاومت‌هایی از سوی سنت‌گرایان و واپس‌گرایان مواجه است.

۴. اصلاحات قانونی و فعالیت‌های اجتماعی

در برخی کشورهای اکثریت مسلمان، اصلاحات قانونی گام‌هایی در جهت حقوق بیشتر به زنان در زمینه‌هایی مانند مشارکت سیاسی، حقوق محل کار و حمایت‌های قانونی در زمینه خشونت خانوادگی برداشته شده است. برای مثال، در تونس سقط جنین برخلاف بسیاری از کشورهای اکثریت مسلمان دیگر از سال ۱۹۷۳ قانونی شده است. بحث‌های برابری وراثت ادامه دارد و قوانین حمایتی برای زنان علیه خشونت خانگی (از سال ۲۰۱۷) وجود دارد. از جمله کشورهای دیگر اندونزی است که بزرگترین کشور اکثریت مسلمان جهان است یک رئیس‌جمهور زن (مگاواتی سوکارنوپوتری) داشته است و زنان نقش مهمی در سیاست و تجارت دارند. بنگلادش، ترکیه، مالزی و امارات متحده عربی از جمله دیگر کشورهایمانند هستند که گام‌هایی در زمینه مطالبات زنان برداشته‌اند.

در ایران اسلام سیاسی، مستبد و واپسگرا، نسل زد با تکیه بر تجربه مبارزاتی نسل های پیشین میدانند که با وجود جمهوری اسلامی آینده ای را که در خور خود میدانند نمی تواند تحقق بخشد. در فضای بسته و محدود نقض حقوق و آزادیهای فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی، هویت ضد اقتدارگرایی زنان جوان و دختران همچنان در فضای عمومی می جوشد و میخروشد تا شعله های عصیان آن بار دیگر در خیابانهای ایران حماسه بیافرینند. در جنبش زن، زندگی، آزادی و ماه های متعاقب آن تا امروز خانواده ها در حمایت از فرزندان خود ایستاده و دادخواهی به گونه های متنوع ادامه دارد. این روند سر بازگشت ندارد و تنها میتواند گسترش یابد.

سوال سه- در جامعه ای که همچنان با محدودیت های فرهنگی و قانونی برای زنان روبه روست، دختران نسل زد چگونه از ابزارهای دیجیتال و فضای آنلاین برای بیان اعتراضات و نظرات خود استفاده می کنند؟ آیا این فضا توانسته است به ایجاد جنبش های اجتماعی جدید کمک کند؟

الیه امانی: بله، بدون شک. دختران نسل زد با استفاده از ابزارهای دیجیتال و فضاهای آنلاین، به ابراز اعتراضات، به چالش کشیدن هنجارهای فرهنگی و مشارکت در کنشگری اجتماعی می پردازند؛ آن هم در شرایطی که محدودیت های اجتماعی و قانونی علیه آنها وجود دارد. نحوه استفاده آنها از این پلتفرم ها و تاثیرشان بر جنبش های اجتماعی را می توان در موارد زیر برشمرد:

۱. ابزارهای دیجیتال، بستری برای بیان و مقاومت

پلتفرم هایی مانند تیک تاک و اینستاگرام این امکان را برای زنان جوان در ایران فراهم کرده اند تا بصورت خلاقانه، هنجارهای مردسالارانه را در خانه و جامعه به چالش بکشند و از برابری جنسیتی حمایت کنند. بسیاری از کنشگران و اینفلوئنسر ها با بهره گیری از محتوای بصری، نقش های تاریخی زنان را برجسته کرده و با روایت ها و خوانش های واپس گرایانه مقابله می کنند.

۲. نقش رسانه های اجتماعی در جنبش «زن، زندگی، آزادی»

زنان و دخترانی که در جنبش «زن، زندگی، آزادی» با بهره گیری از رسانه های اجتماعی صدای خود را در سطح جهانی تقویت کردند، نشان داده و می دهند که می توانند از امکانات و فرصت های فضای مجازی برای کنشگری و فعالیت های مشترک و گروهی، هرچند بصورت سیال، بهره بگیرند. پژوهش ها نشان می دهد که کنشگری در فضای مجازی و رسانه های اجتماعی تنها زمانی بیشترین تاثیر را دارد که با حضور میدانی، هرچند در مقیاس محلی، سیال و با حداقل ساختار، همراه باشد تا از پتانسیل بیشتری برای تاثیرگذاری پایدار برخوردار شود. همچنین، فضای دیجیتال حس تعلق و امنیت نسبی را برای زنان جوان فراهم می کند؛ جایی که آنها می توانند درباره مسائل حساس جنسی و جنسیتی گفتگو کنند، تجربیات خود را به اشتراک بگذارند و از یکدیگر الهام بگیرند.

۳. رسانه های اجتماعی و جنبش «من هم» در ایران

در کشوری که متعرضان جنسی از امنیت برخوردارند و حتی آزار و اذیت جنسی در محیط کار و فضاهای آموزشی تعریف قانونی مشخصی ندارد، رسانه های اجتماعی این امکان را فراهم کرده اند که نقاب از چهره آزارگران برداشته شود. این امر نه تنها در ایران، بلکه در سایر کشورهای اکثریت مسلمان نیز صادق است.

۴. رسانه های اجتماعی، بستری برای گسترش جنبش های اعتراضی

شبکه های اجتماعی امکان انتشار سریع اطلاعات را فراهم کرده و جنبش های اعتراضی را به مخاطبان جهانی متصل می کنند. در جنبش «زن، زندگی، آزادی»، رسانه های اجتماعی نقشی کلیدی در سازماندهی اعتراضات و افزایش آگاهی عمومی داشتند.

۵. خلاقیت نسل زد و آلفا در کنشگری دیجیتال

یکی از ویژگی های نسل زد و آلفا در زمینه کنشگری در سراسر جهان، خلاقیت در ادغام محتوای سیاسی با ابزارهای نوین است تا پیام های اعتراضی جذاب تر و فراگیرتر شوند.

۶. تاثیر شکاف نسلی بر جنبش های اجتماعی

اشتراک ارزش ها و نمادهای فرهنگی نسل زد و آلفا با هم نسلان خود در کنشگری اجتماعی در سراسر جهان و کاربردهای موثر تکنولوژی، شکاف نسلی را که همواره وجود داشته، تعمیق بخشیده و همبستگی نسل های گوناگون را در جنبش های نوین اجتماعی با چالش های تازه ای مواجه ساخته است. یکی از جلوه های این امر، هم در جامعه ایران، هم در گروه ها و تشکلهای ایرانیان دیاسپورا و حتی در جوامع غربی، این است که فعالیت نسل های

مختلف در تشکلهای و شبکه‌ها - چه در حوزه جنبش‌های اجتماعی و مدنی و چه در فعالیت‌های سیاسی - نیاز به سازوکارهای نوین و هوشمندانه دارد تا بتوان از تجربه و آموخته‌های نسل‌های پیشین در کنار نسل زد و آلفا بهره برد، تنش‌های کار گروهی را مدیریت کرد و حتی آنها را به تحول رساند.

سوال چهار- با توجه به تاثیر گسترده رسانه‌های اجتماعی، دختران نسل زد و آلفا چگونه نگرش‌های خود را نسبت به نقش‌های جنسیتی و مطالبات برابری خواهانه تغییر داده‌اند؟

الهه امانی: باید اشاره کرد که در حالی که این پلتفرم‌ها ابزار قدرتمندی برای جوانان، بویژه زنان جوان، محسوب می‌شوند، آنها را در معرض تهدیدهایی مانند آزار و اذیت آنلاین و نظارت‌های دولتی نیز قرار می‌دهند. باین‌وجود، نقش کلیدی این ابزارها در تقویت صداهایی که از نظر تاریخی شنیده نمی‌شدند و در حاشیه قرار داشتند، نشان می‌دهد که رسانه‌های دیجیتال می‌توانند عاملی مهم در ایجاد و برآمد تغییرات و جنبش‌های اجتماعی باشند، در حالی که برای تداوم و پایداری این جنبش‌ها، عوامل مهم و اساسی دیگری، ازجمله تشکلهای و شبکه‌ها، نیز باید وجود داشته باشد.

دختران نسل زد و نسل آلفا، با شیوه‌های نوآورانه و متفاوت از نسل‌های پیشین، نقش پررنگی در جنبش «زن، زندگی، آزادی» ایفا کرده‌اند. ویژگی‌های منحصر به فرد آنها، همراه با دسترسی و استفاده گسترده این بومیان دیجیتال از ابزارهای تکنولوژی، پروسه اشاعه جنبش را تسریع، تقویت و به‌روز کرد. عوامل کلیدی این نقش‌آفرینی عبارت‌اند از سواد دیجیتال، کنشگری در رسانه‌های اجتماعی و استفاده از آن به‌عنوان ابزاری برای بسیج، مستندسازی و انتشار سریع آگاهی.

پلتفرم‌هایی مانند اینستاگرام، توییتر و تیک‌تاک به آنها این امکان را داده‌اند که سانسور رسانه‌های دولتی را دور بزنند، صدای خود را جهانی کنند و با جنبش‌های بین‌المللی فمینیستی و حقوق بشری ارتباط بگیرند.

گسترش ویروسی تصاویر و ویدئوهای اعتراضات، همبستگی جهانی ایجاد کرده و سرکوب جنبش را برای حکومت دشوارتر کرده است. نسل جدید زنان ایرانی از طریق اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، با جنبش‌های برابری خواهانه در سراسر جهان آشنا شده و خواستار آزادی‌های مشابه شده‌اند. آنها پیشرفت زنان در سایر کشورها، حتی سایر کشورهای اکثریت مسلمان، را مشاهده کرده و این مقایسه‌ها را برای به چالش کشیدن محدودیت‌های جنسیتی در ایران به کار گرفته‌اند. همچنین علیرغم سانسور گسترده، استفاده از VPN ها و شبکه‌های جایگزین، آنها را به جامعه جهانی متصل نگه داشته است.

زنان نسل زد و آلفا کمترین تمایل را به پذیرش محدودیت‌های سنتی، مانند پوشش اجباری و نقش‌های جنسیتی قالبی، دارند و بیشتر از نسل‌های قبل، پدرسالاری سنتی و قوانین تحمیلی و مستبدانه را به چالش می‌کشند و از آزادی‌های فردی خود دفاع می‌کنند. مقاومت بسیاری از زنان این نسل‌ها به مطالبات پیرامون پوشش اختیاری محدود نمی‌شود، بلکه رد سیستماتیک تبعیض جنسیتی در قانون، آموزش و اشتغال را نیز شامل می‌شود.

سوال پنج- چگونه حضور پررنگ زنان نسل زد در رسانه‌های دیجیتال و آشنایی با جنبش‌های برابری خواهانه جهانی، بر نوع مقاومت آنها در برابر قوانین و هنجارهای محدودکننده در ایران تاثیر گذاشته است؟

الهه زمانی- زنان ایرانی درصد بالایی از دانشجویان آموزش عالی را تشکیل داده‌اند، اما به نظر می‌رسد که دختران نسل زد از دانش خود برای نقد اقتدار و مطالبه تغییرات اساسی بیشتر استفاده کرده و با تکیه بر آن در دانشگاه‌ها اعتراضات را رهبری کرده، در مباحث فمینیستی شرکت کرده و خواستار اصلاح قوانین نابرابر شده‌اند. برخلاف جنبش‌های زنان نسل‌های قبل و موج‌های فمینیستی پیشین در ایران، نسل زد و آلفا مفهوم سرکوب چندوجهی را درک کرده و آن را به مسائل طبقاتی، قومیتی (کردها، بلوچ‌ها، آذری‌ها) و نابرابری اقتصادی پیوند داده‌اند و به عبارتی درکی عمیق‌تر از فراگیری و تقاطع‌گرایی در جنبش کسب کرده‌اند. آنها صداهای به‌حاشیه‌رانده شده اقلیت‌های جنسیتی، قومی و مذهبی را در جنبش خود جای داده‌اند و بدین ترتیب، دامنه و انعطاف‌پذیری آن را افزایش داده‌اند.

با پذیرش شعار کردی «زن، ژیان، آزادی»، جنبش «زن، زندگی، آزادی» را به مبارزه‌ای مشترک برای تمام اقوام و طبقات تبدیل کرده‌اند. زنان و دختران ایران هم در رژیم سابق و هم در دهه‌های نخست استقرار جمهوری اسلامی، چه در زندان و چه در مبارزات خود، شجاعت و ایستادگی در برابر استبداد و ارتجاع نشان داده‌اند. اما جسارت و شجاعت نسل زد و حتی آلفا به گونه‌ای متفاوت و در بسیاری موارد از موضع قدرت است.

آنها در برابر نیروهای امنیتی مقاومت کرده، حجاب‌های خود را سوزانده و با وجود تهدیدهای بازداشت و سرکوب، شعارهای ضدحکومتی سر داده‌اند. زنان جوانی چون ژینا امینی و نیکا شاکرمی به نمادهای مقاومت تبدیل شده‌اند

و انگیزی بیشتری به جنبش بخشیده و می‌بخشند. زنان نسل زد و به عبارتی کنشگری این نسل در جنبش‌های اجتماعی، از ساختارهایی که هیرارشی قدرت در آنها حاکم است دوری جسته و به رهبری غیرمتمرکز و اقدامات جمعی تمایل و گرایش دارند. زنان نسل زد بیشتر از نسل‌های پیشین از حمایت و پشتیبانی مردان هم‌نسل خود برخوردارند. مردان این نسل نه تنها در حوزه کلام و نظری به دفاع از برابری جنسیتی برخاسته‌اند، بلکه برای آن هزینه داده و می‌دهند. واقعیت آن است که نقض حقوق زنان علت و معلول نابرابری‌های جنسیتی می‌باشد.

سوال شش - دختران نسل زد در ایران به دلیل دسترسی به رسانه های اجتماعی و فضای مجازی، با انواع گوناگونی از الگوهای زنانه و نقش های جنسیتی مواجه می شوند. به نظر شما این مواجهه چگونه بر نگرش ها و انتخاب های آنها در زندگی شخصی و اجتماعی تاثیر گذاشته است؟

الهه امانی- زنان نسل زد در جوامع اکثریت مسلمان، به پُمن رسانه‌های اجتماعی، با طیف گسترده‌ای از نقش‌های جنسیتی و الگوهای زنانه آشنا شده‌اند. برخلاف نسل‌های پیشین، آنها زنانگی را به عنوان یک مفهوم ثابت و محدود نمی‌بینند، بلکه آن را در اشکال مختلفی از زندگی حرفه‌ای، کارآفرینی، فعالیت اجتماعی و حتی به زیر سوال کشیدن نقش‌های جنسیتی و شکستن کلیشه‌ها تجربه می‌کنند. این تقابل با تعاریف متنوع از زن بودن، به آنان اجازه داده است تا مسیرهای منحصره‌فرد و نوآورانه‌ای را انتخاب کنند که در آن، برخی سنن و آداب فرهنگی ایران‌زمین را در مواردی با آرمان‌های مدرن در هم می‌آمیزند.

یکی از نتایج این تغییر، افزایش استقلال زنان نسل زد در تصمیم‌گیری‌های شخصی است. بسیاری از آنان در انتخاب تحصیلات، مشاغل، ازدواج و حتی بیان شخصی احساسات و خواسته‌های خود قاطع‌تر عمل می‌کنند. آنها با دیدن نمونه‌های موفق از زنان در کشورهای دیگر—مانند کارآفرینان، ورزشکاران، محققان، هنرمندان و دانشمندان و تاثیرگذاران—و همچنین زنان برجسته ایرانی در دیاسپورا، الگوهای جدیدی از موفقیت را برای خود ترسیم کرده و می‌کنند.

افزایش آگاهی از مسائل جنسیتی و حقوق زنان نیز از دیگر تغییرات مهم در میان این نسل است. بحث‌هایی که در گذشته در بسیاری از جوامع مسلمان تابو محسوب می‌شدند—مانند رضایت در روابط، سلامت عاطفی و مقابله با روابط سمی—امروزه در میان زنان جوان نسل زد و آلفای ایران رواج بیشتری یافته است. هم‌زمان، رسانه‌های اجتماعی بستر جدیدی برای فعالیت‌های برابری‌خواهانه فراهم کرده‌اند و جنبش‌هایی مانند مبارزه با خشونت خانگی و قوانین تحمیلی و واپس‌گرایانه پوشش، مورد حمایت بیشتری قرار گرفته‌اند. البته، این روند با واکنش‌هایی از سوی جریان‌های محافظه‌کار و صاحبان قدرت در جامعه جنسیت‌زده ایران نیز روبه‌رو بوده که چنین تغییراتی را متاثر از ارزش‌های غربی یا ناسازگار با اصول اسلامی می‌دانند.

در نهایت، زنان نسل زد و آلفا در ایران در سطح جامعه و خانواده درگیر مذاکره میان سنت و مدرنیته هستند و مدل‌های جدیدی از توانمندسازی را شکل می‌بخشند که نه کاملاً در چارچوب فمینیسم غربی می‌گنجد و نه با ایده‌آل‌های محافظه‌کارانه و واپس‌گرایانه همخوانی کامل دارد. در حالی که این تحولات به بسیاری از آنان قدرت انتخاب بیشتری داده، همچنان موانع اجتماعی، سیاسی و خانوادگی بر سر راهشان وجود دارد. چالش اصلی برای این نسل، یافتن تعادل میان ارزش‌های فرهنگی و مذهبی و آرمان‌های برابری جنسیتی است، به گونه‌ای که بتوانند هم به هویت شخصی خود وفادار بمانند و هم در جامعه نقش مؤثری ایفا کنند.

با تشکر
مارس ۲۰۲۵



**نسل زد، میراثداران قره العین / جیران مقدم، استاد اخراجی دانشگاه علامه / استاد
فعلی دانشگاه دوپسبورگ آسن
تقدیم به دخترانم در گروه جنگجویان زیبا، به یاد اشک‌ها و خنده‌ها**



زاده شدم که معلم باشم. چه درسالهای اول دهه‌ی هشتاد، با بیست و پنج سال سن و به عنوان فعال زنان و چه زمانی که در میانه‌ی دهه‌ی چهارم عمرم، شروع کردم به تدریس در دانشگاه، معلمی آرمانگرا بودم که درخانه‌اش باز بود به روی شاگردهایش، که میخواست پناه باشد برای تنهاییشان و مفری اگر نه برای رهایی، مجرای شایده برای تنفس از سنت و قانونی که به بند کشیده بودندشان و خانواده‌هایی که دردی اگر نبودند، با چهارچوبهایشان خانه‌ها را برای دختران زندان کرده بودند.

در خانه‌ام برای دختران جوان کلاسهای روایت‌نویسی برگزار میکردم، که مینوشتند تا آزاد شوند، بر سنت و هژمونی خانواده و جامعه غلبه کنند، که ارزشهایی نو میخواستند و شیوه‌ی زیستی نو. کسانی که پر شور و شور میامدند، بعضی فقط چند هفته، چرا که شوریدن بر باورها چنان سخت بود که مواجهه با آن را تاب نمیآوردند، بعضی چند ماه و اندکی چند سال مقیم هفتگی کلاسها میشدند و همراه کافه گردیها و شریک غم و شادی‌ها. همیشه اما آخر داستان هر کدامشان، حسرتی با من می‌ماند، دخترانم، آنها را اینطور مینامیدم، حتی بسیاری از آنها که سالها برای آزادی جنگیده بودند، در کوران زندگی تبدیل به مادرهای سنتیشان میشدند. جلوی چشمهایم ازدواج میکردند و جای حق طلاق مهریه میگرفتند، وارد روابط دودوتا چهار تای زندگی میشدند. شورشان را از دست میدادند. یادشان میرفت چقدر آرمان داشتند، یادشان میرفت روزگاری میخواستند طرحی نو دراندازند، نه که تقصیر خودشان باشد، سیستم یکسانگر با داس بی‌رحمیش سر هر جوانه‌ای که بر میآمد را بی رحمانه میبرد. فشارهای اقتصادی، خشونت‌ی که لفاف عشق و خانواده و آبرو و حفظ احترام پوشیده بود، دخترهای مرا در جریان روزمره‌ی زندگی حل میکرد و با خود میبرد. آن اندکی که باز میگشتند به دیداری، سایه‌ای از دختران جنگنده‌ی قبلی بودند، سایه‌هایی ناشاد، که سرخوشی سنت شکنانه‌شان در اضافه کاری و قسط و وام خانه و ماشین و پرستیز، در ساعتهای کاری زیاد و تقسیم ناعادلانه‌ی کار در خانه و نگهداری از فرزندان، در ازدواج‌های ناشادی که بدون عشق و به اجبار در آن مانده بودند، گم شده بود. به زنجیرهایی که جامعه آبرو می‌خواند، چنان پیوند خورده بودند که خود را از زنجیرها باز نمی‌شناختند. قهقهه‌های مبارزه جویانه‌شان، زنگ خنده‌های متین سنت زدگی مادرانشان، که قسم خورده بودند راهشان را دنبال نکنند را تداعی میکرد. از نگاه کردن در چشم‌هایم پرهیز میکردند، انگار میترسیدند برق ناامیدی را در نگاهم ببینند، شاید هم از دیدن تصویرشان در چشمهای من بود که می‌گریختند. من، درختی جوان بودم در پاییزی مداوم که عادت کرده بود به از دست دادن برگهایش در هجوم بی‌امان باد پاییز. همین‌قدر که میامدند، صرف امید به این که جرقه‌ای می‌ماند در ذهنشان برای مقاومت و شاید عصیان‌ی رهایی بخش در آینده‌ای نامعلوم، همین که یادشان می‌ماند جهان دیگری ممکن است، همین که خاطره‌ای داشتند از برگ سبز و رقاصه‌ی زمانی بودند، برای من کافی بود. دل خوش کردم به همین دستاوردهای کوچک که همین هم در آن شوره زاری که میزیستیم برای من چیزی بود.

من همیشه یک آرمانگرا بودم، با رویای خیابان انقلابی که آزاد بود و پر از دفاتر احزاب و انجی‌او‌ها، دانشگاه تهرانی که دیوار و نگهبان و حراستی نداشت و دانشجویهایی که روی چمن‌ها یله میدادند و کتاب میخواندند و بحث‌های سیاسی میکردند، با طنین سرودهای انقلابی و آزادی زنان از بند استثمار سنت و مذهب. و دخترهایم میامدند و میرفتند و من همیشه، آخر قصه که می‌رسید، تنها بودم....داستان من شبیه داستان تنهایی ابدی همه‌ی آرمانگرایان بود در جامعه‌ای تحت سلطه‌ی دیکتاتوری سرکوبگر. داستانی که خانواده‌ام از سه نسل قبل آن را زیسته

بودند. مبارزه‌ای بی‌پایان، بی‌ثمر نه، اما کم‌ثمر، داستان جنگجوی تنهایی که آنقدر می‌جنگید تا از پا میفتاد... و داستان من، تراژدی خود ساخته‌ی من ادامه داشت تا وقتی با آخرین نسل جوانان ایرانی، نسل زد، آشنا شدم. برای اولین بار فهمیدم که من، گمشده در هزارتوی دغدغه‌های روشنفکری آرمانگرایانه‌ام، فراموش کرده بودم به آنچه واقعا دختران امروز ایران می‌خواهند گوش بدهم، یا اگر هم گوش داده‌بودم، با گوش‌های نقاد معلمی بود که خواسته‌هایشان را خواسته‌هایی سطحی می‌دانست و تلاش به تغییرش داشت. شاید این فقط باد پاییزی نبود که برگهای جوان من را می‌تاراند، خودم هم انگار با آن شیوه‌ی تنزه‌طلبانه‌ی زندگیم، با آن اخلاقیات نقادانه‌ام، با آن مدل بی‌عیب و نقصی که می‌خواستم باشم و زندگی می‌کردم همدستش شده بودم.

وقتی استاد دانشگاه شدم، نسل زدی‌ها دانشجوهایم بودند، اما وقتی سعی کردم روح آرمانگرایی را در آنان بدم، چنانکه عادت بود، آنها به تلاشهایم وضعی نگذاشتند، دانشجوهای من در دنیای آرمانی من که در آن سندیکا وجود داشت، جشن هشت مارس، فعالیت آزادانه در احزاب و ...، شریک نبودند. برای آنها زندگی و واقعیت بسیار عینی‌تر از من بود. طول کشید تا من بتوانم به این نسل نزدیک شوم. اما نزدیک شدن به آنها مرا بسیار عوض کرد. فهمیدم نسل زد، نسل تغییر شیوه‌ی زیست در ایران است. آنها می‌خواهند آزاد و امن باشند. بتوانند بار و دیسکو بروند، با پارتیشان زندگی کنند، کسی قضاوتشان نکند، شغل داشته باشند، هرچه می‌خواهند بپوشند، هرچه می‌خواهند بخورند، سفر بروند. برای نسل زد، چیزهایی از حق بر بدن که در نسلهای قبل ایران موضوع مبارزه بود مثل زندگی مشترک بدون قید ازدواج، بکارت، حقوق جامعه‌ی ال‌جی‌بی‌تی‌کی‌وپلاس و ... اصول بدیهی است.

من با نسل زد یاد گرفتم کنار احزاب و ان‌جی‌اوها، بار و دیسکو را هم به تصویرم از خیابان انقلاب اضافه کنم، که دانشگاه رفتن و دانشجو بودن تنها راه جوانی کردن نباشد، یاد گرفتم جمع‌های دوستانه و بحث‌ها شاید نه روی چمن‌های دانشگاه و توسط دانشجویان، که در باری همان نزدیکی و میان جمعی فارغ از استاتوس اجتماعی شکل بگیرد، یاد گرفتم که موضوع بحث، می‌تواند اصلا سیاست نباشد. یادگرفتن هرکدام از اینها برای من سخت بود، چون من دیگر فقط معلم نبودم، کنار آنها من شکل دیگری از زیست را می‌آموختم و می‌آموزم. من آموختم که برای ارتباط با این نسل، باید یاد بگیرم لذت‌های زندگی را بشناسم. نسل زد باهوش است، میداند چه می‌خواهد و از بیان آنچه می‌خواهد ترسی ندارد. شاید خواسته‌های این نسل با تعاریف کلاسیک آرمانگرایانه نباشد، اما پای همین خواسته‌ها سفت و سخت ایستاده‌است.

دلیل این تغییر بزرگ در نگرش میان دو نسل پی‌پای را نمی‌دانم، شاید دلیلش زاده شدن از مادری باشد که خواستند عصیان کنند و نتوانستند مثل همان دخترانی که دختران من بودند و در سنت و تاریخ گم شدند، اما راه بر فرزندان‌شان نبستند، شاید به خاطر جریان به النسبه آزاد اطلاعات و نزدیک شدن فرهنگ عمومی از طریق شبکه‌های اجتماعی جهانی باشد.

هر چه که هست، نسل زد با خودش و خواسته‌هایش صادق است و از خودش اسطوره نمیسازد. با خودش تعارف ندارد، با بقیه هم تعارف ندارد. به جای ما که می‌جنگیدیم تا جهان را تغییر دهیم، انگار نسل زد کار خودش را میکند و از کنار جهانی که نمی‌خواهد تغییر کند می‌گذرد. مبارزه‌ی این نسل از جنس مبارزه‌ی مداوم و خستگی ناپذیر رودخانه است در بستری که سنگ را می‌شکافد.

نسل زد موسیقی خودش، صدای خودش و حرفهای خودش را دارد به آنها که نگاه میکنم، میبینم چطور برعکس نسلهای قبل، که تلاش میکردند ارزشهایشان را به جامعه ای که نمی‌خواست بفهمد، بفهمانند و برای آنها اعتبار در سیستم موجود کسب کنند، نسل زدی‌ها، در مواجهه با کسانی که زبانشان را نمی‌فهمند، شانه هایشان را بالا می‌اندازند، نگاهی آمیخته با تعجب به طرف میکنند و به راهشان ادامه میدهند. این نسل وقتش را در جنگهای بی حاصل تلف نمیکند. به نظرم میرسد انگار این نسل مانیفستهای نسلهای دیگر را زندگی میکند. به جای تغییر چهارچوبهای ایدئولوژیک، تغییر در شیوه ی زیست ایجاد میکند و این شکل نوین مبارزه که از قضا موفقیت های بسیاری کسب کرده است نشان داده که افراد در جوامعی با تنوع های فرهنگی، قومی و طبقاتی مثل ایران بر سر موضوعاتی چنین، در مقایسه با بحث های ایدئولوژیک، بسیار راحتتر به تعامل میرسند.

شناخت از این نسل، مفهوم مبارزه را برای من تغییر داد، یاد گرفتم کمی همراه باشم، آموختم از لذت ناشی از بازتولید اسطوره به سمت و سویی بسیار عینی‌تر بروم و همراه آنان از شادی‌های کوچک روزانه لبریز شوم. یاد گرفتم لذت بردن از زندگی مغایرتی با تلاش برای دنیای بهتر ندارد، برای آگاه بودن نباید لزوما درد کشید و تنها بود. بخش عمده‌ای از نسل جوان ایران، مثل نسل جوان اروپا و آمریکا درگیر حال و لذت امروز است و اصلا چرا نباشد؟ چه کسی بر آرمانگرایی شهادت‌طلبانه‌ی جوانان دهه‌ی شصت مهر ارزشمند میزند و بر ارزش مبارزه برای زیست امروز نسل زد خط بطلان میکشد؟ اصلا چه کسی شجاعت و شکل شجاعت را تعریف کرده است؟ چه کسی روش درست فعالیت اجتماعی را تعریف کرده است؟ من، شاهد ایستادگی این نسل در روزهای خیزش زن زندگی آزادی و

پس از آن بوده ام، ما با هم از آزمون آتش روزهای سخت خیزش، از اعدام ها و صدای تیر گذشتیم با هم بر مرگ محمد حسینی و محسن شکاری اشک ریختیم. با هم به رییس بسیجی و حراستی‌های احمق دانشگاه و ترفند هایشان خندیدیم. با هم رازهایمان را شریک شدیم. با هم بدون حجاب اجباری در خیابان راه رفتیم و با هر کسی که بهمان تذکر داد و متلک گفت سرشاک شدیم. ما باهم پیمان خون بستیم.

من شاهد سمجنتشان بر سر خواسته‌ها و آنچه درست می‌پندارند، شاهد جنگاوری قهرمانانه‌شان در مواجهه رو در رو با گلوله، با اخراج، با تهدید بوده‌ام و هرگز نسلی را ندیده‌ام که اینقدر بی‌قهرمانی کردن، قهرمان باشد، بی اینکه بخواهد، تلاش کند یا حتی بداند قهرمان باشد. بدون ادعا و حرف حجاب را برانداختند. بدون ادعا و حرف مفهوم درک متقابل و دوستی با هم را متحقق کردند، دست به دست هم جلوی هر چیزی که خلاف زندگی بود ایستادند و ایستاده اند.

شاید تنها ایرادشان این باشد که بر تاریخ نبرد پیش از خود ناآگاهند، گویی عادت این نسل است که شروع همه چیز را از خود میبیند، انگار جنبش اجتماعی ایران از زمان خیزش زن زندگی آزادی شروع شده است و این نسل نخستین نسلی است که از آزادی و کرامت و حق انسان حرف زده‌است، شاید از جوانی‌شان باشد که نمیدانند اگر شجاعند، بخشی از شجاعت را مدیون پدر و مادری هستند که آنها را اینگونه بار آورده اند. اما واقعا تقصیری هم ندارند، آنها نمیدانند حقوقی که از اول داشته اند، باورهایی که دیفالت ذهنیشان است، دستاورد نبردهای مادرها و پدرهایشان است که جوانیشان را بر سر اولین حقوق فردی در خانواده‌هایشان گذاشتند. که زمانی نه چندان دور، در همین خانه‌ها تاریکی هوا معیار برگشتن دختران به خانه، داشتن دوست از جنس مخالف تابویی غیر قابل شکستن، رابطه ی قبل از ازدواج گناهی نابخشودنی، همجنس‌گرایی عملی مهوع و منحرف و رنگ کردن مونشانه‌ی فساد اخلاقی بوده است.

اما واقعا جوانان این نسل چقدر در این نگاه مقصرند؟ رژیم سلطه‌گر، رژیم تفرقه بینداز و حکومت کن که انسانی‌ترین مفاهیم مثل فمینیسم و برابری و آزادیخواهی را با تمام منابع مالی و گفتمانی خود به سخره میگیرد و تخطئه میکند، که تمام سابقه‌ی هر نوع جنبش اجتماعی را از کلیه‌ی کتابهای مدون و منابع موجود در زندگی روزمره حذف میکند، در تمام لحظات در قطع ارتباط انسانها، نسلها، گروهها و طبقات و... کوشیده است، تا آنجا که نسل جدید، آرمانگرایان قدیم را فئاتیک‌هایی و واپس گرا و نسل قدیم، نسل جدید را بی بند و بار و بی آرمان میدانند.

رژیم اسلامی چهل و اندی سال تلاش کرد که ما یک ملت نباشیم، چرا که به عنوان ملتی واحد نمیتوانست ما را به بند بکشد، پس از ما هشتاد میلیون آدم تنها ساخت، هشتاد میلیون من، که منافع شخصیش را بر هفتاد و نه میلیون و نهصد و نود و نه هزار و... نفر دیگر ارجحیت می‌داد. توزیع ناعادلانه‌ی ثروت و قدرت بسیاری را به شکارچیان فرصت تبدیل کرد و ارتباط میان نسلها، مثل تمام ارتباطات انسانی دیگری که از ما یک ملت میساخت، در گذر زمان کمرنگ شد. ما کنشگران هم این میان بی‌تقصیر نبودیم، شاید باید تلاش بیشتری میکردیم، صدایمان را کمی عوض میکردیم، راههای جدیدی مییافتیم تا بتوانیم صدایمان را به صدای نسل زد پیوند بزنیم.

خیزش زن زندگی آزادی نخستین نقطه‌ی عطف در تاریخ نیم قرن رژیم اسلامی است که در آن فرصتی بی‌همتا پیش آمده است تا تفاوت‌ها کنار گذاشته شود، که انسانها هم را انسان ببینند، که یاد بگیرند به هم گوش بدهند و همدیگر را نه به امید آنچه بالقوه در دیگری میبینند بلکه به دلیل آنچه بالفعل است بپذیرند و دوست بدارند. شاید این یگانه شانس برای اتحاد ما باشد، اتحاد بر سر اصلی مشترک و رای ظاهر، هویت جنسیتی، تعاریف پیش ساخته، اتحادی که در آن انسان بودن و آزادی تنها ملاک است. ما باید راه تعریف کردن داستان نبردمان برای جوانهای خسته از مقاله های بند بند و متن های پرطمطراق را بیاییم. من تجربه کرده ام که آنها گوش میکنند و می آموزند، اما باید زبانیشان را یاد بگیریم. فکر میکنم هم نسل زد و هم نسل قدیم مبارزان راه آزادی باید بدانند پرچمی که در دست دارند، میراث دویست ساله ی قره العینی است که کشته شد تا از آزادی نگوید.

تجربه ی کار با نسل زد، تنه ی پیر مرا جوان و پربزرگ و بار کرد و سایه انداخت بر خستگی و اندوه سالها. تجربه‌ای که فکر میکنم با بسیاری از هم‌نسلان مبارزم در این سالها در آن شریک بوده ام. نسل زد نسل امید است، نسل زندگی روز به روز، نسل لذت بردن از امروز است. نسل زد، آینده است و آینده قطعا از آن این نسل خواهد بود.
مارس ۲۰۲۵



نسل زد در کردستان / فرخ نعمت پور



قبل از اینکه بحث را شروع کنیم، باید این سؤال مطرح شود که اساسا تا چه اندازه می‌توان میان نسل زدی که بعنوان مثال در غرب به دنیا آمده و زندگی کرده با نسل زد ایران و کردستان تشابه قائل شد،... آیا می‌توان از یک نسل همگن گفت؟

به نظر می‌رسد جواب منفی باشد، هرچند که در کل نمی‌توان وجود پدیده‌ای به اسم نسل زد در ایران و کردستان را نیز رد کرد، چنانکه می‌دانیم نسل زد از لحاظ زمانی به نسلی گفته می‌شود که میان سالهای ۱۹۹۷ میلادی تا ۲۰۱۲ بدنیا آمده است. نسلی در پهنای جهان و یا در یک بستر چند فرهنگی، و یا به اصطلاح جهانی شده و با امکان تماس بالا با دنیای دیجیتال. طوری که همین امکان ابزاری - دیجیتالی به یمن امکان ایجاد روابط وسیع با دنیای پیرامونی، آنها را از وضعیت ماقبل به‌در آورده و خصایصی را می‌پروراند که اساسا آنها را با نسل پیشین خود بشدت متفاوت می‌کند.

و آیا بطور مثال در کردستان، نسلی که میان این دو برهه زمانی بدنیا آمده‌اند، واقعا از همان امکانات نسل زد اروپایی و یا حتی کلان شهری مانند تهران بهره‌مند بوده‌اند؟

آماري در دست نیست، اما منطقا می‌توان نتیجه گرفت که نه! از لحاظ کمی و کیفی نمی‌توان میان آنها شرایط تساوی قائل شد. باید گفت که نسل زد غربی بشیوه بنیادین در یک بستر فرهنگی کاملا متفاوت پای به عرصه وجود نهاده‌اند که با توجه به ریشه تاریخی‌اشان در علم و پیشرفت و بطورکلی مدرنیسم و مدرنیته، با ظهور دنیای دیجیتال با کوله‌بار پربارتر و مجهزتری به پیشواز شرایط نوین رفته‌اند. حال اینکه در کشور ما، شرایط تا حدود زیادی بگونه‌ای دیگر رقم خورده است. بعنوان مثال نسل زد ایرانی هنوز با پدیده‌ای به اسم دیکتاتوری دینی مواجه است.

به نظر من نهایتا و منطقا می‌توان نتیجه گرفت که آری نسل زد در کردستان و ایران نیز پای به عرصه وجود نهاده‌اند، و وجود فیزیکی و عینی دارند، اما با ویژگی‌های مخصوص بخود. مثلا احتمالا نمی‌توان همین لحظات زمانی پیدایش را برای آنها در نظر گرفت. همچنین سال و زمان دستیابی آنها به دنیای دیجیتال باید از ضعف و یا شدت و حدت متفاوت‌تری حکایت کند که بدون تردید بر تعریف ما از این نسل تاثیر خواهد گذاشت. در جامعه‌ای که دنیای اینترنت و دسترسی به آن بشدت فیلتر می‌شود، و فیلترینگ منش اساسی حاکمیت با دنیای ارتباطی کنونی ما را تشکیل می‌دهد، بی‌گمان تصور و یا امکان ارتباطی این نسل با جهان و دنیای پیرامونی‌اش به همان ترتیب منقطع، و این، درک و منش او را بشدت تحت تاثیر قرار خواهد داد. در واقع در مرحله فعلی آنچه به نظر من استراتژی حاکمان ایران را تشکیل می‌دهد هر چه بیشتر قطعه قطعه کردن امکان تصور این نسل از جهان کنونی است. یعنی اگر نسل زد ایدئولوژی حاکمان جمهوری اسلامی را نمی‌پذیرد، اما بنوعی از ایجاد یک تصویر واضح‌تر و روشن‌تر نسبت به دنیای خارج هم در مخیله آنها جلوگیری بعمل آورده شود!

اما بگذارید علیرغم همه این ملاحظات بحث خود را شروع کنیم!

از شروع جنبش 'زن، زندگی، آزادی' چند سالی می‌گذرد. جنبشی که نسل زد در آن نقش اساسی ایفا کرد، و با حضور خود در خیابان، جامعه ایران را نه تنها یک قدم بلکه چنان به جلو برد و چنان آن را از فرهنگ مسلط و تحمیلی حاکمان جمهوری اسلامی دور انداخت که هنوز که هنوز است، علیرغم همه تلاش‌های سرکوبگران برای بازگشت به شرایط قبل از آن، قادر به انجام آن نشده و البته در آینده هم نخواهند شد. واقعیت این است که این فرهنگ و نگاه نسل زد است که خصلت فوتوریستی داشته و رو به آینده دارد، و در عوض این فرهنگ سنتی و بشدت عقب مانده حاکمان ایران است که گذشته‌گرا و بر همین جهت دارای خصلت ارتجاعی و میرندگی.

بعد از چند سال از گذشت جنبش 'زن، زندگی، آزادی' باید گفت که تسلط فرهنگی جمهوری اسلامی بوضوح در هم شکسته و جامعه ما وارد مرحله دیگری شده که آن را از گذشته خود بخوبی متمایز می‌کند. حاکمیت در یک بیان گرامشی‌وار، اتوریته فرهنگی و ایدئولوژیکی خود را از دست داده و هرچه تلاش می‌کند قادر به احیای آن نیست. درست است نسل زد از عهده تغییر در قدرت سیاسی برنیامد، اما پارادایم فرهنگی را تغییر داد و این درست همان جایی است که در زمان فاشیسم اروپایی مورد توجه اندیشمندان مارکسیستی مانند گرامشی قرار گرفته که عرصه نبرد در روبنا را کاملا بنیادین و مهم برای تغییرات در پیش رو در دیگر عرصه‌ها، و از جمله ساخت قدرت سیاسی، ارزیابی می‌کرد.

اما خصوصیات نسل زد در کردستان، که در یک بستر عمومی‌تر بنام ایران حرکت می‌کند، کاماند؟ بعنوان مثال اینکه زدهای کرد چه وجه مشترکی با همگنان خود در باقی ایران دارند، و یا احیانا چه وجوه افتراقی.

البته شاید این سنوال مطرح شود که چرا اساسا زد کردی؟ مگر بخش‌های کردنشین در ایران جزو ایران نیستند، و بنابراین دارای همان خصوصیات مفروض؟

باید گفت که کردستان علیرغم تعلق‌اش به ایران و اینکه بخشی از این سرزمین پهناور را تشکیل می‌دهد، اما چنانکه تجربه به ما نشان می‌دهد دارای شرایط و ویژگی‌های مخصوص بخود است. یعنی اینکه در عین اشتراک، تفارقی دارد که نه تنها منفی بحساب نمی‌آیند بلکه در خود نوعی حسن هم محسوب می‌شوند. قبل از هر چیز به این علت که آدم‌ها و گروه‌های اتنیکی متفاوتند، و همین تنوع خود می‌تواند سرچشمه ثروتی بیکران باشد.

نسل زد در کردستان، چنانکه از مفهوم ذاتی 'نسل زد' بر می‌آید نسلی‌ست متعلق به جهان اینترنت، تکنولوژی ارتباطاتی نوین و شبکه‌های اجتماعی. ویژگی‌هایی مشترک که در مورد همه متعلقان به این نسل صادق است. بنابراین زد کردی هم موبایل و کامپیوتر در دست دارد، در رسانه‌های دیجیتال فعال است و هر لحظه و هر زمانی که بخواهد، با لحاظ محدودیت‌هایش، می‌تواند با جهان پیرامون خود در اقفا نقاط آن تماس داشته باشد.

اما این نسل در کردستان، بر حسب موقعیت جغرافی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی خود در شرایط بمراتب متفاوت‌تری بسر می‌برد. زد کردی از جمله در یک منطقه پیرامونی زندگی می‌کند (بر اساس مدل مرکزگرایی که در عصر مدرن در ایران پی‌ریزی شده است، چه در زمان شاه و چه در زمان جمهوری اسلامی)، در فقر بیشتری بسر می‌برد، در جامعه‌ای زندگی می‌کند که بمراتب امنیتی‌تر است، بنابر سنت مقاومتی که از همان ابتدای بر سر کارآمدن جمهوری اسلامی در این منطقه سربرآورد و شدت گرفت در محیطی مبارزتر و پر جنب و جوش‌تر زندگی می‌کند؛ و نهایتا اینکه زد کردی بر اساس چنین شرایطی منطقا نسبت به مرکز از امکانات کمتری در دسترسی به تکنولوژی ارتباطاتی و از جمله اینترنت برخوردار است.

اگر بحث ایجاد انقطاع در امکان ارتباطی نسل زد با جهان پیرامون را (که گفتیم توسط حاکمیت اعمال می‌شود)، جدی بگیریم، باید گفت که این انقطاع در کردستان بیشتر است. به نظر می‌رسد همین امکان ارتباطی نسل زد را با ایدئولوژی‌ها، که بنوعی در دوران ما از اهمیت و قدرت آنها کاسته شده را بیشتر کرده است. علاوه بر این، آنچه در کردستان برجسته‌تر است برندگی و توان بیشتر مبارزاتی بعلت از جمله همین حضور قابل توجه‌تر ایدئولوژی از جمله در قالب ناسیونالیسم است. نسل زد که بیشتر نسل پس راندن ایدئولوژی و برجسته‌کردن فردگرایی بورژوازی البته در یک بستر جهانی شده و با اعتقاد ذاتی به فلسفه نسبی گرایی است، در کردستان بیشتر با ایده‌های بزرگ و ایدئولوژی ارتباط دارد و به همین جهت به لحاظی متفاوت‌تر است. نسل زد کردستان که مانند همکیشان خود در دیگر مناطق از عنصر آزادی و زندگی دفاع می‌کند، این دفاع را در هاله‌ای از حضور ایدئولوژی هم به پیش می‌برد. در واقع به نظر من این نسل در کردستان نسبت به مرکز بیشتر حالت التقاطی دارد، و به همین علت مبارزتر. به بیانی دیگر اگر نسل زد در کلان شهرها بیشتر در پی یک مبارزه گفتمانی است و کمتر متوجه تغییر در ساختار قدرت

سیاسی است، در کردستان از نمود سیاسی بیشتری بهره‌مند است.



اما آیا مبارزتر بودن آن، بمنزله تسلط نهایی ایدئولوژی بر این نسل خواهد بود؟ به نظر می‌رسد جواب منفی باشد. به این علت که در کشمکش درونی نسلی که از یک طرف بیشتر با ایدئولوژی در تماس است و از طرف دیگر در دنیای نسبی گرایی خود سیر و سیاحت می‌کند، این گرایش دوم است که نهایتاً مسلط می‌شود و هویت واقعی آنرا رقم می‌زند. باید گفت که علیرغم هر فراز و نشیبی، این خوش رفتاری، پرهیزکاری و ریسک‌گریزی است که مسلط خواهد شد. ویژگی‌هایی که بنیان جنبش 'زن، زندگی، آزادی' را تشکیل دادند و آنرا از نسل‌های قبل از خود جدا کردند.

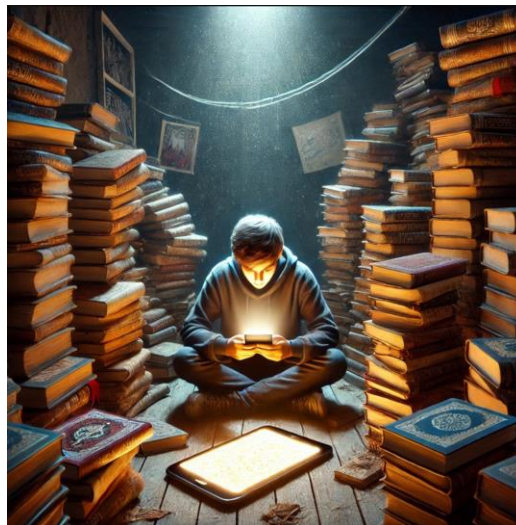
البته باید گفت که منش رفتاری و دیدگاهی این نسل تنها توسط امکانات دیجیتالی تعیین نمی‌شود، و مانند هر پدیده دیگری نقش عوامل سیاسی و اجتماعی، بویژه در حوزه رفتاری قدرت سیاسی، بسیار تعیین‌کننده است. بعنوان مثال به کردستان سوریه نگاهی بیافکنیم که نسل زد، اگر برهه زمانی تولد آن را در نظر بگیریم تا حدود زیادی تحت تأثیر یک ایدئولوژی خاص در قامت یک جریان سیاسی عمل می‌کند که بوضوح نشان‌دهنده تأثیر ایدئولوژی بر رفتار و منش آن است. بنابراین اگر شرایط در کردستان ایران سخت‌تر شود و تلاطمات سیاسی و اجتماعی به جایی برسند که امکان ظهور تمایلات این نسل و پراکتیزه کردن آن وجود نداشته باشد، همان تجربه در کردستان ایران هم تکرار شود.

نهایتاً اینکه باید گفت که آنچه مشخصه نسل زد کردی‌ست این است که این نسل نسبت به همکیشان خود در مرکز بیشتر در یک فضای التقاطی بسر می‌برد و به همین لحاظ بسته به وضعیت سیاسی - اجتماعی بیشتر مستعد پذیرش ایدئولوژی است. نسل زد در کردستان اگرچه بطور کلی در یک بستر پلورالی حرکت می‌کند، اما پلورالیسم آن بشیوه بالقوه دارای یک هسته مرکزی است که به‌گاه خود می‌تواند آن را بشیوه جدی وارد مداخلات سیاسی به شکل کلاسیک کند.

فوریه ۲۰۲۵



نسل زد و عادات مطالعه: تاثیر فناوری دیجیتال بر کتابخوانی در ایران/ رویا الف



کاش فرصتی بود که برای نوشتن این مطلب در ایران بودم و از نزدیک با چالش‌هایی که نسل زد با آن درگیر هستند، روبرو می‌شدم و بدون مانع با این عزیزان هم‌صحبت می‌شدم. در طی این چند ماه گذشته فرصتی اگرچه اندک پیش آمد که با پنج تن از نسلی که بعنوان نسل دیجیتال و یا به قول خودمان دهه هشتادی‌ها تلفنی صحبت کنم، نکاتی که مطرح کردند، قابل تامل بود. برایتان بخشی از گفت و شنودها را اینجا می‌گذارم.

یکی از این عزیزان که دستی درنوشتن و خواندن دارد، اشاره کرد که متأسفانه نهاد یا گروهی در شهرستانها برای تشویق به کتاب خواندن یا برگزاری مراسم‌های مربوطه (قطعا در پایتخت و کلان شهرها نهادهای وجود دارند ولی در قیاس با جمعیت به اندازه کافی نیست) وجود ندارد. مراسم‌های خاصی برای آگاهی رسانی برگزار نمی‌شوند، اگر جشنواره‌ای هم برگزار شود به خاطر ایدولوژیک بودن و تاکید بر عقاید خاصی مثلا پرداختن به زندگی نامه شهیدی خاص یا مسایل مربوط به مذهب جذابیتی برای نسل زد ندارد که بخواهند در آن شرکت کنند. نوجوان عزیز دیگری اشاره کرد که کانون پرورش فکری به خاطر فضای فرهنگی که دارد تا حدی برای تشویق موفق بوده است اما متأسفانه به خاطر کمبود امکانات و نبود منابع کافی برای سنین کودک مناسب است و به خاطر طراحی و فضایی که دارد جذابیتی برای نوجوان بالای ۱۲ سال ندارد و مکان جذابی که بخواهند در آن زمان بگذرانند، محسوب نمی‌شود. کمبود کتابخانه در شهرها و شهرستان‌ها دلیل دیگری است برای عدم آشنایی نوجوانان از کتاب خوانی و اهمیت آن در زندگی فردی و اجتماعی‌شان. بر اساس گفته دوست عزیزمان در کلاس سی و دو نفره‌ای که درس می‌خواند فقط دو نفر اهل مطالعه هستند و مابقی معتقدند تصویر و سینما جذابیت بیشتری از خواندن کتاب برایشان دارد و ترجیح‌شان دیدن فیلم، سریال، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و ورزش است، جالبتر اینکه برایشان سوال است که چرا دوستان به طور جدی کتاب خواندن را دنبال می‌کند. نوجوان دیگری مطرح کرد که اگر زمانی سن و سالانش بخواهند کتابی بخوانند کتابهای پرفروش و بی محتوا که احتیاجی به فکر کردن ندارد و بیشتر جنبه سرگرمی دارد را ترجیح می‌دهند. دوست عزیزمان مطرح کرد وقتی از چند هم سن و سالش علت را جویا شده که علت عدم تمایلشان چیست؛ پاسخشان این بودن که: به نظرشان حوصله سر بر است و انقدر که دیدن فیلم جذابیت دارد کتاب خواندن برایشان جذاب نیست و ترجیح‌شان گوش دادن به پادکست است، آن هم نه بصورت جدی، بیشتر جنبه تفریح و سرگرمی.

بعد از پرس و جوها و دقت در رفتار نسل زد به جمع بندی کلی رسیدم که در زیر به صورت تیتروار علل و عوامل کم شدن سرانه مطالعه در این نسل و راهکارهایی که می‌توانند کمک رسان باشند را برایتان می‌نویسم، با امید آمدن روزی که کودکان و نوجوانان سرزمینم اهمیت کتابخوانی را دریابند و در زمانی نه چندان دور شاهد جامعه‌ای با دیدی بازتر را باشیم.

معرفی نسل زد

نسل زد، متولدين سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۹ در ایران، به‌عنوان «بومیان دیجیتال» شناخته می‌شوند که از بدو تولد در

محیطی آمیخته با فناوری‌های دیجیتال رشد کرده‌اند. با گسترش شبکه‌های اجتماعی، اپلیکیشن‌های کتاب‌خوانی و تغییر در ساختار محتوای دیجیتال، رفتارهای مطالعه نسل زد دستخوش تغییرات چشمگیری شده است. از یک سو، محتوای کوتاه و سطحی توجه آن‌ها را به خود جلب کرده و از سوی دیگر، کتاب‌های الکترونیکی و صوتی به تقویت عادات مطالعه در قالبی جدید کمک کرده‌اند.

نسل زد در ایران که عمدتاً با عنوان دهه هشتادی‌ها شناخته می‌شوند، با ظهور و گسترش فناوری‌های نوین، اینترنت و ابزارهای دیجیتال رشد کرده‌اند. دسترسی آسان به اطلاعات و امکان تعامل بی‌واسطه با محتوای دیجیتال، منجر به تغییر در شیوه‌های مطالعه و کسب دانش در این نسل شده است. برخلاف نسل‌های پیشین که مطالعه عمیق و مستمر را ترجیح می‌دادند، نسل زد به مطالعه محتوای کوتاه و سریع علاقه‌مند است. این تغییر، از یک سو چالش‌هایی مانند کاهش تمرکز و از سوی دیگر فرصت‌هایی مانند افزایش دسترسی به منابع متنوع را به همراه داشته است.

در این نوشته به تحلیل این تغییرات و ارائه راهکارهایی برای حفظ و گسترش فرهنگ کتاب‌خوانی در میان نسل زد ایران می‌پردازم.

۱. تاثیر فناوری دیجیتال بر عادات مطالعه نسل زد

فناوری‌های دیجیتال، ساختار عادات مطالعه نسل زد را به‌طور اساسی تغییر داده‌اند. ظهور شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام، تیک‌تاک و یوتیوب، محتوای کوتاه و سریع را به بخش اصلی مصرف اطلاعاتی این نسل تبدیل کرده است. مطالعات نشان می‌دهند که نسل زد به‌طور متوسط تنها ۸ ثانیه تمرکز مداوم دارد و این کاهش تمرکز، نتیجه مستقیم استفاده مداوم از محتوای دیجیتال است.

از سوی دیگر، ابزارهای کتاب‌خوانی دیجیتال مانند فیدیبو و طاقچه در ایران، به گسترش مطالعه در قالب جدید کمک کرده‌اند. این پلتفرم‌ها با ارائه نسخه‌های صوتی و الکترونیکی کتاب‌ها، مطالعه را با زندگی پرشتاب این نسل سازگار کرده‌اند.

۲. تغییر الگوهای مطالعه: از محتوای عمیق به محتوای سریع

مطالعه عمیق، که زمانی معیار یادگیری و دانش‌اندوزی بود، اکنون جای خود را به مصرف سریع اطلاعات داده است. نسل زد بیشتر زمان خود را به مطالعه محتوای کوتاه در شبکه‌های اجتماعی اختصاص می‌دهد. این تغییر، به دلایلی همچون موارد زیر رخ داده است:

- **دسترسی آسان به اطلاعات:** اینترنت و موتورهای جستجو، فرآیند جست‌وجو و مطالعه را ساده کرده‌اند.

- **رشد پلتفرم‌های محتوای ویدئویی:** محتوای ویدئویی و کوتاه نسبت به متن، جذابیت بیشتری دارد.

- **نیاز به پاسخ‌های فوری:** نسل زد، به دلیل رشد در عصر دیجیتال، صبر کمتری برای مطالعه محتوای طولانی دارد.

۳. چالش‌های کتاب‌خوانی در نسل زد ایران

مطالعه در نسل زد با چالش‌های متعددی روبه‌روست، از جمله:

یک- کاهش تمرکز: استفاده مستمر از شبکه‌های اجتماعی باعث کاهش توانایی تمرکز و درک عمیق مطالب می‌شود.

دو- تسلط محتوای سرگرم‌کننده: محتوای سرگرم‌کننده در شبکه‌های اجتماعی، اولویت بیشتری نسبت به محتوای آموزشی و کتاب‌خوانی دارد.

سه- کمبود محتوای دیجیتال فارسی: با وجود رشد اپلیکیشن‌های کتاب‌خوانی، همچنان کمبود محتوای غنی فارسی به چشم می‌خورد.

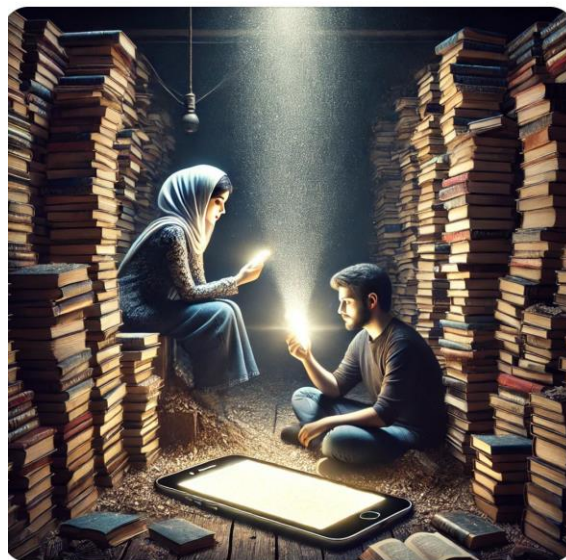
چهار- عدم همکاری نهادهای دولتی با مدارس: زیست در جامعه ای با ایدئولوژی اسلامی و پایبند بودن به اصول اعتقادی جامعه را محدود می‌کند. نسل زد هم از این قضیه مستثنی نیستند. در جامعه ای که تایید بر ترویج یکسری عقاید در چهارچوب اعتقادی خاصی است مانع از رشد افکار و داشتن دیدی باز می‌شود. وقتی در مدارس درگیر آموزش‌های دینی و محدود به کتب خاصی است، آموزش صحیحی به کودک در مورد خواندن و نوشتن داده نمی‌شود و در نتیجه تشویق برای خواندن در سنین نوجوانی سخت‌تر خواهد بود.

۴. فرصت‌های گسترش فرهنگ مطالعه در نسل زد
با وجود چالش‌ها، فرصت‌های قابل‌توجهی نیز وجود دارد:

* **توسعه کتاب‌های صوتی:** رشد پلتفرم‌های کتاب صوتی، مطالعه را در شرایط مختلف (مانند رفت‌وآمد یا ورزش) امکان‌پذیر کرده است.

* **استفاده از اینفلوئنسرهای حوزه کتاب:** معرفی کتاب توسط اینفلوئنسرهای در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به جذب نسل زد کمک کند.

* **گیمیفیکیشن در مطالعه:** استفاده از تکنیک‌های بازی‌سازی در اپلیکیشن‌های مطالعه، می‌تواند انگیزه مطالعه را افزایش دهد.



۵. راهکارهای پیشنهادی برای تقویت فرهنگ مطالعه

یک- تلفیق فناوری با مطالعه:

استفاده از فناوری‌هایی مانند واقعیت افزوده (AR) و واقعیت مجازی (VR) می‌تواند تجربه‌ای جذاب‌تر از مطالعه ایجاد

کند. ایجاد اپلیکیشن‌هایی که داستان‌ها را به صورت تعاملی و تصویری ارائه می‌دهند، یک راهکار موثر در این زمینه است.

دو- تولید محتوای کوتاه و جذاب درباره کتاب‌ها:

تولید محتوای کوتاه درباره کتاب‌ها، مانند معرفی کتاب‌های پرفروش و خلاصه‌های ویدئویی، می‌تواند نسل زد را به مطالعه بیشتر ترغیب کند.

سه- برگزاری چالش‌های مطالعه در شبکه‌های اجتماعی:

راه‌اندازی چالش‌های کتاب‌خوانی و مسابقات نقد کتاب در شبکه‌های اجتماعی، انگیزه مطالعه را افزایش می‌دهد.

چهار- توسعه محتوای آموزشی دیجیتال:

ایجاد پلتفرم‌های آموزشی با محتوای متنی و ویدئویی جذاب، می‌تواند جایگزین مناسبی برای محتوای سرگرم‌کننده باشد.

پنج- ایجاد فضاهای مطالعه نوین:

طراحی کافه‌های کتاب و کتابخانه‌های مدرن با امکانات دیجیتال، نسل زد را به سمت مطالعه سوق می‌دهد.

شش- نقش خانواده و نظام آموزشی در تقویت مطالعه

خانواده و نظام آموزشی، نقش کلیدی در شکل‌دهی عادات مطالعه دارند. آگاهی والدین از اهمیت مطالعه و تشویق فرزندان به کتاب‌خوانی، به‌ویژه در دوران کودکی، می‌تواند تاثیر بلندمدتی داشته باشد. مدارس نیز می‌توانند با برگزاری مسابقات مطالعه، ارائه پروژه‌های تحقیقاتی و استفاده از ابزارهای دیجیتال آموزشی، عادات مطالعه نسل زد را تقویت کنند.

نتیجه‌گیری

تاثیر فناوری دیجیتال بر عادات مطالعه نسل زد در ایران، پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی است. در حالی که فناوری، چالش‌هایی مانند کاهش تمرکز و جایگزینی محتوای سرگرم‌کننده با محتوای علمی را به همراه داشته، فرصت‌هایی همچون گسترش کتاب‌های الکترونیکی و صوتی نیز فراهم کرده است. برای تقویت فرهنگ کتاب‌خوانی، باید از روش‌های نوین مانند گیمیفیکیشن، محتوای تعاملی و شبکه‌های اجتماعی بهره برد و همزمان، خانواده و نظام آموزشی را در این مسیر فعال کرد.

مارس ۲۰۲۵



موسیقی نسل زد در ایران: تحولات، چالش‌ها و آینده‌نگری/بیژن میثمی



چکیده

موسیقی نسل زد در ایران، پدیده‌ای پویا و چندلایه است که در سایه پیشرفت فناوری‌های نوین و دگرگونی‌های اجتماعی، تغییرات چشمگیری را تجربه کرده است. این مقاله به بررسی ابعاد گوناگون این جریان موسیقایی می‌پردازد؛ از تأثیرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن گرفته تا نوآوری‌های تکنولوژیک، پیوند با موسیقی سنتی و نقش هنرمندانی همچون توماج صالحی، کاوه یغمایی، کاوه آفاق و رضا یزدانی. همچنین، چالش‌های قانونی، اقتصادی و فرهنگی پیش روی هنرمندان این عرصه و چشم‌انداز آینده موسیقی نسل زد در ایران تحلیل خواهد شد.

مقدمه

نسل زد، به‌عنوان نسل جوانی که در دهه‌های اخیر به دنیا آمده‌اند، در ایران محیطی متفاوت نسبت به نسل‌های پیشین تجربه کرده‌اند. این نسل که رشدشان در عصر دیجیتال و رسانه‌های اجتماعی رقم خورده، شیوه‌های تفکر، هویت‌یابی و بیان هنری‌شان را دگرگون ساخته است. موسیقی، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین ابزارهای بیان هویت و اعتراض، برای نسل زد نه تنها یک شکل هنری بلکه وسیله‌ای جهت نقد و اعتراض به شرایط اجتماعی و سیاسی تبدیل شده است. در همین راستا، هنرمندانی مانند توماج صالحی که با آثار انتقادی خود به مسائل جامعه می‌پردازند، به همراه کسانی مانند کاوه یغمایی، کاوه آفاق و رضا یزدانی که با تلفیق سبک‌های مدرن و سنتی، به خلق نوآوری‌های موسیقایی پرداخته‌اند، نقش مهمی در شکل‌دهی به این جریان ایفا کرده‌اند. هدف از این مقاله، ارائه یک بررسی نسبتاً جامع و تحلیلی از روندها، نوآوری‌ها و چالش‌های موسیقی نسل زد در ایران و همچنین بررسی تعامل آن با موسیقی سنتی می‌باشد.

۱. نسل زد و تأثیرات فرهنگی بر موسیقی

نسل زد در ایران با دسترسی آسان به اینترنت و فناوری‌های نوین، نگرشی متفاوت نسبت به موسیقی دارد. آن‌ها به‌عنوان مخاطبانی خردمند و بین‌المللی، از منابع متنوع موسیقی بهره می‌برند و در عین حال به دنبال ابراز هویت و بیان انتقادات اجتماعی هستند. این ویژگی‌ها موجب شده است که سبک‌های موسیقی مرسوم با تغییرات اساسی روبه‌رو شود. به عنوان مثال، برخلاف نسل‌های پیشین که موسیقی را از طریق رادیو و تلویزیون می‌شنیدند، نسل زد به‌طور عمده از پلتفرم‌های دیجیتال مانند اینستاگرام، یوتیوب و اسپاتیفای استفاده می‌کند. این دسترسی آسان، امکان تعامل مستقیم با هنرمندان را فراهم نموده و روند تولید و مصرف موسیقی را دگرگون کرده است.

یکی از جنبه‌های مهم در این زمینه، تغییر نگرش نسبت به موسیقی سنتی است. در حالی که موسیقی سنتی همواره جزء هویت فرهنگی ایران به شمار می‌آمد، نسل زد تمایل نشان داده است که آن را در قالبی مدرن و تلفیقی مورد استفاده قرار دهد. این رویکرد به گونه‌ای است که هنرمندان جوان تلاش می‌کنند با به‌کارگیری سازهای سنتی و ترکیب آن‌ها با سبک‌های مدرن، پلی میان گذشته و آینده ایجاد کنند.

۲. نوآوری‌های تکنولوژیک و هنری در موسیقی نسل زد

با ظهور فناوری‌های نوین، هنرمندان نسل زد از ابزارهای دیجیتال بهره می‌برند تا موسیقی‌های خود را تولید کنند. نرم‌افزارهایی نظیر FL Studio، Ableton Live و Logic Pro به هنرمندان این نسل اجازه می‌دهند تا بدون نیاز به استودیوهای سنتی، آثار حرفه‌ای تولید کنند. این تغییر تکنولوژیک، موجب شده است که مرزهای بین ژانرهای

موسیقی کمرنگ شود و تلفیق سبک‌های مختلف، از جمله ترکیب موسیقی سنتی با هیپ‌هاپ و الکترونیک، بیشتر به چشم آید.

در کنار استفاده از فناوری‌های نوین، رسانه‌های اجتماعی نقش بی‌بدیلی در انتشار و ترویج موسیقی دارند. از طریق پلتفرم‌هایی مانند اینستاگرام، یوتیوب و تیک تاک، هنرمندان نه تنها موسیقی‌های خود را منتشر می‌کنند، بلکه از راه‌های خلاقانه‌ای برای تعامل با مخاطبان استفاده می‌کنند. محتوای ویدئویی، چالش‌های مجازی و لایوهای زنده نمونه‌هایی از این نوآوری‌ها هستند که به انتشار سریع و گسترده موسیقی کمک می‌کنند.

۳. موسیقی سنتی در بستر نسل زد

اگرچه موسیقی سنتی جایگاه ویژه‌ای در تاریخ و فرهنگ ایران دارد، نسل زد به دلایل مختلفی از جمله تغییر در سبک زندگی و تاثیر فرهنگ‌های جهانی، نسبت به آن رویکرد متفاوتی اتخاذ کرده است. در این میان، رویکردی که بیشتر مشاهده می‌شود، تلفیق موسیقی سنتی با سبک‌های مدرن است. هنرمندانی که به این موضوع پرداخته‌اند، با استفاده از سازهای سنتی مانند تار، سنتور و دف، به همراه بیت‌های مدرن هیپ‌هاپ یا الکترونیک، موسیقی جدیدی خلق می‌کنند که هم اصالت فرهنگی را حفظ می‌کند و هم با سبک زندگی امروز هماهنگ است.

این روند نه تنها به حفظ موسیقی سنتی کمک می‌کند بلکه موجب می‌شود که نسل جوان به ارزش‌های فرهنگی گذشته آشنا شود، در حالی که به‌طور همزمان از نوآوری‌های معاصر بهره‌مند می‌شود. به عنوان نمونه، برخی از آهنگ‌های تولید شده توسط هنرمندان مستقل ایران، در آنها تلفیق اجزای سنتی با مدرنیته به‌وضوح دیده می‌شود.

۴. موفقیت‌ها و تأثیرات هنرمندان نسل زد

موسیقی نسل زد در ایران، علیرغم محدودیت‌های قانونی و اقتصادی، موفقیت‌های چشمگیری در عرصه‌های مختلف کسب کرده است. هنرمندانی مانند توماج صالحی با استفاده از اشعار انتقادی و مضامین اجتماعی، موجی از تغییرات در نگرش جوانان ایجاد کرده‌اند. توماج صالحی در آثارش به چالش‌های موجود در جامعه پرداخته و به‌عنوان یک صدای اعتراض، مورد توجه مخاطبان قرار گرفته است.



همچنین، هنرمندانی همچون کاوه یغمایی، کاوه آفاق و رضا یزدانی نیز با به کارگیری نوآوری‌های موسیقایی و تلفیق سبک‌های مختلف، نقشی مهم در تحول موسیقی نسل زد داشته‌اند. این هنرمندان با بهره‌گیری از تجربیات شخصی و تحلیل‌های عمیق فرهنگی، مرزهای ژانرهای موسیقی را در ایران گسترش داده و توانسته‌اند مخاطبان جدیدی را به سوی موسیقی ایرانی جذب کنند.

موفقیت این هنرمندان نه تنها در سطح ملی بلکه در برخی موارد به سطح بین‌المللی نیز رسیده است؛ از طریق انتشار آثار در پلتفرم‌های جهانی، آنها توانسته‌اند نقدها و تحلیل‌های خود را به مخاطبانی در خارج از کشور نیز برسانند. این موفقیت‌ها نشان‌دهنده تغییر نگرش جامعه به موسیقی معاصر و پذیرش سبک‌های نوین است.

۵. چالش‌های موسیقی نسل زد در ایران

با وجود دستاوردهای فوق‌العاده، هنرمندان نسل زد در ایران با چالش‌های متعددی مواجه‌اند. محدودیت‌های قانونی و سانسور، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موانع، فعالیت هنرمندان را به شدت تحت تاثیر قرار داده است. دریافت مجوزهای رسمی برای انتشار آثار موسیقی، بخصوص در سبک‌های رپ و هیپ‌هاپ که اغلب مضامین انتقادی را دربر دارند، بسیار دشوار است. علاوه بر این، فشارهای اقتصادی نیز زمینه را برای فعالیت هنرمندان مستقل محدود می‌کند؛ زیرا حمایت‌های مالی دولتی و خصوصی به میزان کافی در دسترس نیست.

از سوی دیگر، موانع فرهنگی و اجتماعی، به ویژه در حوزه‌هایی که نقدهای سیاسی و اجتماعی مطرح می‌شود، نقش مهمی در شکل‌گیری فضای موسیقی‌ای دارند که هنرمندان نسل زد را به فعالیت‌های زیرزمینی سوق

می‌دهد. این شرایط، در کنار چالش‌های ناشی از محدودیت‌های فناوری در برخی موارد، بر روند رشد و توسعه موسیقی تاثیرگذار است.



۶. آینده موسیقی نسل زد در ایران

با توجه به روندهای جهانی و پیشرفت‌های تکنولوژیکی، می‌توان پیش‌بینی کرد که موسیقی نسل زد در ایران به سمت بهره‌گیری بیشتر از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی در تولید موسیقی و گسترش همکاری‌های بین‌المللی حرکت خواهد کرد. همچنین، تلفیق مداوم موسیقی سنتی با سبک‌های مدرن می‌تواند به حفظ هویت فرهنگی و در عین حال پاسخگویی به نیازهای جدید این نسل بیانجامد.

چالش‌های قانونی و اقتصادی، اگرچه همچنان پابرجا هستند، اما نوآوری و خلاقیت هنرمندان می‌تواند زمینه‌ساز تغییرات مثبت در آینده صنعت موسیقی ایران شود. در این میان، حضور هنرمندانی همچون توماج صالحی، کاوه یغمایی، کاوه آفاق و رضا یزدانی، نشانه‌ای از توانمندی و پویایی نسل زد است که می‌تواند الهام‌بخش نسل‌های بعدی نیز باشد.

۷. تحلیل مقایسه‌ای: موسیقی نسل زد در ایران در مقایسه با سایر کشورها

در بررسی موسیقی نسل زد، مقایسه با جریان‌های موسیقی جوانان در سایر کشورها نشان می‌دهد که علیرغم وجود تشابهاتی از نظر استفاده از فناوری‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی، تفاوت‌های قابل توجهی نیز مشهود است. در بسیاری از کشورهای غربی و آسیایی، فضای آزادی بیان هنری بیشتر است؛ در حالی که در ایران محدودیت‌های قانونی و سانسور به شدت بر فعالیت هنرمندان تاثیرگذار بوده است. این تفاوت‌ها باعث شده است که هنرمندان ایرانی علاوه بر استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته، مجبور به ایجاد رویکردهای خلاقانه برای دور زدن موانع رسمی شوند. به عنوان نمونه، آثار توماج صالحی و کاوه یغمایی نه تنها از لحاظ سبک و محتوا منحصر به فرد هستند، بلکه پاسخگوی شرایط خاص اجتماعی و قانونی کشور نیز محسوب می‌شوند.

۸. آینده موسیقی نسل زد در ایران

با توجه به روندهای فعلی و پیشرفت فناوری، آینده موسیقی نسل زد در ایران می‌تواند نویدبخش تغییراتی چشمگیر باشد. انتظار می‌رود که با افزایش دسترسی به اینترنت‌های پرسرعت و ظهور فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی در تولید موسیقی، هنرمندان بتوانند مرزهای موجود را جابه‌جا کرده و آثار باکیفیت و نوآورانه‌ای تولید کنند. همچنین، گسترش همکاری‌های بین‌المللی و حضور در پلتفرم‌های جهانی، افق‌های جدیدی را برای نمایش و انتشار موسیقی ایرانی ایجاد خواهد کرد. در این میان، تلفیق مداوم موسیقی سنتی با سبک‌های مدرن، می‌تواند به حفظ هویت فرهنگی و در عین حال نوآوری هنری کمک نماید.

۹. همکاری‌های بین‌المللی و تأثیر آن بر موسیقی نسل زد

یکی از روندهای نوظهور در عرصه موسیقی نسل زد، افزایش همکاری‌های بین‌المللی است. هنرمندان ایرانی، علی‌رغم محدودیت‌های داخلی، از طریق شبکه‌های مجازی و سفر به خارج از کشور، با هنرمندان و تهیه‌کنندگان خارجی ارتباط برقرار می‌کنند. این تعاملات باعث انتقال تجربیات، شیوه‌های نوین تولید موسیقی و همچنین ارتقاء کیفیت آثار می‌شود. همکاری‌های بین‌المللی همچنین به هنرمندان اجازه می‌دهد تا به مخاطبان جهانی دست یابند و از نقد و بازخوردهای متنوع بهره‌مند شوند.

۱۰. تأثیر شرایط اجتماعی و سیاسی بر موسیقی نسل زد

موسیقی نسل زد در ایران به عنوان ابزاری برای بیان نظرات و اعتراضات اجتماعی شناخته می‌شود. شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور، موجبات ظهور آثار انتقادی و اعتراضی را فراهم آورده است. هنرمندانی مانند توماج صالحی در آثار خود به مسائلی همچون حقوق بشر، آزادی بیان و عدالت اجتماعی پرداخته‌اند. این روند نه تنها نشان‌دهنده واکنش هنرمندان به شرایط موجود است، بلکه تأثیر عمیقی بر آگاهی و دیدگاه جوانان نسبت به مسائل اجتماعی داشته است.

۱۱. تحلیل محدودیت‌های قانونی و نظارتی بر فعالیت موسیقی نسل زد

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های هنرمندان نسل زد، محدودیت‌های قانونی و نظارتی است. قوانین سختگیرانه و سانسور مداوم، فضای فعالیت هنرمندان را محدود کرده و اغلب آنان را به سمت فعالیت‌های غیررسمی و زیرزمینی سوق می‌دهد. عدم امکان دسترسی به مجوزهای رسمی برای انتشار آثار، به ویژه در سبک‌های رپ و هیپ‌هاپ که غالباً مضامین انتقادی را دربرمی‌گیرند، از مهم‌ترین مشکلات این نسل به شمار می‌آید. این شرایط، به نوبه خود، موجب ایجاد فضای انتقادی و نوآورانه در میان هنرمندان شده است.

۱۲. انتقادات اجتماعی و سیاسی از طریق موسیقی

در موسیقی نسل زد، نقد و بررسی وضعیت اجتماعی و سیاسی به عنوان یکی از محورهای اصلی ظاهر می‌شود. هنرمندان با بهره‌گیری از زبان هنری، انتقادهای خود را نسبت به نابرابری‌ها، محدودیت‌های آزادی و فسادهای موجود بیان می‌کنند. این انتقادات در قالب اشعار تند، بیت‌های پرانرژی و متون انتقادی به گوش می‌رسد. آثار توماج صالحی به عنوان نمونه‌ای برجسته، نقدی مستقیم بر سیاست‌های جاری ارائه می‌دهد و موجب ایجاد بحث و گفت‌وگو در میان جوانان شده است.

۱۳. چالش‌های ارتباطی هنرمندان نسل زد با نهادهای رسمی

هنرمندان نسل زد در ایران اغلب با مشکلاتی در برقراری ارتباط موثر با نهادهای رسمی موسیقی و فرهنگی مواجه هستند. عدم وجود کانال‌های رسمی برای ارائه و انتشار آثار، باعث شده است تا بسیاری از هنرمندان به روش‌های غیررسمی و شبکه‌های اجتماعی متوسل شوند. این وضعیت علاوه بر ایجاد فضای غیرشفاف در انتشار آثار، زمینه‌های برخورد با نهادهای دولتی را نیز تحت تأثیر قرار داده و مانعی برای رشد خلاقیت و نوآوری در موسیقی به شمار می‌آید.



۱۴. نگرش انتقادی هنرمندان نسل زد به سیاست‌های حکومتی

در آثار هنرمندان نسل زد، نگرشی انتقادی نسبت به سیاست‌های حکومتی و نهادهای رسمی به وضوح مشهود است. بسیاری از این آثار به عنوان امکانی برای ابراز نارضایتی از سیاست‌های محدودکننده و فشارهای اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرند. هنرمندانی مانند توماج صالحی با بهره‌گیری از زبان قوی و انتقادی، به بررسی دقیق مسائل سیاسی و اجتماعی می‌پردازند. این نگرش انتقادی نه تنها تأثیر مستقیمی بر مخاطبان دارد، بلکه موجب ایجاد فضای گفتگو و نقد در جامعه می‌شود.

۱۵. بررسی پیام‌های سیاسی در آثار موسیقی نسل زد و تأثیر آن بر جامعه

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های موسیقی نسل زد، انتقال پیام‌های سیاسی از طریق آثار هنری است. این پیام‌ها، غالباً در قالب اشعار تند و مضامین انتقادی بیان می‌شوند و تأثیر قابل‌توجهی بر تفکر و آگاهی اجتماعی دارند. پیام‌های سیاسی موجود در آثار هنرمندان مانند توماج صالحی، کاوه یغمایی، کاوه آفاق و رضا یزدانی، موجب شده است تا موسیقی به عنوان صدایی برای اعتراضات اجتماعی و سیاسی شناخته شود. این پیام‌ها نه تنها بازتاب‌دهنده شرایط کنونی جامعه هستند، بلکه به عنوان عامل انگیزشی برای تغییرات مثبت نیز عمل می‌کنند.

۱۶. گرایش نسل زد ایران به موسیقی سنتی: کاهش، تغییر یا احیا؟

موسیقی سنتی ایرانی که شامل سبک‌هایی مانند موسیقی دستگاهی، ردیف، تصنیف و نواهای محلی است، در گذشته نقش پررنگی در فرهنگ ایران داشت. اما با ظهور سبک‌های جدید و تغییر سلیقه نسل‌های جوان، این نوع موسیقی دچار تحولات جدی شده است. نسل زد ایران رویکرد متفاوتی نسبت به موسیقی سنتی دارد که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم.

یک- کاهش محبوبیت موسیقی سنتی در میان نسل زد

در مقایسه با نسل‌های قبل، علاقه به موسیقی سنتی در میان نسل زد کاهش یافته است. دلایل این کاهش عبارت‌اند از:

الف) تغییر سبک زندگی و فرهنگی به معنی:

- گسست بین نسلی: بسیاری از جوانان امروزی برخلاف نسل‌های گذشته، با موسیقی سنتی از کودکی آشنا نشده‌اند

- مدرن شدن سبک زندگی: تمایل به سبک‌های سریع‌تر و هیجان‌انگیزتر مانند رپ، پاپ و الکترونیک باعث کاهش جذابیت موسیقی سنتی شده است.

- کمبود نوآوری در موسیقی سنتی: بسیاری از اجراهای سنتی همچنان در چارچوب‌های قدیمی باقی مانده‌اند و نتوانسته‌اند خود را با ذائقه نسل جدید وفق دهند.

ب) تأثیر اینترنت و رسانه‌های دیجیتال

- تسلط موسیقی جهانی: موسیقی غربی، K-pop، هیپ‌هاپ و سایر ژانرهای بین‌المللی در فضای اینترنت بیشتر دیده و شنیده می‌شوند، درحالی‌که موسیقی سنتی کمتر در این فضاها حضور دارد.

- دسترسی سخت‌تر: نسل زد عمدتاً از پلتفرم‌هایی مانند اسپاتیفای و یوتیوب استفاده می‌کند، اما موسیقی سنتی ایرانی کمتر روی این پلتفرم‌ها به صورت حرفه‌ای منتشر می‌شود.

ج) تغییر در مفهوم هویت فرهنگی

- بسیاری از نسل زد، هویت خود را در موسیقی جهانی جست‌وجو می‌کنند و احساس نزدیکی کمتری به موسیقی سنتی دارند.

- موسیقی سنتی بیشتر با مراسم رسمی، صداوسیما و برنامه‌های دولتی مرتبط شده که از نظر برخی جوانان جذابیت ندارد.

دو- گرایش‌های جدید و تغییر در نوع مصرف موسیقی سنتی

درحالی‌که محبوبیت موسیقی سنتی در شکل کلاسیک آن کاهش یافته، برخی تغییرات باعث شده‌اند که نسل زد به شیوه‌های جدیدی با این موسیقی ارتباط برقرار کند.

الف) موسیقی تلفیقی و نئوسنتی

یکی از مهم‌ترین تغییرات، تلفیق موسیقی سنتی با سبک‌های مدرن است. این نوع موسیقی به دلیل استفاده از ریتم‌های جدید و تنظیم‌های مدرن، بیشتر مورد توجه نسل زد قرار گرفته است. نمونه‌هایی از موسیقی تلفیقی سنتی و مدرن را می‌توان نام برد:

- گروه چارتار (تلفیق موسیقی ایرانی با الکترونیک و پاپ)

- همایون شجریان و علیرضا قربانی (تلاش برای ارائه موسیقی سنتی در قالب‌های جدید)

- گروه دنگ‌شو و پالت (ترکیب موسیقی سنتی و جَز)

(ب) بازتفسیر موسیقی سنتی در فضاهای جدید

- نسل زد گاهی از موسیقی سنتی به‌عنوان بک‌گراند در ویدئوهای اینستاگرامی و تیک‌تاک استفاده می‌کند، اما نه لزوماً به‌عنوان یک سبک موردعلاقه برای شنیدن روزمره.

- بعضی از قطعات سنتی در قالب ریمیکس‌های الکترونیک منتشر شده‌اند که جذابیت بیشتری برای نسل جوان دارند.

(ج) ظهور هنرمندان سنتی با سبک جدید

برخی هنرمندان جوان تلاش کرده‌اند موسیقی سنتی را با زبانی نزدیک‌تر به نسل زد ارائه دهند، از جمله:

- محسن نامجو (ترکیب موسیقی سنتی با شعر نو و راک)

- پرواز همای (ترانه‌هایی با رویکرد اعتراضی و اجتماعی)

- کیهان کلهر (استفاده از موسیقی سنتی در فضاهای بین‌المللی و تلفیق با موسیقی جهانی)

سه- موسیقی محلی و فولکلور در بین نسل زد

در کنار موسیقی سنتی کلاسیک، موسیقی محلی و فولکلور ایران نیز در حال تجربه تغییرات خاصی است.

(الف) احیای موسیقی محلی از طریق رسانه‌های دیجیتال

- برخی از موسیقی‌های محلی، مانند موسیقی کردی، آذری، قشقایی و بلوچی، در سال‌های اخیر محبوب‌تر شده‌اند.

- هنرمندانی مانند عاشیق‌ها، ناصر رزازی (کردی) و پارسا خائف (آذری)، موسیقی محلی را به نسل جدید معرفی کرده‌اند.

- اجرای قطعات محلی در مسابقات تلویزیونی (مانند عصر جدید) باعث افزایش آگاهی جوانان نسبت به این سبک‌ها شده است.

(ب) تلفیق موسیقی محلی با سبک‌های جدید

- گروه رستاک با بازخوانی آهنگ‌های محلی و تنظیم مدرن، توانسته است بخشی از نسل زد را جذب کند.

- هنرمندانی مانند سامان جلیلی و رضا صادقی، گاهی از ملودی‌های محلی در موسیقی پاپ استفاده می‌کنند.

چهار- آیا موسیقی سنتی در میان نسل زد آینده‌ای دارد؟

(الف) چالش‌ها

- محدودیت در دسترسی: اگر موسیقی سنتی نتواند خود را در فضای دیجیتال گسترش دهد، به تدریج از دایره مخاطبان جوان خارج خواهد شد.

- عدم ارتباط با سبک زندگی مدرن: موسیقی سنتی نیاز به تغییر در نحوه ارائه دارد تا برای نسل زد جذاب‌تر شود.

(ب) فرصت‌ها و راهکارها

- تلفیق با سبک‌های مدرن: تجربه موفق موسیقی تلفیقی نشان می‌دهد که می‌توان با حفظ اصالت، آن را در قالب‌های جدید ارائه داد
- استفاده از شبکه‌های اجتماعی: انتشار موسیقی سنتی در قالب‌های جذاب‌تر مانند ویدیوهای کوتاه یا اجراهای زنده می‌تواند آن را برای نسل جدید قابل‌دسترس‌تر کند.
- سرمایه‌گذاری روی آموزش: برنامه‌هایی که موسیقی سنتی را در مدارس یا فضای آنلاین آموزش دهند، می‌توانند به احیای این موسیقی کمک کنند.



۱۷. موسیقی و زنان نسل زد

یک- مقدمه

موسیقی یکی از ابزارهای کلیدی در بیان هویت زنان در جوامع مختلف بوده است. در ایران، نسل زد زنان و دختران، با استفاده از موسیقی به عنوان رسانه‌ای برای اعتراض، بیان هویت و نمایش توانایی‌های خود، تحولی چشمگیر در این حوزه ایجاد کرده‌اند.

دو- نقش زنان در موسیقی نسل زد

زنان نسل زد در ایران با وجود محدودیت‌های اجتماعی و قانونی، موفق شده‌اند صحنه موسیقی را تغییر دهند. بسیاری از خوانندگان زن، با استفاده از فضای مجازی و پلتفرم‌های بین‌المللی، صدای خود را به گوش مخاطبان داخلی و خارجی رسانده‌اند.

- افزایش خوانندگان مستقل زن: بسیاری از زنان نسل زد، بدون وابستگی به سیستم موسیقی رسمی، از طریق اینستاگرام، یوتیوب و اسپاتیفای فعالیت می‌کنند.

- استفاده از سبک‌های موسیقی جدید: سبک‌هایی مانند ایندی پاپ، هیپ‌هاپ و تلفیقی بیشترین محبوبیت را بین هنرمندان زن این نسل دارند.

سه- چالش‌های زنان در موسیقی نسل زد

با وجود پیشرفت‌ها، زنان همچنان با موانع جدی در جامعه مواجه‌اند:

- محدودیت در اجرای برنامه زنده: به دلیل قوانین، خوانندگان زن در ایران اجازه اجرای تک‌خوانی ندارند.
- سانسور و فشارهای اجتماعی: انتشار برخی آثار موسیقی زنان با محدودیت یا حذف از پلتفرم‌های داخلی روبه‌رو می‌شود.

چهار- هنرمندان تاثیرگذار زن در نسل زد

از میان خوانندگان زن نسل زد، برخی موفق به جلب توجه گسترده‌ای شده‌اند. سحر محمدی، ملانی آوانسیان، رها اعتمادی و دیگر خوانندگان، نمونه‌هایی از هنرمندانی هستند که موسیقی زنان را در این نسل پیش برده‌اند.

پنج- آینده و چشم‌انداز موسیقی زنان نسل زد
با گسترش فناوری‌های ارتباطی و افزایش آگاهی عمومی، موسیقی زنان در ایران به سمت بین‌المللی شدن پیش می‌رود. همکاری با هنرمندان خارجی و انتشار آثار در پلتفرم‌های جهانی، نوید آینده‌ای روشن برای زنان موسیقی‌دان ایرانی می‌دهد.

۱۸. موسیقی نسل زد و انقلاب زن، زندگی، آزادی

یک- مقدمه

جنبش «زن، زندگی، آزادی» که در پی اعتراضات گسترده سال‌های اخیر در ایران شکل گرفت، تاثیر شگرفی بر موسیقی نسل زد گذاشته است. این جنبش باعث شد که موسیقی به عنوان ابزاری برای بیان اعتراضات، اتحاد و مقاومت به کار گرفته شود.

دو- تاثیر موسیقی بر جنبش زن، زندگی، آزادی

- شکل‌گیری سرودهای اعتراضی: بسیاری از خوانندگان نسل زد، آثاری را در حمایت از این جنبش منتشر کردند. از جمله، ترانه‌هایی که در اعتراضات خیابانی سر داده شدند.

- انتشار موسیقی در فضای مجازی: به دلیل محدودیت‌های داخلی، آثار اعتراضی از طریق یوتیوب، اینستاگرام و اسپاتیفای منتشر شدند.



سه- هنرمندان شاخص موسیقی در این جنبش

چندین خواننده و آهنگساز از نسل زد به عنوان صدای این جنبش شناخته شدند. توماج صالحی با انتشار قطعات رپ اعتراضی، نقش مهمی در انتقال پیام‌های این جنبش داشت. شروین حاجی‌پور با ترانه «برای» به نمادی از این جنبش تبدیل شد.

چهار- سرکوب و مقاومت هنرمندان نسل زد

- دستگیری و سانسور: بسیاری از هنرمندان، به دلیل حمایت از این جنبش با فشارهای امنیتی و قضایی مواجه شدند.

- همبستگی جهانی: پس از شدت گرفتن سرکوب‌ها، هنرمندان ایرانی و خارجی به حمایت از موسیقی‌دانان معترض پرداختند.

۵. آینده موسیقی اعتراضی در ایران

موسیقی اعتراضی در نسل زد، به روندی پر قدرت تبدیل شده است که احتمالاً در سال‌های آینده ادامه خواهد یافت. همکاری‌های بین‌المللی و حضور هنرمندان ایرانی در جشنواره‌های جهانی، نشان می‌دهد که موسیقی اعتراضی نسل زد جایگاه ویژه‌ای در تحولات اجتماعی ایران خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

موسیقی نسل زد در ایران بیانگر تحولی عمیق در عرصه فرهنگی و هنری است که از تعامل میان سنت و مدرنیته، بهره‌گیری از نوآوری‌های تکنولوژیک و بازتاب اعتراض‌های اجتماعی شکل گرفته است. با وجود موانع قانونی و اقتصادی که همچنان چالشی اساسی برای هنرمندان محسوب می‌شوند، خلاقیت و تمایل این نسل به ابراز هویت و دیدگاه‌های انتقادی، به خلق ژانرهای نو و تغییر نگرش‌های فرهنگی انجامیده است. آینده این جریان موسیقایی به میزان توانایی هنرمندان در سازگاری با تحولات جهانی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین وابسته خواهد بود.

موسیقی سنتی ایران در قالب کلاسیک خود، محبوبیت کمتری در میان نسل زد دارد، اما در سبک‌های جدید مانند موسیقی تلفیقی و محلی، بار دیگر مورد توجه قرار گرفته است.

برخی هنرمندان با ارائه موسیقی سنتی در سبک‌های نوآورانه، توانسته‌اند نسل جوان را جذب کنند.

آینده موسیقی سنتی به میزان انطباق آن با فضای دیجیتال و سبک زندگی مدرن بستگی دارد. در صورتی که این موسیقی بتواند همگام با تحولات جدید پیش رود، می‌تواند جایگاه خود را در میان نسل زد حفظ کند.

مارس ۲۰۲۵

منابع:

- یک- رضایی، م. (۱۳۹۸). تأثیر فناوری‌های نوین بر موسیقی معاصر در ایران. نشر دانشگاهی.
- دو- صالحی، ت. (۱۳۹۹). موسیقی اعتراضی در ایران: از گذشته تا حال. مجله هنر و فرهنگ معاصر.
- سه- یغمایی، ک. (۱۴۰۰). تلفیق موسیقی سنتی و مدرن در ایران. پژوهش‌های موسیقی.
- چهار- آفاق، ک. (۱۳۹۷). دگرگونی‌های سبک‌های موسیقی در عصر دیجیتال. انتشارات هنر نوین.
- پنج- یزدانی، ر. (۱۴۰۱). چالش‌های اقتصادی هنرمندان مستقل در ایران. نشریه اقتصاد و فرهنگ.
- شش- اطلاعات و تحلیل‌های آماری از مرکز آمار ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۹).
- هفت- کریمی، س. (۱۳۹۹). مطالعات تطبیقی موسیقی جوانان در سطح جهانی. انتشارات فرهنگ نوین
- این منبع به بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های موسیقی نسل زد در ایران با سایر کشورها پرداخته و تحلیل‌های تطبیقی ارائه می‌دهد.
- هشت- حسینی، ع. (۱۴۰۰). آینده موسیقی دیجیتال: چالش‌ها و فرصت‌ها. نشریه هنر و فناوری.
- مقاله‌ای درباره روندهای آینده در تولید و انتشار موسیقی در عصر دیجیتال که به بررسی فرصت‌ها و موانع پیش رو پرداخته است.
- نه- صادقی، م. (۱۳۹۸). همکاری‌های بین‌المللی در عرصه موسیقی معاصر. مجله موسیقی و هنر.
- این منبع به بررسی تأثیر تعاملات و همکاری‌های بین‌المللی بر موسیقی نسل زد در ایران می‌پردازد.
- ده- احمدی، ف. (۱۳۹۹). تأثیر شرایط اجتماعی و سیاسی بر موسیقی معاصر ایران. انتشارات اندیشه نو.
- تحلیل جامع از تأثیرات متقابل شرایط اجتماعی و سیاسی بر آثار موسیقایی نسل زد.
- یازده- نجفی، ع. (۱۳۹۷). محدودیت‌های قانونی و سانسور در صنعت موسیقی ایران. مجله حقوق و فرهنگ.
- مقاله‌ای تحلیلی درباره چالش‌های قانونی و سانسور که هنرمندان در ایران با آن مواجه هستند.
- دوازده- رضا، م. (۱۴۰۱). انتقادات سیاسی در موسیقی نسل زد. پژوهش‌های موسیقی معاصر.
- این منبع به بررسی نحوه بیان انتقادات سیاسی و اجتماعی در آثار هنرمندان نسل زد (مانند توماج صالحی) پرداخته است.
- سیزده- کریمی، م. (۱۳۹۹). چالش‌های ارتباطی هنرمندان با نهادهای رسمی فرهنگی. انتشارات دیالوگ فرهنگی.
- مقاله‌ای که به بررسی موانع ارتباطی و عدم هماهنگی بین هنرمندان مستقل و نهادهای رسمی فرهنگی در ایران می‌پردازد.

چهارده- جعفری، ب. (۱۴۰۰). نگرش انتقادی نسل جوان به سیاست‌های حکومتی: مطالعه موردی موسیقی. نشریه جامعه‌شناسی هنر.

• این منبع دیدگاه‌های انتقادی جوانان نسبت به سیاست‌های حکومتی را از منظر موسیقی بررسی می‌کند. پانزده- زنگنه، ع. (۱۴۰۰). پیام‌های سیاسی در آثار موسیقایی معاصر ایران. مجله تحلیل هنر.

شانزده- رب اعتراضی زنان؛ مبارزه‌ای نادیده علیه حجاب صدا

• نویسنده: ناشناس

• تاریخ انتشار: ۲۵ اسفند ۱۴۰۱

• خلاصه: این مقاله به بررسی نقش زنان در موسیقی رب اعتراضی ایران و چالش‌های آن‌ها در مواجهه با سرکوب سیستماتیک می‌پردازد.

• لینک: <https://www.radiozamaneh.com/806162/>

هفده- زنان در موسیقی ایران

• نویسنده: ناشناس

• تاریخ انتشار: ۱۳۹۶

• خلاصه: این مقاله به تاریخچه حضور زنان در موسیقی ایران و محدودیت‌های پس از انقلاب ۱۳۵۷ می‌پردازد.

• لینک: https://fa.wikipedia.org/wiki/زنان_در_موسیقی_ایران

هجده- از رپرهای دهه ۸۰ تا دختران دهه هشتادی؛ گذشته و آینده موسیقی زیرزمینی در ایران

• نویسنده: ناشناس

• تاریخ انتشار: ۱۴۰۲

• خلاصه: این مقاله به بررسی تحولات موسیقی زیرزمینی ایران و نقش زنان جوان در این عرصه می‌پردازد.

• لینک: <https://www.asriran.com/fa/news/1026551/>

* منابع مرتبط با «موسیقی نسل زد و انقلاب زن، زندگی، آزادی»
نوزده- آهنگ «برای...» در مقایسه‌ای گذرا با سرودهای انقلابی ۵۷

• نویسنده: ناشناس

• تاریخ انتشار: ۱۴۰۰

• خلاصه: این مقاله به مقایسه آهنگ «برای...» با سرودهای انقلابی سال ۵۷ و نقش آن در اعتراضات اخیر می‌پردازد.

• لینک: <https://www.hafteh.ca/news/1568/>

بیست- موسیقی برای انقلاب

• نویسنده: صفا پوینده

• تاریخ انتشار: ۱۴۰۱

• خلاصه: این مقاله به نقش موسیقی در اعتراضات سراسری ایران و تأثیر آن بر جنبش «زن، زندگی، آزادی» می‌پردازد.

• لینک: <https://www.hra-news.org/articles/a-1009/>

بیست و یک- سرود زن

• نویسنده: ناشناس

• تاریخ انتشار: ۲۰۲۲

• خلاصه: این مقاله به معرفی و تحلیل سرود «زن» ساخته مهدی یراحی و نقش آن در اعتراضات ایران می‌پردازد.

• لینک: https://en.wikipedia.org/wiki/Soroode_Zan



تمرکز ترکیه بر هوش مصنوعی؛ ارتقای شغلی برای نسل زد/ ترجمه از پروین آزاد



توضیح عکس: دانشجویان دانشگاه آدانا روی پروژه ای برای رویداد تکنوفست کار می کنند. آدانا، ترکیه، ۲۱ آگوست ۲۰۲۴ (عکس از آسوشیتدپرس)

دیلی صباح، ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۴ (Daily Sabah)

مطالعه اخیری که شامل ۹ کشور از جمله ترکیه است، نشان می دهد که در این کشور از هر پنج نفر ، دو نفر می خواهند کسب و کار خود را داشته باشند. موسسه ی پرپلی (Preply) مطالعه ای در مورد چشم اندازهای میان نسلی و عادات یادگیری آنها، با مشارکت ۵۴۰۰ نفر در کشورهایمانند ترکیه، آرژانتین و مکزیک انجام داده است.

در ترکیه، ۳۸ درصد از شرکت کنندگان، یا تقریباً دو نفر از هر پنج نفر، راه اندازی استارت آپ را از جمله سه هدف اصلی شغلی خود قرار داده اند. جوانان ترک با روندهای جهانی همسو شده اند، زیرا تقریباً از هر دو نفر یکی ثبات مالی را به عنوان هدف اصلی شغلی خود قرار داده است. علاوه بر این، از هر پنج شرکت کننده، دو نفر، دستیابی به هدفشان را به عنوان سومین هدف شغلی خود رتبه بندی می کنند.

این مطالعه که اولویتهای نسل زد و هزاره ها را بررسی می کند، ثبات مالی را به عنوان مهمترین هدف در همه کشورها و گروه های سنی شناسایی می کند. در سطح جهانی، ۶۴ درصد از نسل هزاره و ۵۹ درصد از پاسخ دهندگان نسل زد، ثبات مالی را به عنوان هدف اصلی زندگی خود رتبه بندی می کنند.

در ترکیه، هر دو نسل، به طور مشابه، پیشرفت شغلی و سپس ثبات مالی را به عنوان تمرکز اصلی خود بر می شمارند. پیرو ثبات شغلی و مالی، جوانان ترکیه ای بیشتر می خواهند با خانواده و دوستان وقت بگذرانند و همچنین برای حفظ سلامت خود به فعالیت های فیزیکی بپردازند. از طرف دیگر، برای اغلب جوانان ترکیه داشتن یک "رابطه عاشقانه مهم" از اهمیت چندانی برخوردار نیست و تنها ۱۵ درصد آن را قابل توجه می دانند.

این مطالعه نشان می دهد که چگونه در سطح جهانی، کارشناسان به دنبال رشد شخصی هستند. یافته ها حاکی از آنست که ۲۹ درصد از کسانی که در صدد بهبود مهارت های خود هستند، یادگیری یک زبان جدید را در اولویت قرار می دهند، انتخابی که از سایر راهبردهای پیشرفت مانند استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی (AI) یا افزایش مهارت های فناوری پیشی گرفته است.

یادگیری زبان از دیرباز به عنوان کلید رشد شخصی و حرفه ای شناخته شده است که در ضرب المثل ترکی "Bir lisan, bir insan" (یک زبان، یک انسان) منعکس شده است.

هوش مصنوعی از دیگر نکات مهم مورد توجه بود. هر دو نسل زد و هزاره " یادگیری نحوه استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی" را، پس از یادگیری زبان به عنوان دومین مهارت مورد علاقه خود اعلام کردند. ارتقا مهارت های فناوری و مهارت های رهبری به ترتیب در مقام سوم و چهارم توجه بودند.

برابر داده های مطالعه ی انجام شده، ۵۴ درصد از شرکت کنندگان، برای انجام کارهایشان، فعالانه از ابزارهای هوش مصنوعی مانند چت جی پی تی استفاده می کنند. این رقم در میان نسل زد به ۵۹ درصد رسیده که از رقم ۵۰ درصدی میان هزاره ها پیشی گرفته است.

در ترکیه، ۶۱ درصد از شرکت کنندگان از ابزارهای هوش مصنوعی استفاده می کنند. این کشور پیشرو بکارگیری هوش مصنوعی و از کشورهایی مانند ایالات متحده، آلمان، ژاپن و کره جنوبی پیشی گرفته است.

در سطح جهانی، مردان بیش از زنان از فناوری هوش مصنوعی استقبال می کنند. ۶۱ درصد از پاسخ دهندگان مرد، و در مقایسه ۴۱ درصد از زنان به طور فعال از هوش مصنوعی استفاده می کنند . برای تبحر در استفاده اینگونه فناوریها ، ۲۵ درصد مردان اقدام به آموزش میکنند، در حالی که تنها ۱۹ درصد از زنان تلاش های مشابهی را دنبال کردند.

این مطالعه همچنین نشان داد که بطور عام ، از هر ۱۰ نفر، هفت نفر اهمیت بیشتری به داشتن یک شغل ارضا کننده و ارزشمند به جای صرفا ثبات مالی میدهند. در ترکیه، ۶۸ درصد از شرکت کنندگان، در مقایسه با سال گذشته، تمرکز بیشتری بر یافتن کاری که برای آنها شادی آور و هدفمند باشد، دارند.

اولویت دادن به سلامت جسم و روان به طور قابل توجهی افزایش یافته است • حدود ۶۵٪ از شرکت کنندگان در این مطالعه اظهار کردند که در سال ۲۰۲۴ در مقایسه با سال قبل، تاکید بیشتری بر رفاه (well-being) خود داشته اند. در اسپانیا نزدیک به ۷۳٪ از پاسخ دهندگان سلامت خود را در اولویت قرار دادند.

فوریه ۲۰۲۵

لینک متن ترجمه:

<https://www.dailysabah.com/turkiye/study-highlights-turkiyes-focus-on-ai-career-growth-in-gen-z/news>



مصاحبه های کوتاه با دختران و پسران نسل زد در ایران / جمع آوری توسط شهره ایرانی از شورای سردبیران گاهنامه‌ی "برابری"



سوال یک- خود را به عنوان پسر یا دختر ایرانی متعلق به چه نسل یا قشری در جامعه می دانید؟ در این تعلق با چه چالش هایی روبرو هستید؟

پاسخ بامداد- بیست و هشت ساله /متولد تهران: تعلق داشتن به دسته‌ای خاص عموماً برای من مفهومی گنگ داشته و دارد و برای پاسخ به این سوال باید عنوان بشود که این تعلق از چه لحاظ (اجتماعی، مالی، یا صرفاً سال تولد و غیره) مورد بحث است. طبق برخی از منابع، من که متولد ۱۹۹۶ میلادی هستم، نسل Y یا Millennial محسوب می‌شوم و طبق برخی دیگر نسل زد. به شخصه در طول زندگی دغدغه‌ها و علایقم را بیشتر شبیه به کسانی که نسل زد تلقی می‌شوند یافته‌ام. چالش‌ها برای من فراوان بوده‌اند! اما به طور خلاصه یکی از مهمترین چالش‌ها برای من پیدا کردن جایگاهم در زندگی و برآورده کردن روزمرگی‌ای است که بیشترین میزان شادی را برایم رقم بزند.

پاسخ داریوش- من خودم را متعلق به نسل زد ایران می‌دانم و فکر می‌کنم که نسل ما نسل خوبی است یعنی بسیار با دانش و پرتلاش و به شدت پیشرو و شدیداً سیاسی و بزرگترین چالش من پول هست و اقتصاد، پول درآوردن توی ایران سخت هست و گذران عمر بسیار کلافه کرده مارو. آینده نداریم و دلهره داریم برای ازدواج و انتخاب شغل بهتر یا درآمد خوب تر.

پاسخ مهدی- من به نسل زد ایران تعلق دارم. در فضای آنلاین زندگی کردم و بزرگ شده‌ام. از تکنولوژی‌های مختلف استفاده کرده و می‌کنم و نسل ما در شبکه‌های اجتماعی حضور سنگین و موثر دارد. دسترسی به اطلاعات و منابع موجب افزایش آگاهی ما شده است. چالش‌های ما با حکومت بسیارند مانند بحران عدم اعتماد به نظام، مخالفت با محدودیت‌های موجود، بحران بیکاری و تورم، بی‌ثباتی اقتصادی، و دیگر بحران‌های اجتماعی و مدنی، و نداشتن آینده روشن است.

سوال دو- رسانه‌های گروهی و اجتماعی چه نقشی در شکل دهی به باورها و رفتارهای شما بازی می‌کنند و یا دارند؟ فناوری‌های رسانه‌ای را برای خود تهدید می‌بینید و یا فرصت تلقی می‌کنید؟

پاسخ بامداد- این رسانه‌ها مسلماً بر باور‌ها و عقاید و رفتار همه ما اثرگذار هستند و می‌توانند زندگی را از پنجره بینش دیگر انسان‌ها تا حدودی نشان دهند و یا الگوها و باورهای مخربی را به راحتی در بسیاری از افراد جامعه شکل دهند. به باور من، فناوری‌های رسانه‌ای همانند دیگر شاخه‌های فناوری یک شمشیر دو لبه است؛ با در نظر گرفتن تأثیرات بی‌شمار مثبت و منفی این رسانه‌ها، معتقدم که می‌توان آن را در عین خطرآفرین بودن، فرصت در نظر گرفت و البته که باید فرهنگ استفاده از آن را آموخت.

پاسخ داریوش- سوشیال میدیا در ایران خیلی جالب و قوی شده است و نمونه‌اش همین پیج فیفا است که مرتباً بخاطر این که ایرانی‌ها توی اینستاگرام زیادند به فارسی پست می‌گذارند، خب این نشون می‌ده که ایرانی‌ها قدرت پیدا کردند در اینستاگرام و تعدادشون از خیلی از کشورها زیاد تر شده و من به شدت به اپلیکیشن اینستاگرام

علاقه‌مند هستیم از توییتر هم خوشم می‌آید ولی توش فعال نیستم چون همش فحش میدن ملت به هم دیگه و از واتساپ هم برای تماس با دوست دخترم و یا ارتباطات خارج کشورم استفاده می‌کنم و فکر میکنم که سوشیال میدیا پتانسیل و ظرفیت بالایی پیدا کرده در ایران و مردم اگر تاریخ مصر رو مطالعه کنند متوجه میشن که چه جوری مصری‌ها با استفاده از همین فضای مجازی در کشورشان انقلاب کردند و یکی از دلایلی که حکومت جمهوری اسلامی با فضای مجازی مشکل داره و اخیرا هم خود خامنه‌ای گفته بود که فضای مجازی ول هست و باید سفت بگیریم اش دست مون همین ترس شون از قدرت روز افزون جامعه نوجوان ایرانی در سوشیال میدیا است. فیلترینگ مشکل جمهوری اسلامی رو حل نکرده و مردم راه ارتباط گیری رو بلدند فقط هزینه گذاشته روی دست کشور و ملت و ما هم به این رفتارهای خائنانه و غیر منطقی و همیشگی جمهوری اسلامی عادت کردیم که پول‌های بی‌زبان ما مردم رو خرج تصمیمات بی‌نتیجه می‌کنه و عادی شده برامون. ما اصلا اینا رو حساب نمی‌کنیم و کار خودمون رو انجام میدیم!

پاسخ مهدی- رسانه‌های اجتماعی برای نسل زد هم فرصت و هم چالش هستند. این رسانه‌ها ابزار آگاهی و شبکه‌سازی می‌باشند. حضور بیش از حد در شبکه‌های مجازی باعث می‌شود که گاه فکر کنم که از کنشگری واقعی فاصله گرفته‌ام.



سوال سه- خواست و مطالبات شما با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران از جامعه و حکومت کنونی چه هستند؟

پاسخ بامداد- معتقدم که خواسته‌ها و مطالبات من در جامعه‌ی کنونی ایران جایی ندارد و سال‌هاست که شرایط این جامعه با اختلاف زیادی از وضعیت انسانی فاصله گرفته و برای من غیرقابل هضم است.

پاسخ مهدی- خواسته‌های واقعی امثال من که به نسل زد تعلق داریم، آزادی‌های فردی و اجتماعی، برابری جنسیتی، آزادی بیان، حق انتخاب سبک زندگی، پایان سرکوب و سانسور است. ما خواهان جامعه‌ای بازتر و مدرن‌تر که مبتنی بر عدالت اجتماعی و ضد تبعیض باشد هستیم.

سوال چهار- آیا می‌اندیشید هم نسلی‌های شما نسبت به نسل‌های پیش دارای تفاوت‌های بنیادی هستند؟ اگر آری، این تفاوت‌ها را چگونه رقم می‌زنید؟ اشتراکات شما با نسل‌های پیش از خودتان را در چه می‌بینید؟

پاسخ بامداد- به نظر من این تفاوت زیاد و فاحش است. قطعاً یکی از اصلی‌ترین عواملی که موجب این تفاوت بوده، فناوری اطلاعات است. زندگی روزمره‌ی نسل امروز با تکنولوژی و اینترنت عجین شده است و عموم کودکان و نوجوانان امروزه به حجم بسیار زیادی از اطلاعات از طریق اینترنت دسترسی داشته و طبیعتاً جهان‌بینی بسیار متفاوتی نسبت به نسل قبل دارند. در ارتباط با اشتراکات خودم با نسل‌های قبلی نظری ندارم، چرا که اشتراکات چندانی به ذهنم نمی‌رسد.

پاسخ مهدی- بله، ما با نسل‌های قبلی تفاوت‌های زیادی داریم. ما اغلب جهانی فکر می‌کنیم، دسترسی به اطلاعات متنوع داریم، با سنت‌های تحمیلی میانه‌ای نداریم. و برابری طلب و ضد تبعیض هستیم و طرفدار حقوق زنان و افزایش نقش آنان در جامعه می‌باشیم. در برخی عرصه‌ها مانند مشکلات معیشتی و اقتصادی، میل به امید

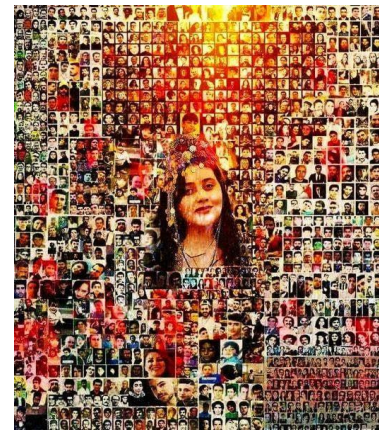
و امنیت با نسل های گذشته مشترکیم.

سوال پنج- حقوق زنان و برابری جنسیتی چه جایگاهی در نگاه شما به مسائل اجتماعی دارد؟ آیا این دو موضوع را جزو دغدغه های زیست اجتماعی فرهنگی خود می دانید؟

پاسخ بامداد- حقوق زنان و برابری جنسیتی همواره برای من یک دغدغه زیست اجتماعی بوده است و معتقدم این موارد باید در اولویت های یک جامعه باشد. حتی باور دارم که برابری جنسیتی و حقوق زنان از پایه ترین و ابتدایی ترین ویژگی های یک جامعه استاندارد است. ویژگی های جنسیتی و بیولوژیکی کاملاً شخصی بوده و برای دیگران مشکل آفرین نیستند؛ بنابراین به عقیده من جامعه ای که در آن یک انسان به صرف داشتن این ویژگی ها مورد آزار و یا محدودیت قرار می گیرد، غیر انسانی بوده و نیازمند اصلاح جدی است.

پاسخ داریوش- من به حقوق زنان باورمند هستم و معتقدم باید زن و مرد حقوق تساوی داشته باشند و در زندگی خصوصی و شخصی خودم هم دارم تلاش می کنم این هدف رو دنبال و پیاده سازی کنم و نتیجه خوبی هم گرفتم از این روش فکری و زندگی خیلی خوشحالم که این طوری فکر میکنم و بهش باور دارم و آینده از آن ماست و نسل های ایران راه خودشون رو پیدا خواهند کرد.

پاسخ مهدی- قطعاً این موضوع برای من مهم است. بخشی از دوستان و هم کلاسی های من در دانشگاه دخترانی هستند که با نابرابری ها و تبعیضات روزانه روبرو هستند. از قوانین محدودکننده حکومتی گرفته تا نگاه های منفی و تبعیض آمیز جامعه. من بر این اعتقادم که بدون برابری جنسیتی، هیچ تغییری در وضعیت اجتماعی ایران پایدار نخواهد بود.



سوال شش- جنبش اجتماعی «زن، زندگی، آزادی» چه تاثیری بر نگاه و رفتار اجتماعی و فرهنگی شما داشته است؟

پاسخ بامداد- من همواره در خصوص حقوق برابر زن و مرد دغدغه مند بودم و این جنبش بیش از آن که تغییری در بینش من ایجاد کند، امیدی موقت در دل تاریکی بود برای درمان این کشور بیمار.

پاسخ داریوش- جنبش مهسا امینی خیلی به من کمک کرد تا ثابت کنم به دوستان دیگر خودم که حق دارند بهتر زندگی کنند و باعث شد که زبان من و امثال من به برخی از افراد سنت گرا دراز شه و اونها حس کردند که در ایران در اقلیت هستند و باید دیگری و حقوق اش رو به رسمیت بشناسند.

ما اون روزا فکر می کردیم جمهوری اسلامی داره سقوط میکنه ولی وقتی خوردیم به برهه این اجلاس خارج کشوری جورج تاون همه ناامید شدند از خیلی ها پرسیدم همه می گفتند جمهوری اسلامی پشت موضوع بود و باعث شد مردم ناامید بشوند و بدبینی بزرگی درست کرد توی اون برهه در داخل ایران که اپوزیسیون ایران قدرت همکاری باهم رو ندارند و توان برانداختن سیستم فعلی رو ندارند و باید به دنبال راه بهتری بود شاید در دانشگاه ها شاید در داخل ولی سرجمع فکر می کنم جامعه ایرانی داره راه خودش رو پیدا می کنه و زمان به ضرر این رژیم داره میره به جلو.

پاسخ مهدی- این جنبش توانست نگرش مرا نسبت به قدرت کنشگری اجتماعی تغییر دهد. به علاوه موجب این

شد نسل زد ایران که من به آن تعلق دارم هویت خودش را بازتعریف کند و به این نتیجه مهم برسد که تحولات واقعی از دل جنبش‌های اجتماعی و مدنی بیرون می‌آید، نه از تغییرات سطحی سیاسی.

سوال هفت- به نظر شما، آخرین نسل حاضر بنام زد چگونه می تواند در تغییرات آینده ایران نقش موثری ایفا کند؟

پاسخ بامداد- این نسل در موردی بسیاری از مسائل اجتماعی ذهن بازتری دارند و به علت آشنایی با فضای مجازی و فناوری اطلاعات، همواره دسترسی بیشتری به آگاهی نسبی در مقایسه با نسل‌های قبلی داشته‌اند و می‌توانند اصلاحات بنیادینی رقم بزنند. قابل توجه است که اثر گذاری یک نسل بر آینده تا حد بسیار زیادی به آموزش و پرورش آنان در روزگار حاضر باز می‌گردد.

پاسخ داریوش- نسل زد کشور باید چهارتا هدف رو دنبال کنند اول اینکه حقوق زنان رو پی گیری کنند و از زن ها دفاع کنند. دوم اینکه به اصلاح طلبان اعتماد نکنند و کار سیاسی خودشون رو بکنند و شبکه سازی داشته باشند فقط در جهت اسقاط رژیم و نه اصلاحات. سوم اینکه در رسانه های اجتماعی فعال تر باشند و جهت دهی فعال داشته باشند و چهارم هم اینکه با مذهبی ها بد رفتاری نکنند تا اون ها هرچه سریعتر بیان توی زمین ما و به بافت اکثریت جامعه اعتماد کنند.

پاسخ مهدی- نسل زد ایران با وجود سرکوب و ممنوعیت ها از امکانات مجازی و ارتباطی بسیار قوی برخوردار است. این نسل آگاهی بیشتری نسبت به نسل‌های قبلی دارد و از سرکوب، کمتر می‌ترسد. نسل ما می تواند روند تغییرات اساسی را با سازماندهی های برنامه ریزی شده، و آگاهی رسانی، و حضور فعال و گسترده در جنبش‌های مدنی و نافرمانی‌های مدنی افزایش دهد.



سوال هشت- به عنوان نوجوان و جوانی که در ایران بزرگ شده اید، چگونه سیاست ها و برنامه های جمهوری اسلامی را در ارتباط با حقوق فردی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود ارزیابی می کنید؟ آیا می اندیشید این سیاست ها شما را در بر می گیرد و از آن ها خشنود هستید؟ یا نه، این سیاست ها بیشتر در تضاد با خواسته ها، نیازها و مطالبات شما هستند؟

پاسخ بامداد- من در ارتباط با اکثر مسائل، همواره تلاش می‌کنم دیدگاه دیگر افراد را در نظر بگیرم و عادلانه نظر بدهم؛ اما در خصوص سیاست‌ها و برنامه‌های جمهوری اسلامی باید به طور خلاصه بگویم که نه تنها معتمد جمهوری اسلامی یکی از تیره ترین و نفرت‌انگیزترین دوران تاریخ معاصر ایران را رقم زد، بلکه بر این باورم که هر شخصی که با این نظام و حکومت به هر شکلی موافق است، فاقد سلامت عقل و روان بوده و یا به شکل تفکر برانگیزی ناآگاه است.

پاسخ داریوش- سیاست ها و برنامه های جمهوری اسلامی در همه زمینه ها علیه زندگی من تمام شده و معتمد این سیستم یکی از کثیف ترین سیستم های دنیا است و اصلا ایده و برنامه ای برای من و امثال من نداره و نخواهد داشت. یکی از عصبانیت های من اینه که مردم ما در فقر مطلق زندگی می کنند و این رژیم پول های ما رو خرج سوریه و لبنان کرد. آخرشم دیدیم که نصر الله کشته شد و حزب الله شکست خورد و بشار اسد هم سرنگون شد. خب نتیجه تصمیمات اخوند جماعت شد بدبختی نسل من و خیانت کردند در حق ما و اموال ما و وضعیت زندگی ما.

بلوچستان عزیز ایران در فقر مطلق داره اتیش میگیره و اینا هنوز به دنبال دادن سرمایه های ما به عرب ها هستند. اون روزی که قالیباف و برخی از سران شون رفته بودند برای تشییع حسن نصر الله من داشتم اخبارش رو دنبال می کردم واقعا خشمگین بودم که خیلی از این ها وطن فروش هستند و کشور خودشون رو قربانی اهداف اعتقادی کردند خب پاسخ سوال مشخص هست و داده میشه یعنی تماما ضرر است هم در عرصه های اقتصادی هم فرهنگی هم ملی هم اجتماعی هم منافع ملی!!!!!!

پاسخ مهدی- نسل زد ایران با حکومت اسلامی ایران مخالف و در تضاد است. زیرا ما با دیکتاتوری و تبعیض مخالفیم و از آزادی های فردی و اجتماعی دفاع می کنیم و مخالف تبعیض، اجبار و زور در جامعه هستیم.



سوال نه- با توجه به تفاوت های فکری و ارزشی که شما می توانید با نظام اسلامی چه در جنبه هایی از زندگی (مانند: آزادی های فردی، آزادی بیان، حقوق زنان، مشارکت سیاسی و...) بیشترین تضاد را با این نظام حس می کنید؟ این تضاد ها چگونه بر نگاه شما روی آینده جامعه و نقش خودتان در آن تاثیر می گذارد یا گذاشته است؟

پاسخ بامداد- من با یکایک ارزش ها و تمامی جنبه های نظام اسلامی مخالفم و آن را غیر انسانی و منجرکننده تلقی می کنم. این تضادها، من و عموم مردم ایران را از آینده ای این کشور و امکان اثرگذاری بر آن به شدت ناامید کرده و در نهایت باعث شد که من با دلی آکنده از اندوه در جست و جوی امیدی برای آینده ام ایران رو ترک کنم.

پاسخ داریوش- من در همه زمینه ها با جمهوری اسلامی تضاد دارم و خواهان سرنگونی سریع این سیستم تماما فاسد و ضد ایرانی هستم. شاید از ایران برم ولی معتقدم که ایران به زودی آزاد خواهد شد و مردم راه خودشون رو پیدا خواهند کرد و ما آزادی و آبادی میهن عزیزمان رو به زودی در تهران جشن خواهیم گرفت. جمهوری اسلامی اصلا ربطی به ایران نداره و به زودی خواهد رفت.

پاسخ مهدی- اصلی ترین تضادها در موضوعاتی مانند آزادی پوشش، آزادی بیان، حقوق زنان، حق اعتراض، کنترل شدید فضای مجازی، سانسور فرهنگی و مشارکت سیاسی وجود دارد. این تضادها موجب این شده که بسیاری از هم نسلان من آینده خود را در ایران ناروشن ببینید و از این زاویه به فکر مهاجرت بیفتند. اما در عین حال، این وضعیت ما را مصمم تر کرده که برای تغییر و بهبود شرایط، نقش فعال تری ایفا کنیم.

* این مصاحبه ها در ماه فوریه تا مارس انجام شده است.

